أبو عبد الرحمن الكردي





زن

زیباترین گل واژه آفرینش

چهل حدیث

اسکندر بلوکی

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: مسلمی، حسن، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: زن زیباترین گلواژه آفرینش (چهل حدیث)/مولف اسکندر بلوکی.
مشخصات نشر: قم: بیت‌الاحزان فاطمه (س)، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.
شابک: 978-600-6479-11-8: ۴۲۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: اربعینیات -- قرن ۱۴
موضوع: زنان -- احادیث
شناسه افزوده: بلوکی، اسکندر، ۱۳۴۰ -
رده بندی کنگره: BP۱۴۳/۹م۵ز۹ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۰۸۴۰۰

زن زیباترین گل‌واژه آفرینش

مؤلف: .... اسکندر بلوکی
ناشر: .... بیت الاحزان فاطمه علیها السلام
چاپخانه: .... گنج معرفت
صفحه آرا: .... فهیمی (گرافیک ظهور)
نوبت چاپ: اول/۱۳۹۱
تیراژ: .... ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: .... ۴۲۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۷۹-۱۱-۸

مرکز پخش: انتشارت بیت الاحزان فاطمه(س)
قم، خیابان معلم، میدان روح الله، روبروی دبیرستان امام صادق(ع)، پلاک ۸
تلفن: ۷۷۴۶۴۸۱-۷۸۳۳۳۲۲-۰۲۵۱ همراه: ۰۹۱۲۳۵۱۱۱۹۲

زن زیباترین

گل واژه آفرینش

چهل حدیث

اسکندر بلوکی

فهرست مطالب



بسم الله الرّحمن الرّحیم

مقدمه

باغ زیبا و مزّین به گلهای متنوّع، علاوه بر اینکه جلابخش دل و تشدید کننده قوهٔ بینایی اوست، استشمام بوی خوش آن نیز با شادابی و نشاط زایدالوصفی صفابخش جانش می‌شود. گل وجودی زن، معنا بخشِ باغ زندگی مرد است، که چشم او به دیدارش روشنی می‌گیرد و روح و جانش در کمال نشاط زندگی را تدبیر می‌کند.

عالم عشق و ایثار وامدارِ این بزرگ ایثارگرِ معشوق صفتِ عاشق پرور است. بزرگ مردان عالم امکان بواسطه او عظمت یافتند و پیش‌گامان عرصه‌های گوناگون به حمایت او گام به جلو نهادند. افتخار بهشتیان به گامهای استوار زنانی‌ست که آنان را رهنمون به بهشت شدند و حوریانی بسان خویش را همسفره و همکلام اینان قرار دادند.

رنگهایی از عشق و محبت، صفا و صمیمیّت، ایثار و فداکاری، بزرگ صفتی و بزرگ منشی، با بوهایی معطر را می‌توان در قالبهای گوناگون از این گل همیشه زیبا و دوست داشتنی دریافت.

«گل نوروز[1] بُوَد همواره نزدم — که از بوی خوشش همواره مستم
به الوان سفید و زرد و سرخی — بنازم سرخی رویت به سبزی»[2]

زن بهترین همدم و محافظ همسر، بهترین مربی فرزند، بهترین آرامش بخش کودک، بهترین غمخوار پدر، بهترین عزیز مادر، بهترین رازدار و دلسوز برادر و بهترین همراه خواهر است. زیبایی نامش در عمه و خاله بودن، و دعاگوی میوه دل فرزندش[3] از دیگر محاسن اوست. او قلبی لطیف دارد و کلامی دلنشین. محبت او بسیار است و احساسات او پاک، عاشقی کم نظیر است و معشوقی دلپذیر. او گل زیبای باغ زندگی ست و زیباترین گل واژه آفرینش. بر این اساس مولّف با استناد به چهل حدیث پیرامون او و طریقه حفاظت و صیانت از وجود این گل زیبا به سخن پرداخته است، باشد مورد تایید خالق باغ هستی قرار گیرد.



۱- همان گل پامچال است که دارای برگهای درشت و ستبر و شاخه‌های کوتاه است که از میان آنها ساقه‌ای به بلندی ۲۰ سانتی متر بالا می‌رود و بر سر آن گلهای زیبا به رنگهای مختلف سرخ و زرد و سفید شکفته می‌شود. فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۳۲

۲- مولّف

۳- نوه

حدیث اول: زن گلی خوشبوست

«و لا تُمَلِّکِ المَرأةَ مِن اَمرِها ما جاوَزَ نَفسَها فَأنَّ ذلکَ اَنعَمُ لِحالِها وَ اَرخا لِبالِها وَ اَدوَمُ لِجمالِها فأنَّ المَرأةَ ریحانهٌ و لَیست بِقَهرمانَة»[1]

و آنقدر به زن اختیار مده که ازحدود خود پا فراتر گذارد زیرا همین محدودیت برای حال او بهتر و برای خاطر او آسایش بخش‌تر و برای حفظ زیبائیش با دوام‌تر است. چون زن گل بهاری (لطیف و خوشبو و آسیب پذیر) است نه زورمند و قهرمان.

استشمام بوی خوش گلی می‌تواند جسم و جان را حالی دهد که با توجه به میزان نیاز از آب، نور، دما، کود و دیگر املاح بهره‌مند شود، اگر بیشر یا کمتر از نیاز بهره‌مند شود قطعاً آسیب می‌پذیرد. تعامل با هر گلی بستگی به نوع آن دارد و بوها هم متنوّع است.

هرکس بویی به مشامش خوشایند است. گل نیاز به مراقبت ویژه و عاطفه مدارانه دارد. اگر در اطرافش علف هرز یا خار رویید باید در کمال آرامش آنگونه وجین شود تا گل صدمه نبیند. در هوای سرد می‌توان از گرمای سوزاندن خارها گرم شد ولی با گل اینگونه عمل نمی‌شود.

۱- علی(ع) تحف العقول: ص ۱۴۰

شأن و جایگاه گل بالاتر از لگدمال کردن، در هوای نامناسب و در معرض حیوانات چرنده قرار دادن، به جای علف هرز وجین نمودن، و با دست کثیف و آلوده لمس کردن و به دور انداختن است. بوییدن آن هم آدابی خاص می‌طلبد. گل برای کودکان اسباب بازی مناسبی نیست چون زود پرپر می‌کنند. در کنار گل اگر خار یا علف هرز باشد آن را دچار صدمه و آسیب می‌کند. زن به منزله گلی خوشبوست که بدعنقی، رفتار ناشایست، بدرفتاری، کارهای فوق طاقت و خلاف شأن برایش به منزله خارهایی آسیب رسان به شخصیت وجودی اوست که باید وجود نازنینش را از آن دور داشت.

«گل را مبرید پیش من نام — با حسن وجود آن گل اندام
انگشت نمای خلق بودیم — مانند هلال از آن مه تمام»[1]

عدم توجه به جایگاه و شخصیت زن و ملعبه دست بوالهوسان قرار دادن، استفاده سوء از او نمودن و وسیله ارضای نابخردان نامحرم قرار گرفتن، ماکت او وسیله تبلیغ سودجویانِ غافل از خدا و خلق قرار گرفتن، او را با بزک وسیله جذب مشتری قرار دادن، از صدای دلربای او برای تبلیغ کالاهای بازرگانی استفاده نمودن، کارهای مردانه فوق طاقت به او سپردن و ... همه و همه یعنی پرپر کردنِ گل وجودی او. گلی که عطر وجودش باید فضای خانه را معطر کند. واگذاری امور خلاف شأن و فوق طاقت به هر

۱- کلیات سعدی: ص ۷۹۱

کس به منزله نادیده گرفتنِ استعداد و توانمندی اوست و این باعث تضییع حقوق خود شخص و دیگران است. اگر به زن اموری بیش از توان و استعداد او سپرده شود و با کارهای مردانه و زورمندانه انس گیرد، علاوه بر اینکه ساختار وجودی او شکسته می‌شود، لطافت و ظرافت خاص زنانگی او لطمه می‌بیند و با پامال شدنِ حق شوهر و اولاد، همه متضرّر می‌شوند. امور مختص مردان نیاز به توانی در وسع آن و بیش از طاقت زنان دارد، که با ناآرام نمودن وجود زن، زندگی زناشویی و خانوادگی دچار ناآرامی و ناملایمات می‌گردد. زنی که در ارتباط با مردان نامحرم به امور مردانه می‌پردازد، چه بسا مبتلا به خلق وخوی مردانه شود و حتی شوهر خویش را تمکین نکند و زندگی زناشویی دچار آسیب شود.[۱]

حدیث دوم: زن امانت خداست

«اِنِ النِّساءَ عندَ الرِّجالِ لا یَملِکنَ لِاَ نفُسِهِنَّ ضَراً و لا نَفعاً و اِنَّهُنَّ اما نَةُ اللّهِ عندکُم ولاَ تُضارُّوهُنَّ و لا تَعضُلوُهُنَّ»[۲]

زنان نزد مردان امانت‌اند، برای خودشان مالک زیان و نفعی نیستند و

۱- بعضی از زنان در ارتباط زیاد با مردان نامحرم دچار حالت خود ارضایی می شوند و نیاز جنسی به شوهر در آنان کم می گردد. امّا این حالت در اغلب مردان برعکس است. مردانی که با زنان نامحرم ارتباط زیاد دارند نیاز جنسی شان شدّت می یابد و اگر توسط همسر ارضا نشوند خوف مفسده بعید نیست. شایسته است زنان و مردان نامحرم در غیر ضرورت با هم در ارتباط نباشند. جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب آسیب‌های زندگی زناشویی اثر مولّف مراجعه شود.

۲- علی(ع)، مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۲۵۱

همانا آنان امانت خداوند نزد شما هستند و به آنان ضرر نرسانید و اذیتشان نکنید.

«هست امانت این زن زیبای تو　　قدر دان او را که باشد یار تو
کیست خائن در امانت ای عزیز　　آنکه باشد زن برایش یک پشیز»[1]

گل زیبا و خوشبوی مریم اگر فقط برای نگاه کردن و بوییدن نزد شما به امانت گذاشته شود، علاوه بر اینکه شما حق پرپر کردنِ آن را ندارید حتی حق ندارید برای بوییدن در اختیار دیگری قرار دهید. زن برای شوهرش به منزله همان گل مریم زیبا و خوشبوست که به صورت امانت در اختیارش قرار گرفته است. نگه‌داری امانت از نگه‌داری اموال شخصی مشکل‌تر است. اگر اموال شخصی از بین برود شخص به ظاهر در قبال دیگران مسئولیتی نخواهد داشت. گرچه مالک مطلق خداوند است و انسان همواره باید مواظبت کند تا از روی عمد خسارتی برروی اموال خودش وارد نشود. امّا در نگه‌داری امانت مسئله کاملاً متفاوت است و باید طبق قرارداد عمل شود. زن برای شوهرش از امانت‌های بسیار مهم است که حفظ و نگهداری او در چارچوب وظائف همسرداری برایش واجب است و امکان آن زمانی میسر است که زن مقیّد به وظایف همسری باشد. مراقبت از دختری که از آغوش گرم و با محبت والدین پا به خانه شوهر گذاشته کاری بس مهم است و توانی خاص می‌طلبد تا آسیبی به این امانت الهی وارد نشود. مردی که

۱- مؤلف.

حقوق قانونی و شرعی همسرش را رعایت نکند، مردی که با اعمال ناشایست شأنیت و شخصیت زن را نادیده می‌گیرد، مردی که باعث انحراف همسرش می‌شود، مردی که همسرش را محترم نمی‌شمارد و به خواسته‌های مشروع و معقول او بی‌توجه است، مردی که زنش با شغل‌های کاذب در کوچه و خیابان پرسه می‌زند، مردی که همسرش با بی‌حجابی یا بدحجابی و آرایش‌های متنوّع و هم خور شدن با نامحرمان باعث انحراف آنان می‌شود، مردی که کارهای فوق طاقت در اختیار زن می گذارد و... در امانت داری خیانت کرده است.

«و اِنّما النّساءُ عِندَکمُ عَوانٌ لا یَملِکنَ لِاَنفُسِهِنَّ شیئاً اَخَذ تُمُوهُنَّ باَ مانَة اللّه وَ استَحلَلتُم فُروجَهُنَّ بِکَلَمةِ اللّهِ فَاتَّقُوااللهَ فِی النِّساءِ و استُوصُوا بِهِنَّ خیراً»[1]

و زنان کمک کار شما هستند برای خودشان مالک چیزی نیستند[2] شما آنان را به امانت خدا گرفته‌اید و با مقررات الهی آنان را برایتان حلال ساخته‌اید پس در مورد رعایت حقوق زنان از خدا بترسید و درباره آنان به نیکی سفارش نمایید.

امانت بودن زن به معنای نفی مسئولیت او و وظایف خطیر شوهرداری و بچه داری نیست. لازم است دختران و پسران قبل از ازدواج، با مطالعه،

۱- پیامبر اکرم ﷺ، نهج الفصاحه، ص ۵۹۶

۲- منظور این است که وجود شما در سرنوشت آنان بی‌تأثیر نیست و به معنای نفی مالکیت خصوصی و استقلال آنان نیست. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم، اثر مولف.

تحقیق، شرکت در کلاسهای آموزشی وظایف خویش را نسبت به همدیگر و اولاد و سایر افراد از اقوام طرفین بیاموزند و توصیه می‌شود در دوره متوسطه و دانشگاه چند واحد درسی در این زمینه اختصاص یابد.

اگر کسی امانت داری را خوب نداند، نباید قبول امانت کند و اگر قبول کرد و از عهده نگه داری آن به نحو شایسته بر نیامد باید آن را مسترد دارد.[1]

«مَن کانَت عندهُ اِمرَاَةٌ فَلَم یَکسُها ما یُوارِی عَورَتَها[2] و یُطعِمُها ما یُقِیمُ صُلبَها کانَ حقاً علی الامامِ اَن یُفَرِّقَ بَینَهُما»[3]

کسی که زنی دارد، پس او را نپوشاند، آنچه که عورتش را می‌پوشاند، و او را نخوراند، آنچه که او را حیات دهد، بر امام است که بین آنان جدایی اندازد. (حکم طلاق دهد)

نکته قابل توجه اینست که، در زندگی مشترک اگر زوجین به هر دلیلی نتوانستند متحمّل هم شوند، و ادامه زندگی واقعاً برایشان مشکل و همراه عُسر و حَرَج بود، نباید به انحاء گوناگون مقصر مورد اذیت و آزار واقع شود، بلکه باید با راهکارهای متناسب و در نهایت حتّی با متارکه این نوع زندگی را پایان داد. اگر امانت‌دار نتواند امانت را خوب نگهداری کند و حتی اگر امانت مناسب نباشد باید به صاحبش برگردانده شود.

۱- زندگی کسانی که به خاطر عدم توان همسرداری منجر به طلاق شده است تا زمانی که همسرداری را نیاموخته‌اند ازدواج موقت کنند و از بچه‌دار شدن جلوگیری نمایند.

۲- منظور پوشش کامل است چون همه زن عورت است.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۳. به نقل از کتاب الحیات، ص ۴۵۹

حدیث سوم: زن کارگزار خداوند است

«قالَ أمیرالمؤمنینَ علیه السلام: قالَ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: خیرُ نسائکُمُ الخَمسُ فَقیلَ: وَ مَاالخَمسُ ؟ قالَ: اَلهَیِّنَةُ، اَللَّیِّنَةُ، اَلمُؤاتیَةُ، اَلّتی اِذا غَضِبَ زَوجُها لَم تَکتَحِل عَینَها بِغَمضٍ حَتّی یَرضیَ وَالّتی اِذا غابَ زَوجُها حَفِظَتهُ فی غَیبَتِهِ، فَتِلکَ عامِلَةٌ مِن عُمّالِ اللهِ و عامِلُ اللهِ لا یَخیبُ».[1]

حضرت علی علیه السلام گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان شما پنج گروه اند؛ پس گفته شد: و پنج گروه چه کسانی هستند؟ فرمودند: زن ساده، نرم خو، همراه و کسی که هنگام خشم آمدن شوهرش پلک برهم نزند، تا آنکه او خشنود شود؛ و زنی که وقتی همسرش از او دور است، در دوری‌اش او را (زندگی او را) محافظت می‌کند؛ پس او کارگزاری از کارگزاران خداوند است و کارگزار خداوند ناامید نمی‌شود.

گلهای زیبا و مُعطّر باغچه، گل نامطبوعِ گل جعفری را علاوه بر اینکه تحمّل می‌کنند، نگاهشان نیز به آن عاشقانه است، که بوی آن باعث توجه بیشتر به این گلها می‌شود و در تکاملشان موثر است. گل همیشه معطّر و زیبای وجود نازنین زن که تمام وجودش را محبت و عطوفت در بر گرفته است، آنگاه که خشم شوهرش را به خاطر خدا متحمّل می‌شود، به درجه‌ای از کمال می‌رسد که او را از کارگزاران خداوند قرار می‌دهد و همه وجودش

۱- امالی، ج ۱، ص ۸۲۶ و ۸۲۸

مملوّ از امید به خداوند می‌شود. و این بدان معنی نیست که مـرد حـق دارد برخوردش با همسر و دیگران از روی خشم و غضب باشـد بلکـه اگـر بـر حسب اتفاق هوای نفس بر او غالب شد و خشمگین شد، زن مقابله به مثل نکند، که اثر سوء و منفی آن خانمانسوز اسـت. همچنین در حـدیثی آمـده است:

«مردی نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا من همسری دارم کـه هرگاه وارد منزل می‌شوم، از من استقبال میکند و هنگـامی کـه مـی‌خـواهم خارج شوم مرا بدرقه می‌کند، وهرگاه مرا غمگین بیبند، به من می‌گوید: چـه چیزی تو را غمگین نموده است؟ اگر برای هزینه زنـدگی توسـت، دیگـری (خداوند) عهده دار آنست، و اگر برای آخرت توست، خداوند همّت تـو را بیفزاید. رسول خداﷺ فرمودند : همانا خداوند کارگزارانی دارد و این زن از کارگزاران اوست که برایش نیمی از پاداش شهید است»[1]

رفتار زیبا و پسندیده زن کـه حـاکی از غمخـواری و دلسـوزی اوسـت، آرامش بخش شوهر در ناملایمات زندگی و مشکلات احتمالیست تا بتوانـد با سعه صدر در رفع آن بکوشد. سلام واحوالپرسـی، خـداحافظی و بدرقـه، استقبال و خوشآمدگویی مختص به غیر نیست؛ زن و مرد نسبت به دیگـران در الویت قرار دارند. مردی که با بدرقه همسرش خانه را به سوی محل کار ترک می‌کند و می‌داند همان همسر با آغوش باز منتظر استقبال از اوست تـا

۱- وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲

برای خدا به مردم خدمت کند، نه در کارش خیانت می‌کند، نـه دل در گـرو دیگری می‌سپارد . امّا اگر غیر این باشد چه بسا مرد برای رضایت همسر بـه اعمال خلاف مرتکب شود، و حتی از او چشم بپوشد و دل در گرو دیگران نهد گر چه باعث تبرئه مرد نمی‌شود.

«مـرا در خانـه سـروی هسـت کانـدر سـایه قـدش
فـراغ از سـرو بسـتانیّ و شمشـاد چمـن دارم
گـرم صـد لشـکر از خوبـان بقصـد دل کمـین سـازند
بِحمـدالله و المنّـه بتـی لشکرشـکن دارم»[1]

و چه بسیار زنانی که گوی سبقت را از سرو هـم ربـوده‌انـد کـه از گـل وجودشان قیامتی برپاست.

«وه وه که قیامتست این قامت راست / با سرو نباشد این لطافت کـه تراسـت
شـاید کـه تـو دیگـر بزیـارت نـروی / تا مرده نگوید که قیامت بـر پاسـت»[2]

حدیث چهارم: زن محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

«حُبِّبَ اِلَیَّ مِن دُنیاکُم النّساءُ والطِّیبُ وجُعِلَت قُرَّةُ عَینی فی الصَّلاةِ»[3]

از دنیای شما دو چیز برای من دوست داشتنی شده است، زن و بـوی خوش و روشنی چشم من در نماز است.

---

۱ - دیوان حافظ، ص ۲۵۳

۲ - کلیات سعدی، ص ۸۰۳

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، ص ۲۶۱

انسانی که فاقد حس بویایی است تفاوتی برایش در استشمام گل مصنوعی و گل واقعی وجود ندارد، امّا انسانی که عاشق گل است، و از حس بویایی بالایی بهره‌مند است، بوی خوش یک گل معطّر به او حس حال قابل توجهی می‌دهد. زنی که نه نامی از مروارید شنیده و نه رنگ آن را دیده، و هیچ علاقه‌ای هم به آن ندارد، طبعاً برایش فرقی بین آن و یک شیء شبیه مروایدِ نیست، امّا زنی که ریسه‌ای از مروارید به گردن دارد، و به آن عشق می‌ورزد، با دیدی دیگر به مروارید می‌نگرد. علاقه به هر کس یا هرچیز به جهت وجود مشابهتی بین شخص یا شیء مورد علاقه و شخص علاقه‌مند است، پیامبرﷺ که اکمل خلائق است نفس وجودش نشانه‌ای از وجود خداوند است، که همه مخلوقات به فیض وجود او به سوی کمال در حرکت‌اند. و وجود مبارک زن جلوه‌ای از جمال الهی‌ست و با کرامت و شرافتی که دارد باعث تحکیم کانون خانواده و تربیت انسان به سوی کمال می‌شود.

«جناب محی الدّین، سّر محبوب بودن زن را که در بیان پیامبر گرامی اسلامﷺ آمده است، چنین تبیین می‌کند. چون ذات اقدس خداوند منزّه از آن است که بدون مجلا و مظهر مشاهده شود، هر مظهری که بیشتر جامع اسما و اوصاف الهی باشد، بهتر خدا را نشان می‌دهد و زن در مظهریت خدا کاملتر از مرد است، زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال است، چون مخلوق حق است، امّا زن، هم مظهر قبول و انفعال الهی است، هم مظهر فعل و تاثیر الهی، چون در مرد تصرّف میکند و او را مجذوب و مُحبّ خود می‌سازد و

این تصرّف و تاثیر، نموداری از فاعلیت خداست و از این جهت، زن کاملتر از مرد است.

اگر مرد بخواهد خدا را در مظهریت خود مشاهده کند، شهود او تامّ نیست، ولی اگر بخواهد خدا را در مظهریت زن بنگرد شهود او به کمال و تمام می‌رسد، از این رو زن محبوب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت و در آن حدیث معروف فرمود: «از دنیای شما زن و بوی خوش، محبوب من قرار داده شد و نور چشم من در نماز است»[1]

بهترین لذایذ مادی در دنیا و آخرت از وجود نازنین زن نشأت می‌گیرد، جنبه متقابل هم دارد.

«ماتَلَذَّذَ الناسُ فی الدنیا والاخرةِ بلذّةٍ اَکثَرَ مِن لَذَّةِ النّساءِ وهُوَ قولُ الله تعالی عَزَّ وَ جَلَّ زُیِّنَ لِلناسِ الشّهواتِ مِنَ النّساء والبنینَ اِلی آخِرِالایةِ ثُمَّ قالَ وَ اِنَّ اَهلَ الجَنَّةِ ما یَتَلَذَّذونَ بشیءٍ مِنَ الجَنَّةِ اَشهی عِندَهُم مِنَ النّکاحِ لاطَعامٍ وشرابٍ»[2]

مردم در دنیا و آخرت بالاتر از لذت زنان، لذّتی نمی‌برند و آن سخن خداوند تعالی عزّوجلّ است که فرمود: برای مردم دوستی زنان و اولاد زینت داده شده است، تا آخر آیه سپس گفت: و قطعاً مردم بهشت در آن آنچه را که بیشتر می‌خواهند ازدواج است نه غذا و نوشیدنی.

---

۱ - شرح فصوص الحکم قصیری، ص ۴۷۷ و ۴۷۸، به نقل از کتاب زن در آینه جلال و جمال، ص ۱۹۳ و ۱۹۴

۲- امام صادق علیه السلام، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۲

قرار گرفتن عطر در کنار زن علاوه بر حفظ جذابیت، باعث محکم شدن قلب و تحریک قوای جنسی و افزایش قدرت آمیزش است که زن در قلب قوی و مستحکم جایگاهی رفیع دارد.

«اِنّ الرِّیحَ الطَّیِّبَةَ تَشُدُّ القَلبَ وَ تزیدُ فی الجماعِ»[1]

بوی خوش قلب را محکم می‌کند و بر قدرت آمیزش می‌افزاید.

علاوه بر آن بوی خوش باعث نشاط و شادابی جسم می‌شود و جسم با نشاط و شاداب بیشتر می‌تواند پایبند به امور دینی باشد، که زن دوستی یکی از مهمات آن است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز است که بدن انسان به خاطر آن شاداب می‌شود و رشد می‌کند بوی خوش و لباس نرم و نوشیدن عسل»[2]

زن نباید برای نامحرم از عطر استفاده کند، که باعث تحریک قوای جنسی او می‌شود و احتمال مفسده بعید نیست.

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که زنی خود را عطرآگین سازد، و بر مرد می‌گذرد، تا بوی خوش او را بشنوند زناکار است»[3]

و نماز اوج عبودیت و بندگی عبد است، که معنی بخش همه لذاید مادی و معنویست. و آرامش حاصل از نماز واقعی که آرام‌بخش هم امور زندگی‌ست قابل قیاس با هیچ امر دیگری نیست اگر چه رفع سایر نیازها می‌توانند

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طَب النبی، ص ۱۱۹

۲- همان، ص ۱۱۸

۳- نهج الفصاحه، ص ۵۵

مقدمه‌ای مطلوب برای آن باشد.

«بنده باش و بر زمین رو چون سمند چون جنازه نه که برگردن برند»[۱]

«بندگان حق رحیم و بردبار خوی حق دارند در اصلاح کار»[۲]

حدیث پنجم: زن بهترین گنجینه شوهر

«اَلا اُخبِرُکَ بِخَیرِ ما یَکنِزُ المَرءُ .... اَلمَرأةُ الصّالِحَةُ اِذا نَظَرَ اِلَیها سَرَّتهُ وَ اِذا اَمَرَها اَطاعَتهُ وَ اِذا غابَ عَنها حَفِظَتهُ»[۳]

آیا تو را به بهترین گنجینه مرد آگاه سازم .... زن خوب و شایسته هنگامی که شوهر به او نگاه می‌کند، خوشحال می‌شود، و هنگامی که به او فرمانی (مشروع و معقول) دهد، اطاعت می‌کند، و هنگامی که غایب می‌شود ، (برای کاری یا مأموریتی .... از نزدش برود) خودش را برای او حفظ می‌کند.

در گوشه بازارچه طلاجات بدلی برروی زمین ریخته می‌شود و فروشنده برای فروش آن جار می‌زند و شب هنگام هم در گوشه‌ای از منزل بدون مراقبتی خاص گذاشته می‌شود، امّا طلاجات واقعی در مغازه‌های طلا فروشی شیک و مجهز به سیستم امنیتی است و هر کس هم به خودش حتی اجازه نگاه کردن به آن را نمی‌دهد. و زنی که با وسع و توان و شأن خود

---

۱ - مثنوی، ص ۹۷۷

۲ - همان، ص ۴۵۶

۳ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، ص ۹۶

طلای واقعی را خریداری می‌کند، علاوه براینکه با مزین شدن بـه آن باعـث خوشایندی شوهر می‌شود و در مجالس مخصوص زنانـه بـه عنـوان زینـت استفاده می‌کند، سرمایه‌ای هم برای اوست که در مواقع ضروری می‌تواند آن را تبدیل به پول نماید و هر روز هم ارزش آن افزوده مـی‌شـود امّا طـلای بدلی سریع رنگ و کیفیتش را از دست می‌دهد.

زن صالح برای شوهر مانـنـد طـلای نـاب و خـالص بهتـرین سـرمایه و گنجینه است که گل وجودش علاوه بر اینکه او را در همه زنـدگی و حتـی ناملایمات آرامش می‌بخشد، نگاه به او غم و اندوهش را از بین مـی‌بـرد، و هنگام مراجعت به منزل و استقبال گرم همسر، همه خسـتگی ناشـی از کـار روزانه از بین می‌رود، و اطاعت شرعی زن از شوهر باعث افزایش موفقیت او می‌شود، و او را از خطرات ناشی از نیازهای عاطفی و جنسی در امان نگه می‌دارد و هنگامی که شوهر برای کاری از منزل خـارج مـی‌شـود، مطمـئن است، که همسرش از خودش و زندگی‌اش صیانت و حفاظت دارد، امّـا زن ناصالح مانند طلای بدلی بی ارزش است که با آراستن برای غیـر شـوهر در کوچه و خیابان پرسه می‌زند و شب هنگام دهها فکر آلوده با شوهر همراهی دارند.

گنج نیاز به مراقبت ویژه دارد، و شوهر باید از همسرش در همه زمینه‌ها مراقبت ویژه کند و با پاسخ مناسب بـه نیازهـای شـرعی او، مـانع آلـودگی اخلاقی و رفتاری‌اش شود.

«زن خوب فرمانبرِ پارسا کند مرد درویش را پادشا
برو پنج نوبت بزن بردرت چویاری موافق بود دربرت
همه روز اگر غم خوری غم مدار چو شب غمگسارت بود در کنار
چو مستور باشد زن خوبروی به دیدار او در بهشت است شوی
کسی برگرفت از جهان کام دل که یکدل بود با وی آرام دل
اگر پارسا باشد و خوش سخن نگه در نکویی و زشتی مکن
زن خوش منش دلستانترکه خوب که آمیزگاری بپوشد عیوب
ببرد از پریچهره زشتخوی زن دیوسیمای خوش طبع، گوی
چو حلوا خورد سِرکه از دست شوی نه حلوا خورد سرکه اندوده روی
دلارام باشد زن نیکخواه ولیک از زن بد خدایا پناه»[۱]

حدیث ششم: زن دوستی معیار ایمان شوهر

«اَلعَبدُ کُلّما ازدادَ لِلنِّساءِ حُبّاً اِزدادَ فی الأیمانِ فَضلاً ، کُلُّ مَنِ اشتَدَّ لَنا حُبّاً اِشتَدَّ لِلنِّساءِ حُبّاً ولِلحلواءِ ، مِن اَخلاقِ الانبیاءِ حُبُّ النِّساءِ»[۲]

بنده هرگاه زنان را بیشتر دوست بدارد ایمانش بیشتر می‌شود، کسی که دوستی‌اش به ما شدیدتر باشد، دوستی‌اش به زن و حلوا شدیدتر است. از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است.

«هرکه را ایمان بُوَد جانِ به سر همسرش باشد برایش جان سر

---

۱ - کلیات سعدی، ص ۳۵۷

۲ - وسایل الشیعه، ج۱۴، ص ۹ و ۱۲، به نقل از بی میلی جنسی، ص ۲۵

جان بی سر کس ندیدست ای پسر — پس تو باشی همسری بی دردسر»[۱]

«هر که را ایمان او افزون بُوَد — زن کنارش همدم و همسو بُوَد

عشق زن در جان او غوغا کند — عاشقی را در دلش برپا کند»[۲]

حلوای حاصل از آرد و روغن و شکر یا قند و عسل و مواد مورد نیاز دیگر با توجه به نوع آن برای ذایقه‌های سالم بسیار مطبوع و دلپذیر است که حتّی بوی خوش آن شامّه‌های سالم را صفایی خاص می‌بخشد امّا افراد دیابتی از آن پرهیز دارند.

دختری مومن که با تربیت صحیح و کسب مهارتهای لازم زندگی و شوهرداری پا به خانه شوهری با ایمان و فداکار می‌گذارد برای شوهر به منزله حلوایی است که مزه زندگی‌اش با شیرینی وجود اوست که اگر چاره می‌داشت هرگز از او چشم برنمی‌داشت که هیچ بویی برای شامّه سالم او خوشبوتر از بوی گل وجود همسرش نیست و هر چه ایمان انسان بیشتر باشد، عشق و دوستی‌اش نسبت به چنین زنی حلوا صفت بیشتر است.

انبیاء خاصّه خاتم آنان در اوج ایمان ممکن در شأن نبوت بودند، به این لحاظ عشق و علاقه به وجود نازنین زن، در وجود آنان تجلّی خاص داشت، و این دوستی فقط در قالب گفتار نبود، بلکه در قالب عمل هم به آن مقید بودند، که دوست داشتن عملی توجه به خواسته‌های مشروع و معقول زن، با توجه به جایگاه و موقعیّت او و درک نیازهای عاطفی،

۱- مولف

۲- مولف

روحی ، جسمی و جنسی اوست. انسان‌های بی‌ایمان و فاقد سلامت روح و جان ارزش زن را نمی‌دانند و عشق و محبت را نسبت به او نمی‌فهمند که عشق و محبت به زن بستگی به میزان ایمان انسان و شناخت او از این حلوای شیرین صفت، شیرین مرام است.

البته زنان بی‌ایمان و زنانی که به زندگی و شوهرداری پایبند نیستند از ترشی، ترش‌ترند و برای افراد مبتلا به دیابت روحی و اخلاقی مناسبند.

حدیث هفتم: زن نگهبان شخصیت دینی شوهر

«من رَزَقَهُ اللهُ اِمرَأةً صالِحةً فَقَد اَعانَهُ عَلی شَطرِ دِینِهِ فَلیَتَّقِ اللهَ فی الشَّطرِ الباقِی»[1]

کسی را که خداوند به او زنی شایسته روزی داده است او را در نیمی از دینش یاری نموده است پس برای حفظ نیمی دیگر، تقوای الهی پیشه کند.

مردی که هنگام بیرون رفتن از منزل آغشته به عطر گل رُز شود، علاّوه براینکه هیچ بوی بدی شامّه او را نمی‌آزارد، بوی خوش آن همواره شاداب و سرحال نگهش می‌دارد. زن خوب و صالح برای مرد مومن به منزله عطر گل رز است که او را در مقابل بوهای متعفّن از انواع آلودگی‌های اخلاقی حفاظت می‌کند. آلودگی اخلاقی مانند لکه‌ای سیاه بر پیراهن سفید است، که

---

۱ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحه، ص۵۴۱

نمی‌توان به آسانی آن را از بین برد و شخص انگشت نمای مردم می‌شود، و زن صالح و مومن آشنا به وظایف، همسر صالح و مومنش را بهترین یار و یاور است، تا وجود پاکش آلوده نشود. امّا ازدواج مرد صالح با زن ناصالح به منزله به همراه داشتن گلی بدبو و متعفن است، که حتی مانع رسیدن بوهای خوش به مشام می‌شود که عکس آن هم صادق است.

«زن بد در سرای مرد نکو — هم در این عالم است دوزخ او
زینهار از قرین بد زنهار — وقِنا ربَّنا عذابَ النّار»[1]

امکان رفع عطش با آبی خوش و گواراست، آب شور علاوه براینکه، رفع عطش نمی‌کند، باعث شدّت عطش هم می‌شود. زن ناصالح و بدکردار و ناشزه به منزله آبی شور برای انسانی تشنه است که باعث شدّت نیازها و گرفتاری‌های او می‌شود.

«اَیّما شابٍّ تَزَوَّجَ فی حَداثِةِ سِنِّهِ عَجَّ شیطانُهُ یا وَیلَهُ عَصَمَ مِنّی دینَهُ»[2]

هر جوانی که در آغاز جوانی خود ازدواج کند شیطانش فریاد برآورد که: وای بر او، دین خود را از دستبرد من حفظ کرد.

نفس انسان بسان اسبی چموش و سرکش است، و غریزه جنسی از جفتکهای پی در پی آنست و انسان در مهار آن ضعیف است. «خُلِقَ الانسانُ

---

۱ - کلیات سعدی، ص ۹۱
۲ - پیامبر اکرم(ص)، نهج الفصاحه، ص ۱۹۳

ضعیفاً»[۱] انسان ضعیف آفریده شده است. یکی از مصادیق ضعف انسان ضعف در مقابل نیاز جنسی ست. مگر اینکه با راهکارهای مناسب، این ضعف بروز نکند. ازدواج موفّق، بهترین راهکار در مهار غریزه جنسی و رفع ضعف انسان در مقابل آن است.



«شَرارُکُم عُزّابُکم وَ اَراذِلُ مَوتاکُم عُزّابُکم»[۲]

بدترین شما عزبهایتان هستند، و بدترین مردگانتان هم کسانی هستند که ازدواج نکرده‌اند.

نکته قابل توجه، همانگونه که زن نگهبان شخصیت دینی همسرش هست. شوهر هم باید حافظ شخصیت دینی زنش باشد و علاوه بر حفظ عفت او، باعث پیشرفت و تکامل او شود.

حدیث هشتم: زن باعث نشاط شوهر مومن

«لَهوُ المُومِنِ فِی ثَلاثَةِ اَشیاءَ : اَلتَّمتُعُ بِالنِّساءِ وَ مُفاکَهَةُ الاِخوانِ وَ الصَّلاة باللَّیلِ»[۳]

نشاط مومن در سه چیز است: لذّت از زنان و مزاح کردن[۴] با بردران و نماز شب.



---

۱ - نساء، آیه ۳۳

۲ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحه، ص ۳۴۵

۳ - امام باقرؑ، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۴۲

۴ - مزاح های پسندیده که به آبرو و حیثیت انسان و یا قومی لطمه‌ای نزند.

«گل بی رُخ یار خوش نباشد — بی باده بهار خوش نباشد
طرف چمن و طواف بُستان — بی لاله عذار خوش نباشد
رقصیدن سرو و حالت گل — بی صوت هَزارخوش نباشد
با یار شکر لب گل اندام — بی بوس و کنارخوش نباشد
هر نقش که دست عقل بندد — جز نقش نگارخوش نباشد»[۱]

صفحه‌ای از کاغذ با یک مداد رنگی در اختیار کودکی گذاشته می‌شود، کودک با خط خطی‌هایش برروی آن و ادعای ترسیم گل، با نشاط و شادابی لذتی خاص می‌برد و مورد تشویق هم واقع می‌شود، در حالی که از نظر خیلی‌ها یک سرگرمی بی معنی است، امّا همان خط خطی‌های به ظاهر بی معنی شکوفاگر استعداد گل وجودی او در درک گل‌های واقعی در زندگی آینده است. شکوفایی استعداد مرد مومن و نشاط و شادابی او و آرامش وجودش در گرو گل واقعی زندگی زناشویی یعنی زن است که جنبه متقابل هم دارد، تمام وجود زن باعث نشاط و شادابی مرد است. صدای او، نگاه او، خنده او، شوخی او، جدّی او، رقص او[۲]، راه رفتن او، گردش و تفریح با او، عشق بازی کردن با او و ... بالاخره آمیزش جنسی با او که لذت بخش‌ترین لذتهاست.

«امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی نزد پدرم آمد، پدرم به او فرمودند: آیا همسرداری؟ آن مرد گفت: نه! پدرم فرمودند: اگر دنیا را به من ببخشند

۱- دیوان حافظ، ص ۱۲۶

۲ - اغلب مراجع تقلید رقص زن را برای شوهرش و بعضی بالعکس را هم جایز می‌دانند.

حاضر نیستم یک شب بدون همسر باشم دو رکعت نماز مرد متأهل بر یک شبانه روز نماز و روزه شخص مجرد ترجیح دارد سپس هفت دینار به او دادند و فرمودند این پول را خرج ازدواج خود کن.»[1]

و نشاط و شادابی زن مومن هم زمانی است، که شوهرش از گل وجودش با نشاط شود و طبعاً برایش لذتی زاید الوصف دارد.

تصوّر اینکه اسلام با نشاط و شادابی واقعی و حلال مخالفت دارد، تصوری کاملاً غلط و بی اساس است، بلکه ارزشی را که برای آن قائل است برای هیچ امری دیگر قائل نیست، غم و اندوه مومن هم به لحاظ محرومیت یا مفارقت از چیزی است که وجود آن نشاط آور و بهجت زاست. از امور دیگرلذت بخش و نشاط آور برخوردی عاشقانه و رفتاری مهربانانه و هم صحبتی و حتی مزاح‌های شادی آفرین مباح و جایز با برادران دینی است، که هم باعث نشاط و شادابی شخص می‌شود، و هم ادخال سرور می‌کند و پاداش دارد.

همه اینها می‌تواند مقدمه‌ای برای لذت معنوی اتّصال به عالم ملکوت خاصّه نماز شب و مناجات هنگام سحر عبد با مولا باشد، که باعث اتصّال عاشقانه آن دو می‌شود، که همچومنی از درک آن، اعتراف به عجز و ناتوانی دارد.

---

۱ - الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹

حدیث نهم: زن شایسته، خیر دنیا وآخرت

«ما اَفادَ رجلٌ بعدالایمانِ خیراً مِن اِمرأةٍ ذاتَ دینٍ و جمالٍ تَسُرُّهُ اِذا نَظَرَ اِلیها و تُطیعُهُ اِذا اَمَرَها و تحفَظُهُ فی نَفسِها وَ مالِهِ اِذا غابَ عنها و اُوحِیَ اِلی موسی علیه السلام اِنّی اَعطیتُ فُلاناً خیرَالدنیا والاخرةِ و هِیَ اِمرأةٌ صالحةٌ»[1]

به مرد بعد از ایمان، بهتر از زنی دیندار و زیبا فایده نرسانده است، که هنگام نگاه به او خوشحال می‌شود و هنگامی که به او فرمانی (مشروع) می‌دهد، اطاعت می‌کند، و هنگامی که از او غایب می‌شود خودش و مالش (مال شوهر) را حفظ می‌کند. و به موسی علیه السلام وحی شد، همانا به فلانی خیر دنیا و آخرت عطا کردیم و آن زنی شایسته است.

مردی که باری از شیشه شکسته در درون کیسه‌ای به دوش دارد به یقین پشت او از آن شیشه‌های شکسته درامان نیست، و اگر باری بیش از توان و طاقتش حمل کند، پشتش زیرآن بار سنگین خم خواهد شد، و اگر بخواهد هنگام استراحت بر روی زمینی سخت و سنگین دراز بکشد علاوه براینکه استراحتی برایش نیست تمام بدنش کوفته خواهد شد.

امّا اگر کوله باری از گلهای زیبا و معطّر باشد، تا با بوی خوش آن فضای خانه معطّر شود، به یقین برایش هیچ احساسی از خستگی و کوفتگی

---

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۵۳

نخواهد بود. مردی که به دوش کشیدن بار زندگی بر عهده اوست، زمانی می‌تواند زیر این بار احساس آسایش و آرامش کند، که همسری شایسته یا اوهمکاری نماید، که نگاه عاشقانه به او علاوه بر اینکه حمل بار زندگی را برایش آسان می‌کند، احساس شادی و خوشحالی هم دارد که حمل بار برای خانواده، و در جهت رضایت خداوندست.

زن متدین، زیبا مرام، زیبا کلام، زیبا منظر[1]، حافظی مطمئن جهت ایمان مردی است که وجودش با وجود او کمال می‌یابد و باعث آرامش خاطر اوست.

زنی که دیدار او آنگونه شادی و سرور به شوهرش می‌بخشد، که اگر چاره می‌داشت هرگز چشمانش را از نگاه او برنمی‌داشت، زنی که فرمان مشروع شوهر را مطیع محض است تا عفیفانه حافظ عفت او باشد، این چنین زن خیر دنیا و آخرت است.

«رَبنا آتِنا فی الّدنیا حَسَنَةً و فی الاخرةِ حَسَنَةً وقِنا عذاب الّنار»[2]

ای پروردگارم، در دنیا و آخرت به ما حسنه‌ای عطا کن و ما را از عذاب آتش محافظت فرما.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خداوند به او قلبی سپاسگذار و زبانی

---

۱ - زیبایی ظاهر گاهی اعتباریست. چه بسا زنی برای مردی بسیار زیبا جلوه نماید که در نظر دیگران زشت باشد.

۲ - بقره، آیه ۲۰۱

مشغول به یاد حق و همسری با ایمان که وی را در اموردنیا و آخرت یاری کند ببخشد، نیکی دنیا وآخرت را به او داده است و از عذاب آتش باز داشته است.»[۱]

حدیث دهم: زن صرفه جو، زنی مبارک

«اَعظَمُ النِّساءِ بَرَکَةً اَقَلُّهُنَّ مَؤُونَةً»[۲]

مبارکترین زنان کسانی هستند که هزینه زندگی آنان کمتر باشد.

گلزاری که همه گل‌های خشکیده وخوشبوی آن دو کیلوگرم است، انتظار برداشت چهار کیلوگرم، انتظاری نابجاست، که اگر اینچنین شود، دوکیلو غیر گل داخل گل شده و در خاصیت اصل گل هم اثر نا مطلوب گذاشته است.

از معدنی که می‌توان پانصد کیلوگرم طلای ناب و خالص استخراج نمود، اگر بخواهی هزار کیلو طلا استخراج کنی به حتم پانصد کیلو آن طلا نیست که مخلوط شده، و اصل طلا را هم ناخالص گردانیده است.

مردی که میزان در آمد و حقوق ماهیانه‌اش پانصد هزار تومان است اگر همسرش بخواهد ماهیانه یک میلیون تومان برایش هزینه بتراشد، به یقین او را با مشکل جدّی مواجه می‌سازد که یا باید با اعمال فوق طاقت آن را مهیا سازد یا با کارهای حرام، که در هر صورت اصل زندگی آسیب می‌بیند.

۱- مجمع البیان، ذیل آیه مزبور به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، ص ۸۶

از اهم اموری که باعث حفاظت و صیانت زندگی زناشوئی در سایه محبت و ایثار می‌شود، توجه زن به میزان حقوق و درآمد شوهر و برنامه ریزی هزینه زندگی، با توجه به آن است، و این هم بدان معنی نیست که مرد با توجه به وسع و توانمندی خویش از تلاش و کوشش بیشتر مضایقه کند و همسر و اولاد در تنگنا قرار گیرند.



«امام سجاد علیه السلام فرمودند: خداوند ازکسی راضی و خشنود است که بیش از همه رفاه و آسایش برای خانواده‌اش فراهم نماید.»[1]

«پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برگناه انسان همین بس که حقوق نانخور خود را ضایع کند.»[2]

و همچنین فرمودند: «کسی که خداوند به اوگشایش مالی دهد و او برخانواده‌اش سخت گیرد از ما نیست.»[3] و باز فرمودند: «سه چیز از نعمت-های این جهان است اگرچه در این جهان هیچ نعمتی ماندگار نیست: مرکب راهوار (وسیله نقلیه مناسب)، زن شایسته و خانه وسیع»[4]

با وجود این زن با برکت با صرفَه جویی معقول و آینده نگری اصولی بدون خساست با تفاهم اقتصادی همراه همسرش سعی و تلاش براین دارد، تا شوهر مجبور نباشد خودش را در مخاطره اندازد، که

---

۱ – الکافی، ج ۸، ص ۶۸

۲ – نهج الفصاحه، ص ۴۰۷

۳ – همان، ص ۴۵۴

۴ – همان، ص ۲۵۰

بعضی از زنان بدون ملاحظه حقوق و درآمد همسر با هزینه‌های غیرضروری و چشم هم چشمی‌های غلط و مسافرت‌های غیر ضروری حتی زیارتی همسرشان را با مشکلات جدّی مواجه می‌سازند، که با سلب آسایش و آرامش او، ناچار به قرض و درآمد نامشروع و اعمال فوق طاقت می‌شوند که اثرات منفی آن بر زندگی و جسم و جان افراد نان خور امری بدیهی و واضح است؛ و گاهی تنش ویا پاشیده شدن زندگی زناشوئی از همین، انتظارات نامعقول است.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که از خداوند به رزق و روزی اندک راضی باشد خداوند هم از او با عملکرد شایسته کم راضی می‌شود.»[1]

«گفت پیغمبر قناعت چیست گنج — گنج را تو وا نمی‌دانی ز رنج[2]
این قناعت نیست جز گنجِ روان — تو مزن لاف ای غم و رنج روان»[3]

گاهی احتمال دارد، آزمایشات الهی زندگی را دچار ناملایمات کند، و فقر و گرفتاری دامنگیر اعضای خانواده شود که لازم است، زن با همکاری بهتر شوهرش را درک کند نه اینکه او هم برگرفتاری‌اش بیفزاید.



---

۱ - همان، ص ۵۴۱

۲ - اشاره به حدیث « اَلقناعَةُ مالٌ لایَنفَدُ وَ کَنزٌ لایَفنی» قناعت مالی است که تمام نمی‌شود و گنجی است که از بین نمی‌رود.

۳ - مثنوی، ص ۱۰۹

«گفت ای زن، تو زنی یا بوالحزن　　فقر فخر آمدمرا برسرمزن[1]
مال و زر سر را بُوَد همچون کلاه　　کل بُوَد اوکز کلاه سازد پناه»[2]

حدیث یازدهم: زن باوفا نمونه‌ای از عشق و صفا

«اَیُّما اِمرَأَة اَعانَت زَوجها عَلَی الحَجِّ وَالجِهادِ اَوطَلَبِ العِلمِ اَعطاهُ اللهُ مِنَ الثَّوابِ مایُعطِی اِمرَأَةَ اَیّوب»[3]

هر زنی که شوهرش را در انجام حج و جهاد یا طلب علم یاری کند، خداوند به او پاداشی را که به زن ایوب داده است عطا می‌کند.

پای راست و پای چپ اگر چه در ظاهر تفاوت‌هایی دارند، امّا همواره با هم و کنار هم به سوی جلو درحرکت‌اند، بر روی گِل با هم می‌روند، و حرکت آنها از کنار گُل هم، با هم است. حرکت به سوی جلو در گرو همین تفاوت‌هاست. اگر پایی آسیب ببیند، پای دیگر او را رها نمی‌سازد، بلکه با کمال دلسوزی جور آن را هم به جان می‌خرد. زن و مرد برای پیمودن راه کمال و رفتن به سوی ترقی و پیشرفت، با وجود تفاوت‌ها و اختلاف سلیقه‌ها باید همواره با هم و در کنار هم باشند، دنیایی که مملوّ از امتحان و

---

۱ - اشاره به حدیث « الفقرُ فَخرِی وبِهِ اَفتَخِرُ» فقر فخر من است و به آن افتخار می‌کنم. به نظر اینجانب در اینجا فقر معنای نیازمندی همیشگی به ذات اقدس ربوبی را میدهد.

۲ - مثنوی، ص ۱۱۰ « در حدیث یازدهم در این زمینه بیشتر بحث شده است.»

۳ - پیامبر اکرم ﷺ، میزان الحکمة، ج ۸، ص ۴۱۱

آزمایش است، لازمه پیشرفت، موفقیّت از امتحان است.

«وَلَنَبلُوَنَّکُم بِشَیءٍ مِنَ الخَوفِ وَ الجُوعِ وَ نَقصٍ مِنَ الاَموالِ وَ الاَنفُسِ وَالثَّمراتِ وَ بَشِّرِ الصابِرینَ»[1]

و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها[2] آزمایش می‌کنیم و صبر کنندگان را بشارت ده.

زن و مرد همانگونه که در خوشی‌ها در کنار هم‌اند در ناخوشی‌ها و گرفتاری‌ها و آزمایشات هم باید در کنار هم و باهم باشند، نه اینگونه باشد، که شوهر تا زمانی دارای مقام و ثروت و سلامت است زن برایش همسری کند، امّا اگر در آزمایشی قرار گرفت، زن هم بر شدّت گرفتاری او بیفزاید، یا زن تا زمانی که دارای جمال و زیبایی است و چند بچه را با مادریِ فداکارانه به ثمر رسانده است، شوهر با اوست امّا اگر با مشکلی مواجه شد شوهر هم بر شدّت مشکلات او بیفزاید.

«عِندَ تَناهِی الشِّدَّةِ تَکُونُ الفُرجَةُ و عِندَ تَضایُقِ حَلَقِ البَلاءِ تَکُونُ الرَّفاءُ»[3]

هنگامی که سختی‌ها به آخرین درجه شدّت برسد فرج نزدیک است و در آن هنگام که حلقه‌های بلاتنگ شود نوبت راحتی و آسایش فرا می‌رسد.

«ای جفای تو ز دَولت خوبتر و انتقام تو ز جان محبوبتر

---

۱ - بقره، آیه ۱۵۱

۲ - ثمرات (میوه‌ها) طبق نظر صاحب المیزان اولاد است.

۳ - حضرت علی علیه السلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۲۵۱، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۳۴۲

نـار تـو ایـن اسـت نـورت چـون بـود / ماتم این تاخودکه سُورت چُون بُود؟
از حلاوتهـا کـه دارد جَـورِ تـو / وز لطافـت کـس نیابـد غَـور تـو
نـالم و ترسـم کـه او بـاور کنـد / وز کـرم آن جـور را کمتـر کنـد
عاشـقم برقهـرو بـرلطفش بـه جِـدّ / بوالعجب من عاشق این هر دو ضِد»[۱]



«اِنَّ فِی الجَنَّة مَنزِلَةٌ لا یَبلُغُها عَبدٌ اِلّا بِالابِتِلاء»[۲]

در بهشت مقامی هست که هیچ کـس بـه آن نمـی‌رسد مگـر در پرتـو ابتلائات و گرفتاری‌های که پیدا می‌کند.

علاوه بر این موفقیّت هر یک از زوجین در زندگی زناشویی بستگی بـه همکاری همسر او دارد مرد زمانی می‌تواند در راه علم بکوشد، در راه خـدا جهاد کند، و زیارت خانه خدا نماید، که همسرش مسئولیت زندگی و اولاد را به عهده بگیرد و همکاری نماید.[۳]

---

۱ - مثنوی، ص ۷۵

۲ - امام صادق علیه السلام، سفینة البحار ماده «بلا» ج ۱، ص۱۰۵ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۱

۳ - در رابطه با حج لازم است به این نکته عنایت شود: گاهی یک حجّ مستحبی بـا اسرافی کـه صـورت می‌گیرد از قبیل نصب پرده‌های قبولی حج، ولیمه‌های آنچنانی، سوغات و . . . می‌تواند نیازهای زیـادی را از چندین خانواده نیازمند برطرف سازد خاصّه با توجه به موقعیت زمانی می‌تواند هزینه ازدواج دختـران و پسرانی باشد که به خاطر نداشتن امکانات ازدواج در محرومیت بسر می برند. علاوه بر آن خرید سـوغات از عربستان با حاکمان فعلی که باعث رونق وضعیت اقتصادی آل سعود می‌شود و آن را مصرف مبـارزه بـا شیعیان و مسلمانان مستضعف می‌کنند، نمی‌تواند جایز باشد. اگر چه در حالت عادی و سفرهای دیگر بهتر است سوغات از مکان مسافرت تهیه شود تا شخص بداند که مسافر به یاد او بوده است و در حـال حاضـر

زن زمانی می‌تواند در زندگی مشترک توفیقاتی را کسب کند که شوهر با او مساعدت نماید در هر صورت نمونه بارز امتحان الهی و فداکاری همسر را می‌توان در داستان ایّوب علیه‌السلام دید که ما به خاطر اهمیّت موضوع چکیده آن را می‌آوریم:

«نخستین بلا و محنت بر مال و دارایی ایّوب نازل شد، پس از آن بر فرزندانش و در آخر بر تن و جانش. این گونه که ایوب چهل رمه گوسفند داشت، و با هر رمه هزار گوسفند، یعنی چهل هزار گوسفند، و چراگاهی چندین فرسنگ در چندین فرسنگ ملک او بود، به فرمان خداوند سیلی مهیب آمد و همه گوسفندانش هلاک شدند، پس شبانان و چوپانان او اندوهگین آمدند و واقعه را بیان کردند، ایوب درمحراب مشغول راز و نیاز بود، آنان گفتند: همه گوسفندان هلاک شدند، ایوب گفت: چه کنم؟ اگر خیر پروردگار چنین بود، شما هم با گوسفندان هلاک می‌شدید. آن گوسفندان را خدا داده بود، و خود باز گرفت، اگر بخواهد بار دیگر هم می‌دهد. هفت روز پس از هلاک گوسفندان گاوهای ایّوب در چراگاه، به چرا مشغول

شایسته است سوغات از داخل کشور تهیه شود. علاوه بر آن گذراندن اوقات در بازارهای عربستان باعث بدبینی سایر مسلمانان به شیعیان خاصه مردم انقلابی و مبارز ایران می‌شود. همچنین با توجه به محدودیت حجّ، اگر شخصی مکرّر به حج برود حق دیگران ضایع می‌شود که طبعاً آن هم صلاح نیست.

امّا در رابطه با جایز بودن حج، که شاید بخشی از درآمد آن صرف مبارزه با مسلمانان شیعه می‌شود نظر مبارک ولی امر مسلمین حجت است که در حال حاضر با توجه به پیآمدهای بسیار مثبت دیگر منع نفرموده‌اند. و لازم به ذکر است در همه زیارتهای مستحبی باید از اسراف چه در تعداد دفعات و هزینه‌های اسراف گونه پرهیز نمود و هزینه را صرف نیازمندان کرد.

بودند، آتشی افروخته شد، بعضی سوختند و خاکستر شدند، وبعضی دیگردر دود آتش خفه شدند و مردند، گاوبانان آمدند و دیدند او در محراب در حال عبادت است، گفتند: همه گاوها هلاک شدند. ایوب گفت: چه کنم؟ اگر خیر پروردگارچنین بود شما هم با گاوها می‌سوختید، آنها را خدا داده بود، و خودش باز گرفت، اگر بخواهد دوباره هم می‌دهد، و پس از آن مجدد به عبادت مشغول شد.

هفت روز پس از هلاک شدن گاوها در انبارهای او کرم افتاد و همه را خراب کرد، به او خبر دادند درحالی که در نیایش بود، ایّوب هم چنان جواب داد چه کنم؟ و به راز و نیاز ادامه داد. روز دیگر گله‌ی اسب‌هایش که می‌چریدند هلاک شدند، و او باز در محراب عبادت همان را گفت. و گفت: هنوز جای شکر بسیاری است روز دیگر آتش خانه، فرش و همه لوازم و اسباب خانه‌اش را سوزاند، وقتی به او خبر دادند، او از محراب عبادت بیرون نیامد و گفت: خداوند همه را داده بود، اگر بخواهد باز هم می‌دهد. روز دیگر وقتی به سراغ زر و سیم رفت دید همه آنها تبدیل به سنگ شده اند، ایوب چون آنها را دید، خندید و به همسران و فرزندان خود گفت آنچه مال بود همه از بین رفت امّا آنچه بهتر از همه اموال است، یعنی دین و شریعت، تن درستی و سلامتی همسران و فرزندان هنوز با ما است.

یک هفته‌ی بعد همه اولاد او چهار پسر و سه دختر که در مکتب خانه مشغول درس بودند، هنگامی که معلم برای کاری بیرون رفته بود، دیوار بر سر آنها فرو ریخت و همه مردند، معلّم گریان و نالان نزد ایّوب آمد و ایّوب

همچنان در محراب عبادت مشغول راز و نیاز با خداوند بود، وقتی جریان را از معّلم شنید همان جواب گذشته را داد و صبر کرد، یک هفته بعد، بیمار شد و طبق بعضی از روایات هفت سال وهفت ماه ادامه داشت وبعضی آن را تا هجده سال فرموده اند امّا نکته‌ای که با توجه به موضوع دارای اهمیت است، بحث مربوط به همسر ایّوب زینا و به نقلی رحمه است، سه همسر دیگر ایّوب مدتی کوتاه بعد از فقارت و بیماری ایّوب او را رها کردند امّا رحمه همچنان برای کمک به او در کنارش ماند. نقل است مردم روستا او را حتی از روستایش بیرون کردند، و به روستایی دیگر رفتند امّا اهالی آن روستا هم عذر آنان را خواستند، و بیرونشان کردند، و این گونه تا هفت روستا ادامه یافت، سپس در ساحل اقامت گزیدند، می‌گویند رحمه هر روز رای کاری می‌رفت و نانی به دست می‌آورد و زندگی را اینگونه می‌گذراندند و آورده‌اند: که یک روز رحمه نتوانست کاری پیدا کند و هیچ چیز صیب او نشد تا پیش زنی ثروتمند رفت که هر وقت کارش را برایش انجام ی‌داد رحمه از او تقاضای کمک کرد، او گفت هیچ کاری ندارم، امّا اگر آن و گیسوی خودت را ببُری و به من بدهی، در مقابل آن به تو چیزی می-

---

- اینکه در بعضی از منابع حتی قصص الانبیاء به قولی آورده‌اند بر اثر بیماری شدید بدن ایوب آنچنان ونت یافته بود که مردم نمی‌توانستند به او نزدیک شوند نمی‌تواند مقرون به صحت باشد چون حالت یا ت نفرت انگیز برای پیامبر با برنامه رسالت او سازگاری ندارد و اگر مردم از او دوری می‌کردند به طر بی‌پولی و ضعف ظاهری او بود. برای کسب اطلاعات بیشتر به تفسیرالمیزان، جلد ۱۷، صفحه ۳۴ و ر نمونه، جلد ۱۳، صفحه ۴۸۱ مراجعه شود.

دهم، او به ناچار به خاطر شوهرش آن راپذیرفت، کـه در فرهنـگ آن زمـان ظاهراً کاری درست نبوده است.

گویند: چون اینگونه شد، و رحمه گیسوان خودش را ببریـد، ابلـیس بـر صورت و شبیه آدمی پیش ایّوب آمد و گفت: زنت کار بدی کرد و مویش را بریدند، و ایّوب قسم خورد که هر گاه قدرت پیدا کند یکصد ضربه یا کمتـر او را بزند در هر صورت بعد از سپری شدن ایّام رنج و درد به امـر خداونـد ایّوب سلامتی خویش را باز یافت و فرزندانش زنده شدند، و اموالش بـه او برگردانده شد، امّا به پاس وفاداریها و خدمات همسرش مـی‌خواسـت، او را ببخشد ولی به خاطر سوگند و نام خدا ظاهراً نمی‌دانست، چگونه عمل کنـد که خداوند وحی فرمود:

﴿وَ خُذ بِیَدِکَ ضِغثاً فَاضرِب بِهِ ولا تَحنَث﴾[1]

بسته‌ای ازساقه‌های گندم (یا مانند آن) را برگیر و به او (همسرت) بـزن و سوگند خود را مشکن.

که تا هم به سوگند خود عمل کند و هم باعث درد و رنج این زن بسـیار فداکار نشود، به راستی او اسطوره و نمونه‌ای از عشق و وفاداری به همسـر است سلام خدا بر او و بر همه زنان مانند او»[2]

---

۱ - ص، آیه ۴۴

۲ - از کتاب قصص الانبیاء داستان حضرت ایّوب استفاده شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر به همان کتاب و تفاسیر مراجعه شود.

حدیث دوازدهم: زن خوب بهتر از هزار مرد بد

«اَلمَرأةُ الصّالحةُ خیرٌ مِن اَلفِ رَجُلٍ غَیرِصالحٍ»[۱]

زن خوب بهتر از هزار مرد بد است.

اگر در بیابان از کنار هزاران خار مغیلان بخواهی عبور کنی، جز سختی و مشقّت چیزی دیگر نصیب تو نخواهد شد، امّا اگر یک گل خوشبوی و لطیف محمّدی را احساس کنی لذّتی زایدالوصف از حس و بوی آن داری، که حاضر نیستی آن را با همه خارهای دنیا عوض کنی، خشکیده آن هم بهجت زاست بوی خوش گلاب آن صفا بخش مجالس، خاصه مجالس مذهبی ست، شستشوی کعبه با گلاب ناب آن برایش افتخاری می‌آفرینند، علاوه بر آن استفاده از آن در بعضی از غذاها مانند آش و حلوا لطفی دگر دارد .

«یک دسته گل دماغ پرور — از خرمن صد گیاه بهتر»[۲]

زن خوبِ مطیعِ فرمان الهی بهتر از همه مردان ناشایست و بدکردار است. (هزار عدد کثرت است) زن صالح و پاکدامن نفس وجودش برای خانواده و جامعه منشأ خیرات و برکات است، وجود گرمش گرمابخش کانون خانواده است، دامن پاک او منشأ پرورش مردان و زنان مومنِ، متعهدِ متخصّص

---

۱ - امام صادق علیه السلام، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۴

۲ - نظامی گنجوی، نجوای دل، ص ۲۹۵

است، که هر یک می‌توانند، به هزاران نفر خدمت دهند. توفیق بسیاری از بزرگ مردان در عرصه‌های گوناگون به سبب مادران و همسران مومن و فداکار است. امّا مرد ناصالح و بدکردار و بدمنش علاوه براینکه وجود ننگش آفتی بزرگ برای خودش و خانواده است، چه بسا باعث انحراف مردان و زنان زیادی می‌شود و جامعه‌ای را به فساد و منکرات سوق دهد.

حدیث سیزدهم: بزرگ منشی مرد در تجلیل از زن

«خَیرُکُم، خَیرُکُم لِاَهلِهِ وَ اَنا خَیرُکُم لِاَهلِی ما اَکرَمَ النِّساءَ اِلّا کَرِیمٌ وَ لا اَهانَهُنَّ اِلّا لَئیمٌ»[1]

بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهتر باشد، و من برای خانواده ام از همه شما بهترم، جوانمردان و بزرگ منشان زنان را بزرگ می‌دارند، و فرومایگان آنان را خوار می‌شمارند.

کرامت و بزرگواری ابربهاری هنگامی است که برمزارع و باغات، گیاهان و درختان ببارد و زمینه باروریشان را با شادابی و نشاط فراهم سازد، و بوی معطر گلها فضا را جانی ببخشد و حالی دهد. امّا اگر ابرها فقط بر دریا و بیابان لَم یَزرَع ببارد، هر چند برای آنان دارای سود و منفعت باشد هیچ میوه و بوی خوشی نصیب نخواهد شد.

---

۱ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحة، ص ۲۹۰

«گر تورا باشد زنی صاحب جمال — بایدش نیکی کنی ای با کمال
کیست بهتر از زنت ای بوالکرم — تو شدی او را وجودی چون صنم»[1]

گل وجودی زن زمانی شکوفا می‌شود، و بوی خوش او عطرآگین فضای خانه می‌شود، که لطف و عنایت همسر، همواره او را نوازشی عاشقانه دهد و در هزینه عواطف و احساسات، عشق و ایثار او را بر دیگران ترجیح دهد. معیار و ملاک خوبی انسان، ابتدا با نیکی به همسر و اولاد و توجه به نیازهای عاطفی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی آنان با توجه به شرایط زندگی، با لحاظ معیارهای صحیح و اصولی همراه گذشت و ایثار است. انفاق و ایثاری که با عدم توجه به نیازهای اهل خانواده و پامال شدن حقوق شرعی و قانونی آنان صورت گیرد، معقول و مشروع نیست. این هم بدان معنی نیست، که همه وجود مرد و سرمایه او باید هزینه همسر و اولاد شود، و حقوق دیگران در نظر گرفته نشود.

اگر همسر و اولاد در تنگنای اقتصادی قرار گیرند، و به دیگران کمک مالی شود، اگر با همسر و اولاد رفتاری خشونت آمیز و بدون مهر و عاطفه باشد، و با دیگران برخوردی با مهر و محبت صورت گیرد، به یقین رفتاری نامناسب و غیرقابل پذیرش است. اگر این چنین مردی در رفتار با نامحرم رفتاری محبت آمیز نشان دهد، می‌تواند حاکی از مشکل اخلاقی او باشد، که سعی در جلب نامحرم به سوی خود دارد.

---

۱ - مؤلف

«امام صادق علیه السلام فرمودند: هرچه ایمان و تقوای کسی افزایش یابد به همان اندازه عشق و محبت وی نسبت به همسرش افزونتر می‌شود.»[1]

حدیث چهاردهم: شب در کنار زن مایه آرامش

«مِنَ السُّنَّةِ التَّزویجُ باللَّیلِ لِاَنَّ اللهَ جَعَلَ اللَّیلَ سَکَناً و النِّساءُ اِنَّما هُنَّ سَکَنٌ»[2]

ازدواج در شب مستحب است، چون خداوند شب و زنان را مایه آرامش قرار داده است.

شکوفا شدنِ گل زیبای شب بو[3] در بهار و عطرآگین شدن شب هنگامِ فضا از بوی خوش آن، حال و هوایی به عاشق گل پرورِ گل دوست می‌دهد که وصف آن با نوشتن و خواندن میسر نیست آرامش حاصل از گل وجودی زن و شکوفا شدن آن هنگام شب و معطر نمودنِ فضای خانه مانند گل شب بو حال و هوایی به مرد عاشق می‌دهد، که هیچ چیزی نمی‌تواند آن را جایگزین شود.

«شب چو در بستم و مست از می نابش کردم ماه اگر حلقه به

---

۱ - الکافی، ج ۵، ص ۲۳۱

۲ - الکافی، ج ۵، ص ۳۶۶

۳- گلی است خوشبو به رنگ زرد کم رنگ یا پررنگ و گاهی مایل به رنگ سرخ. بوته آن دارای برگهای ساده و شاخه‌های راست است. بلندیش تا نیم متر می‌رسد. از گلهای زینتی است، آن را در گلدان یا باغچه می‌کارند. در بهار گل می‌دهد و هنگام شب عطر گلهای آن بیشتر از روز است. فرهنگ عمید، ج۲، ص۲۸۵

درکوفت، جوابش کردم»[1]

«گفتار خوش و لبان باریک / ما اَطیَبَ فاکَ جَلَّ باریک
از روی تو ماه آسمان را / شرم آمد و شد هلال باریک»[2]

«چون شب تار تو بودی در برم / شمس با من الوداع گفت ای صنم
چون که عطر تو بپیچد در سرم / مُشک و عنبر را نکرد حاجت تنم»[3]

شب در کنار زن مومن و عاشق باعث آرامش است، هر چند آسایشی نباشد، که تاریکی‌اش مانع رویت رنگارنگی‌های وحشتناک روزانه زرمندان و ریاکاران است، و از آن حیث آرامش بخش است که هیچ عیبی به واسطه تاریکی دیده نمی‌شود که نفس وجود زن پوشاننده همه عیبهاست و گرمای وجودش سوزاننده همه آلودگیهاست.

«امشب مگر بوقت نمی‌خواند این خروس / عشّاق بس نکرده هنوز از کنار و بوس
پستان یار در خم گیسوی تابدار / چون گوی عاج درخم چوگان آبنوس
یک شب که دوست فتنه خفتست زینهار / بیدار باش تا نرود عمر بر فسوس
تا نشنوی ز مسجد آدینه بانگِ صبح / یا از درِ سرای اتابک غریو کوس
لب بر لبی چو چشم خروس ابلهی بود / برداشتن به گفته بیهوده خروس»[4]

---

۱ - دیوان فرخی یزدی، ص ۱۵

۲ - کلیات سعدی، ص۷۸۸

۳- مولف

۴ - کلیات سعدی

شب در کنارزن تجلّی وحدت زوجین عاشق است[1] که در نهایت اتّحاد و اتّصال مقدمه اتّصال به وجود همیشه روشن و روشنی بخش الهی می‌شود، تا فضا با بوی خوش عارف سالک آنگونه معطر شود، که ملائک مست و مدهوش آن بوی خوش گردند، و سیمایش در هنگام سحر با نور خداوندی به گونه‌ای بدرخشد، که چراغ راه آسمانیان شود.

«از امام صادق علیه السلام سئوال شد: چرا شب زنده داران، خوش سیماترند؟ فرمودند: چون آنان با خداوند منزه خلوت می‌کنند، خداوند از نورش برایشان می‌پوشاند.»[2]

آرامش حاصل از زن هنگام شب مددکاری جهت شکوفایی استعداد انسان به گونه‌ای است که همه ظلمات و تاریکی‌ها دریده می‌شود، و نور خدا همه وجودش و همه زندگی‌اش را روشنی می‌بخشد، و مرد خوب هم می‌تواند این هدیه را به همسرش ببخشد.

شب با تاریکی اش اسراری زیبا دارد، منشا همه روشنایی ها از تاریکی شب است. شب تاریک تداوم بخش زندگی روشن زوجین است که با عشق

---

۱ - بهترین موقع آمیزش جنسی تقریباً یکی دو ساعت بعد از نیمه شب شرعی است که معده نه کاملاً خالی است و نه کاملاً پر. علاوه برآن، آرامش کامل حاکم است که در آن موقع شب نه احتمال به صدا در آمدن آیفون منزل وجود دارد نه تماس تلفنی و . . . و طبعاً لذت بیشتری نصیب می‌شود. خاصه کسانی که می‌خواهند بچه دار شوند در وقت دقت ویژه کنند و اگر این نوع آمیزش مقدمه‌ای برای نماز شب باشد یقیناً به میزان پاداش افزوده می‌شود.

۲ - امالی، ج ۲، ص ۶۷۷

و علاقه به نیاز هم پاسخ مناسب میدهند. شب تاریک هنگام تادیب نفس است که عبد در کمال عبودیت با خدایش به نجوا می نشیند و جان وجودش روشنی می‌گیرد. قرآن در شب نازل می شود و عالم و آدم را روشن می کند. همه وجود پیامبر در دل شب با اتصال به خداوند روشن می شود و روشنی بخش همه هستی می گردد. دل شب با علی اسراری دارد. گویا همه و همه به خاطر آن است که نامحرمان توان دیدن را در شب ندارند و تجلی همه روشنی ها از عدم رویت نامحرمان نا اهل است.

«درخرابات مغان نور خدا می‌بینم — این عجب بین که چه نوری زکجا می‌بینم
جلوه بر من مفروش ای ملکُ الحاج که تو — خانه می‌بینی و من خانه خدا می‌بینم
خواهم از زلف بتان نافه گشایی کردن — فکر دور است همانا که خطا می‌بینم
سوز دل اشک روان آه سحر ناله شب — این همه از نظر لطف شما می‌بینم
هر دم از روی تو نقشی زندم راه خیال — با که گویم که درین پرده چها می‌بینم
کس ندیده ست ز مشک ختن و نافه چین — آنچه من هرسحر از باد صبا می‌بینم
دوستان عیب نظر بازی حافظ نکنید — که من او را از محبّان شما می‌بینم»[۱]

حدیث پانزدهم: تاثیر زیبایی زن در بینایی شوهر

«النَّظَرُ اِلَی المَرأَة الحَسناءِ وَ الخَضرَةِ یَزیدانِ فِی البَصَرِ»[۲]

نگاه کردن به زن زیبا و سبزه بر بینایی چشم می‌افزاید.

---

۱ - دیوان حافظ، ص ۲۷۷

۲ - پیامبر اکرم (ص)، نهج الفصاحه، ص ۵۵۹

هنگامی که نورخورشید بـر درختـان زیـبا و سرسبز جنگلـی مـی‌تابـد، جذابیت حاصل از جنگل به گونه‌ای چشمان عاشق را به سوی خـود جلـب می‌کند، که هرگز تمایل به قطع نگـاه از آن را نـدارد، و ایـن نگـاه عاشـقانه علاوه بر اینکه باعث نشاط و شادابی قوه بینایی می‌شود باعث افزایش بینایی چشم هم می‌گردد.



زیبایی وجمال هر موجودی جلوه‌ای ازجمال الهی ست، و لازمـه دیـدن جمال مَحرمیت است، اگر عبد مَحرَم درگاه الهی شود. با دیـدن جمـال او و نور ناشی از آن به گونه‌ای راه را می‌بیند، که در پیمودن کمال هیچ بیراهـه‌ای در مسیر او نخواهد بود.

زن زیبا روی و زیبا مرام مومن هم جلوه‌ای از همـان جمـال اسـت، کـه انرژی حاصل از دیدن او علاوه بر اینکه جان و دل شـوهر مـومنش را جلا می‌بخشد، باعث افزایش روشنی چشم او به گونه‌ای می‌شود. که با کمـک از نور وجودش به سوی جمال حقیقی گام بر می‌دارد و اهمیّت اینگونه زنان به اندازه‌ای است که خداوند از عذاب آنان شرم دارد.

«عَلیکم بِالوُجوهِ المِلاحِ والحَدَقَ السُودَ فَأنَّ اللهَ یَستَحیِی اَن یُعَـذِّبَ الوَجهَ المَلیحَ بِالنّارِ»[1]

بر شما باد چهره‌های نمکین وچشم‌های سیاه، همانا خداوند شـرم دارد که چهره نمکین را با آتش مجازات کند.

---

۱ - پیامبر اکرمﷺ، امالی، ج ۱، ص ۶۹۲

«مرا مهرسیه چشمان زسر بیرون نخواهد شد
قضای آسمانست این و دیگرگون نخواهد شد»[۱]

اگر زیبایی زن در مقابل چشمان هوس انگیز نامحرم قرار گیرد، ازجرقه حاصل ازآن شعله‌ای در قلبش ایجاد می‌شود که چه بسا تمام وجودش را به آتش بکشاند.

«دکارت می‌گوید: یک زن زیبا قدرتش از یک قشون فاتح بیشتر است.»[۲]

«گر زنای چشم حظی می‌بری — نه کباب از پهلوی خود می‌خوری
این نظراز دور چون تیر است و سَم — عشقت افزون می‌شود صبرتو کم»[۳]

«زدست دیده و دل هر دو فریاد — هرآنچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد — زنم بر دیده تا دل گردد آزاد»[۴]

علاوه بر سبزه و چهره زیبا، نگاه کردن به آب جاری هم باعث روشنی چشم می‌شود.

«وثلاثٌ یُجلِینَ البَصَرَ : النَّظَرُ اِلَی الخُضرَةِ و النَّظَرُ اِلی الماءِ الجاری و النَّظَرُ اِلی الوجهِ الحَسَنِ»[۵]

---

۱ - دیوان حافظ، ص ۱۲۸

۲ - رلا یک فریب، ص ۹۰

۳ - مثنوی، ص ۶۰۷ اشاره به حدیث امام صادق علیه السلام: «اَلنَّظرُ سَهمٌ مِن سِهامِ اِبلیسَ مسمومٍ وکَم مِن نَظرةٍ اَورَثَت حَسرةً طَویلةً» نگاه حرام تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا نگاههایی که حسرتهای طولانی در پی دارد.

۴ - دو بیتی های بابا طاهر، ص ۱۶

۵ - امام کاظم علیه السلام، تحف العقول، ص ۷۴۶

و سه چیز باعث روشنی چشم می‌شود: نگاه کردن به سبزه و نگاه کردن به آب روان و نگاه کردن به چهره زیبا.

البته زیبایی فقط اختصاص به ظاهر ندارد، و چه بسا چهره‌ای از دیدگان شخصی زیبا جلوه کند و دیگری آن را زیبا نداند. رفتار و کردار پسندیده و اخلاق نیکو از مصادیق زیبایی معنوی ست که شخص را می‌تواند خوشایند همسرش قرار دهد.

حدیث شانزدهم: تکبر، ترس و بُخل زیبنده زن

«خِیارُ خِصالِ النِّساءِ شرارُ خصالِ الرِّجالِ الزَّهوُ والجُبنُ والبُخلُ فـأذا کانَتِ المَرأةُ مَزهُوَّةً لَم تُمَکِّن مِن نَفسِـهاوَ اِذا کانَـت بَخیلَـةً حَفِظَـت مالَهاومالَ بعلِهاواِذا کانَت جَبانَةً فَرِقَت مِن کُلِّ شیءٍ یَعرِضُ لَها»[1]

بهترین خصلت‌های زنان بدترین خصلت‌های مردان است، و عبارتند از: تکبّر و ترس و بُخل. پس هرگاه زن متکبّر باشد، به کسی (جز شوهرش) سرفرود نمی‌آورد، و هر گاه بخیل باشد، مال خود و شوهرش را نگه می‌دارد، و هرگاه ترسو باشد، از هر چیزی که به آبروی او صدمه بزند، می‌ترسد و فاصله می‌گیرد.

با وجود زینتی بودنِ گل کاکتوس[2]، هیچ دستی جرأت تماس آن را به

---

۱ - علی ؑ، نهج البلاغه مکارم، ج۳، ص ۲۹۲ و ۲۹۴ فیض الاسلام ص ۱۱۹۰ و ۱۱۹۱

۲ - گیاهی است دارای ساقه و برگ ضخیم و گلهای رنگین و بر چند قسم است. یک قسم آن دارای شاخه‌های ضخیم خاردار یا کروی و به شکل هندوانه است و مانند گیاهان زینتی در باغچه یا گلدان کاشته می‌شود. قسم دیگر آن بزرگ و شبیه به درخت و بدون شاخ و برگ است و بلندیش تا ۱۵ متر می‌رسد. در

خودش نمی‌دهد، تیغ‌های آن مغز را وادار به واکنش می‌کند، و قبل از آنکه متوجه شود با سرعت خودش را کنار می‌کشد.

شیوه رفتاری زن در قبال مرد نامحرم باید به گونه‌ای باشد که مغز او با واکنش سریع حتی اجازه افکار مزاحم، پلید را به خودش ندهد.

لطافت و ظرافت زنانگی با توجه به روحیه محبت آمیز زن در کوچکترین رفتار ناسنجیده می‌تواند مشکل ساز باشد و بیمار دلان را به طمع وادار نماید.[1]

بعضی از زنان که دارای سلامت نفس و طهارت روح و قلب هستند براین باورند که مردان خاصّه مردان متأهل بالاخص فامیل وآشنا و همکار دید و نظرشان کاملاً بی غرض است، همه مردان به منزله پدر و برادرانند، این تفکر ساده اندیشانه و حاکی از جهالت است. کمتر مردی دیده می‌شود که اینگونه بیندیشد پس لازم است زن در برخورد با مرد نامحرم وقار و متانت خویش را آنگونه حفظ کند تا موجب طمع بیمار دلان نشود. زن و مرد نامحرم درغیر ضرورت با هم در ارتباط نباشند با هم سخن نگویند با هم هم سفره و هم صندلی نشوند، البته ضرورت و اشتغال به امری تا حدّی مانع تفکّر غرض‌مندانه می‌شود.

...ارسی گل خنجری و گل مار و زبان مادر شوهر هم می‌گویند. قسم دیگر آن در نقاطی که قرمز دانه پرورش می‌دهند زراعت می کنند ، زیرا قرمزدانه از شیره آن تغذیه می‌کند و آن را در فارسی جیدار هم می‌گویند. فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۶۱۲

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم اثر مولّف مراجعه شود.

حدیث هفدهم: جهاد در راه خدا با خدمت به زن بیوه

«السّاعِی عَلَی الاَرمَلَةِ وَ المِسکینِ کَالمُجاهِدِ فی سَبیلِ اللهِ اَوِ القائمِ اللّیلِ الصّائمِ النَّهارِ»[1]

کسی که برای بیوه زن و بیچاره تلاش می‌کند، مانند مجاهد در راه خدا یا شب زنده دارِ روزه گیر است.

گلزاری که مملوّ از گل‌های معطّر زیبا و رنگارنگ است، عطر وجودش در سایه باغبانی با کفایت و لیاقت، عاشقان را مست عطر وجودخود می‌کند، اگر باغبان وفات یابد یا رهایش سازد، به یقین گلزار با آسیب مواجه می‌شود، و گل‌های آن پژمرده می‌شود و به مرور زمان از بین خواهند رفت، مگر اینکه مجدد برای گل‌های باغ باغبانی شود.

زن که گلی از گلزار عالم خلقت است، اگر با وفات همسر یا متارکه بیوه شود، گل وجودش دچار پژمردگی می‌شود و نیاز به مراقبت و رسیدگی بیشتر دارد، و آن را می‌توان در قالب رسیدگی به امور مربوط به زندگی و رفع مشکلات احتمالی او انجام داد. زنان بیوه، خاصه آنانی که پا به سن گذاشته‌اند و فاقد اولادند، بر دیگران، خاصه ارقاب و همسایگان رسیدگی به امور آنان لازم است.

«شنیدم که بیوه زنی دردمند — همی گفت و رخ برزمین می‌نهاد
هر آن کدخدا را که بر بیوه زن — ترحم نباشد زنش بیوه باد»[2]

---

۱ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحة، ص ۳۳۸

۲ - کلیات سعدی، ص ۹۹۲

علاوه برآن باید زمینه ازدواج مجدد زنان بیوه، خاصه جوانان و میانسالان را فراهم نمود که نیاز به همسر امری فطری و غریزی ست.[1]

«ثلاثٌ لا توخِّروهُنَّ : الصّلاةُ اِذا اَتَت وَ الجَنازَةُ اِذا حَضَرَت وَالاَیمُ اِذا وَجَدَت کُفواً»[2]

سه چیز را به تاخیر نیندازید: نماز هنگامی که وقت آن فرا رسید، و جنازه هنگامی که آماده دفن شد[3] و زن بیوه هنگامی که برایش کفو همشأن پیدا شد.

سخن دیگر در زمینه ازدواج مردان متأهل با زنان بیوه و حتی دختران مجرد است، باید دانست حسّ تملّک وحقّ مالکیت فقط مختص مردان نیست همانگونه که هیچ مردی حاضر نیست مردی دیگر در حریم خصوصی او وارد شود، طبعاً این حس و غریزه در زنان هم وجود دارد امّا

---

۱ - به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم اثر مولّف مبحث زن بیوه دل مرده نیست مراجعه شود.

۲ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحه، ص ۲۴۲

۳ - همانگونه که مراسم عروسی همراه اسراف و به را انداختن کاروان با بوق و کرنا و ایجاد ترافیک و مزاحمت و ... عقلا و شرعا حرام است، تشییع جنازه و مراسم تجلیل از اموات بر خلاف عرف، با به را انداختن ماشین های متعدد و دسته جات عزا داری همراه نوحه خوانی و سینه و زنجیر زنی در خیابان و ایجاد ترافیک و مزاحمت برای مردم و هزینه‌های سنگین همراه اسراف در مجالس تجلیل، عقلاً و شرعاً جایز نیست. و شایسته است هزینه‌های اینچنینی، صرف نیازمندان و حتی هزینه عروسی جوانان گردد که یقیناً برای میّت و خانواده‌اش پاداشی بیشتر دارد. البته در مورد علماء اعلام، دانشمندان بنام و رجال مملکتی که حتی منجر به تعطیلی ادارات یا بازار می‌شود، بستگی به نظر ولایت و مسئولان دارد.

با توجه به بعضی ازمصلحت‌ها و ضرورت‌های اجتماعی برای همه زنان این امرممکن نخواهد بود که حتی غیرت به خرج دادن درموقع ضرورت کفر[1] و خروج از دین محاسبه می‌شود.

در صورت ضرورت یا در مناطقی که عرف آن را می‌پذیرد، مرد باید بداند، تعدّد زوجات به منزله بوییدن گل‌های متنوّع است، باید آنگونه شامّه‌اش را عادت دهد که تفاوتی از بوی آنان به مشامش نرسد، و در رفتار ظاهریش نسبت به گل‌ها نباید رفتار ناعادلانه‌ای بروز دهد. البته ازدواج مرد متأهل با دختر مجرد را صلاح نمی‌بینیم و در مناطقی که عرف تعدد زوجات را نمی‌پسندد هنگام ضرورت متعه توصیه می‌شود.[2] در هر صورت اگر زنی هوو را متحمّل شد برایش پاداشی بزرگ در نظر گرفته شده است.

«پیامبر اکرم فرمودند : خداوند هوو داری را بر زنان مقرر کرد و جهاد را بر مردان، پس هر زنی از روی ایمان و به امید پاداش برآن صبر کند پاداشی بسان پاداش شهید خواهد داشت.»[3]

«اِذا کانَت عِندَ الرَّجل اِمرَآتانِ فَلَم یَعدِلِ یَبنَهُما جاءَ یَومَ القِیامَةِ و شِقُّهُ ساقِطٌ»[4]





---

۱ - غیرةُ المَرأةِ کُفرٌ وَ غَیرَةُ الرَّجُلِ إیمانٌ. نهج البلاغه مکارم، ج ۳، ص ۲۵۶ ، فیض الاسلام ص ۱۱۲۴

۲ - برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم اثر مولّف مبحث تعدد زوجات و متعه ایثار زن برای زن مراجه شود.

۳ - نهج الفصاحه، ص ۱۴۲

۴ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحة، ص ۶۴

هنگامی که مرد دو زن داشته باشد و بین آنان به عدل رفتار نکنـد، روز قیامت درحالی که نیمی از او افتاده است می‌آید.

«این زنـانی کـز همـه مشـفق ترنـد — از حسد دو ضَرّه[1] خـود را مـی‌خورنـد
تا که مردانی که خود سنگین دل انـد — از حسـد تـا در کـدامین منـزل انـد»[2]

با وجود این در تعدد زوجات عدالت ظاهری بین همسران شرط است.

﴿فَأن خِفتُم اَلاّتَعدِلُوا فواحِدَةً﴾[3]

پس اگر می‌ترسید که نتوانید، عدالت رارعایت کنید، پس یکی بگیرید.

نکته قابل توجه معياررعايـت عـدالت، عـدالت قلبـی نیسـت، طبعـاً بـه همسری که اعمال و رفتارش بیشتر بـا خواسـته‌هـایش انطبـاق دارد تمایـل بیشتری دارد امّا در رعایت حقوق بین همسران باید عدالت رعایت شود.

﴿وَلَن تَستَطِيعُوا اَن تَعدِلُوا بَينَ النَّساءِ وَ لَـو حَرَصْـتُم فَلاتَمِيلُـوا كُـلَّ المَيلِ فَتَذَرُوها كَالمُعَلَّقَة ...﴾[4]

و هرگز نمی‌توانید، (از نظر محبت قلبی) در میان زنان عدالت را رعایـت کنید، هر چند کوشش نمایید ولی به طور کلی تمایـل خـود را متوجـه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت بلاتکلیف درآورید ...

۱- ضرّه یعنی هوو

۲- مثنوی، ص ۸۱۴

۳- نساء، آیه ۴

۴- نساء، آیه ۲۹

افرادی که تعدد زوجات را با توجه به این آیه و ناتوانی انسان در اجرای عدالت نفی کرده‌اند، در فهم عـدالت قلبـی و عـدالت عملـی دچـار اشـتباه شده‌اند. «نخستین کسی که این ایـراد را مطـرح کـرد، ابـن ابـی العوجـاء از مادیین معاصر امام صادق علیه السلام بود، که این ایراد را با هشام بن حکم دانشمند مجاهد اسلامی در میان گذاشت» او که جوابی برای این سوال نیافته بـود، از شهر خود که ظاهراً کوفه بود، بسوی مدینه (برای یافتن پاسخ همین سـوال) حرکت کرد، و به خدمت امام صادق علیه السلام رسید، امام صادق علیه السلام از آمـدن او در غیر وقت حجّ و عمره به مدینه تعجب کرد، ولی او عرض کرد، که چنین سوالی پیش آمده است، امام علیه السلام در پاسخ فرمود: منظـور از عـدالت در آیـه سوم[1] سوره نساء عدالت در نفقه و رعایت حقوق همسری و طرز رفتـار و کردار است، و امّا منظور از عدالت در آیه ۱۲۹ (آیه مورد بحث) کـه امـری محال شمرده شده، عدالت در تمایلات قلبی است (بنابراین تعدد زوجـات) با حفظ شرایط اسلامی نه ممنوع است، و نه محال هنگامی که هشام از سفر بازگشت، و این پاسخ را در اختیار ابن أبی العوجاء گذاشت او سـوگند یـاد کرد که این پاسخ از تو نیست.»[2]

---

۱ - آیه چهارم است که ما در نقل قول همان سوم را آوردیم که بعضی از مفسرین بسم الله الرّحمن الرّحیم را برای هر سوره آیه‌ای مستقل نمی‌دانند.

۲ - تفسیر برهان، جلد اوّل، صفحه ۴۲۰، به نقل از تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۱۵۵

حدیث هجدهم: زن نیروی جاذبه دارد

«اِنما المَرأةُ لُعبَةٌ فَمَنِ اتَّخَذَها فَلیُغَطِّها»[۱]

زنی محبوبی جذّاب است هر کس او را گرفت پس او را بپوشاند.

«لعبتی سبزچهر و تنگ دهان بفزاید نشاط پیر و جوان»[۲]

گل زیبا و تزیینی آزالیا[۳] در باغچه، ناخود آگاه چشمانی را به سوی خود می‌کشد و چه بسا دستی هم به سوی آن دراز شود مگر آنکه باغبان به گونه‌ای آن را محصور کرده باشد که نتوان به سوی آن رفت.

از خصائص بارز آهن ربا جذب آهن به سوی خود است آهن با همه دوام و استحکامی که دارد نمی‌تواند خودش از جذب آهن ربا مصون دارد، علاوه بر آهن فولاد که از آهن هم سخت تر است و نیکل که در مقابل عوامل خارجی بهتر از آهن مقاومت می‌کند، هم نمی‌توانند در مقابل آهن ربا مقاومت کنند، و جذب آهن ربا می‌شوند، امّا اگر آهن ربا درون یک پوشش پنبه‌ای قرار داده شود و یا با آهن و نیکل و فولاد در فاصله باشد نمی‌تواند آنها را جذب کند و هر چه نزدیکتر باشند میزان جذب بیشتر است.

---

۱ - علی علیه‌السلام، غرر الحکم، ص ۳۱۸

۲ - ابوالمظفر چغانی، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۵۹۵

۳ - درختچه‌ای از تیره خلنگ‌ها است که در زمینهای سخت می‌روید. در چین و آمریکای شمالی و قفقاز و هندوستان فراوان است و به عنوان گل زینتی در باغها نیز کاشته می‌شود. گلهایش سفید و یا قرمز است. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۱۲

زن به مانند گل زیبای آزالیاست که ناخودآگاه چشمانی در پی آنست، مگر اینکه از آن ممانعت به عمل آید.

زن به منزله آهن‌ربایی ست، که مردان آهن صفت و حتی مردانی که مانند فولاد از آهن هم سخت‌ترند، و ایمان بیشتری دارند، و یا مانند نیکل در مقابل مشکلات و گرفتاری‌های خارجی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند، در مقابل زن توان مقاومت ندارند، مگر اینکه با راهکارهای مناسبِ پوشش صحیح و رعایت فاصله ازآن در امان باشند و به حتم زنان بی حجابی که آرایش‌های متنوع دارند شدّت جاذبه‌شان بیشتر است.

«دوست دارم که بپوشی رخ همچون قمرت تا چو خورشید نبینند به هر بام و درت»[1]

«مارایتُ مِن ضَعیفاتِ الدّینِ و ناقِصاتِ العُقُولِ اَسلَبَ لِذی لُبٍ مِنکُنَّ»[2]

از میان سست دینان و ناقص عقولان از شما زنان رباینده تر نسبت به عقل عاقلان ندیده‌ام.[3]

«روی بپوش ای قمر خانگی تا نَکَشد عقل به دیوانگی»[4]

---

۱ - کلیات سعدی، ص ۴۳۵

۲ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴

۳ - شاید بیان این حدیث با توجه به موقعیت زمانی و مکانی بوده که اغلب زنان از تحصیل علم و شناخت حقایق در محرومیت بسر می‌بردند و یقیناً امروز اینگونه نیست و یا به خاطر شدّت عاطفه در زن است که گاهی جلودار امور تعقّلی می‌شود.

۴ - کلیات سعدی، ص ۷۵۵

علّت دلربایی، جذابیت وجودی زن است. همه حالات و رفتار زن، شیوه راه رفتن او، صورت و چشمان او، موی سر او و ... از مصادیق بارز دلربایی است که باید در برخورد با نامحرم سنجیده و با حفظ حریم و حجاب باشد.

«درمن این هست که صبرم زنکورویان نیست — ازگل و لاله گریزست و زگلرویان نیست
دلِ گم کرده دراین شهر نه من می‌جویم — هیچکس نیست که مطلوب مراجویان نیست
آن پریزاده مه پاره که دلبند من است — کس ندانم که به جان درطلبش پویان نیست
ساربانا خبر از دوست بیاور که مرا — خبر از دشمن و اندیشه بدگویان نیست
مرد باید که جفا بیند و منت دارد — نه بنالد که مرا طاقت بدخویان نیست
عیب سعدی مکن ای خواجه اگر آدمی — کادمی نیست که میلش به پریرویان نیست»[1]

از راهکارهای مناسب جهت کم کردن قدرت جاذبه زن در قبال نامحرم، حجاب و پوشش مناسب است، البته گاهی حجاب کامل است، امّا شیوه قرار گرفتن در معرض دید نامحرم، محرک گونه و مفسده انگیز است که شرعاً جایز نیست.

«واکفُف عَلَیهِنَّ مِن اَبصارِهِنَّ بِحَجبِکَ اِیّاهُنَّ فَاِنَّ شِدَّةَ الحِجابِ خَیرٌ لَکَ ولَهُنَّ»[2]



و زنان را روی پوشیده‌دار تا چشمشان به نامحرمان نیفتد زیرا سخت‌گیری در پوشش برای تو و آنان بهتر است.

۱- کلیات سعدی، ص ۴۸۸

۲ - از نامه امام علی ﷣ خطاب امام حسن ﷣، تحف العقول، ص ۱۳۸

به حتم و یقین کسی نمی‌پسندد اموال اختصاصی‌اش مورد استفاده همگان قرار گیرد، زنی که زیبایی‌های واقعی و مصنوعی‌اش را در معرض دید و نمایش نامحرمان قرار می‌دهد، حتی اگر به ظاهر آسیبی متوجه او نشود، خواسته یا ناخواسته خودش را در متخیّله افرادی می‌برد که شب هنگام با شوهر او مشارکت دارند، هیچ طلا فروشی حاضر نمی شود طلا را درگوشه خیابان بریزد، هیچ منزل مسکونی ارزشمندی بدون حصار رها نمی‌شود.

امّا چگونه است زن این زیباترین گل واژه آفرینش، این انسان شریف و لطیفی که اگر نمی‌بود عالم بشریت معنی نمی یافت، باید بدون حصار و پوشش در معرض نامحرمان نا اهل قرار گیرد؟[1]

«کس نماند که به دیدار تو واله نشود / چون تو لعبت ز پس پرده پدیدار آیی
دیگر ای باد صبا گل و سنبل نکنی / گر بر آن سنبل زلف و گل رخسار آیی
دوست دارم که کست دوست ندارد جز من / حیف باشدکه تو در خاطر اغیار باشی
سعدیا دختر انفاس تو پس دل ببرد / به چنین صورت معنی که تو می‌آرایی»[2]

«رهزن دهر نخفته است مشو ایمن ازو / اگر امروز نبرد ست که فردا ببرد
در خیال این همه لعبت به هوس می‌بازم / بو که صاحبنظری نام تماشا ببرد
علم و فضلی که بچل سال دلم جمع آورد / ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد»[3]

---

۱ - برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم اثر مولّف مبحث حجاب و عاطفه مراجعه شود.

۲ - کلیات سعدی، ص ۶۹۹

۳ - دیوان حافظ، ص۱۰۰ « عمق اشعار حافظ به گونه‌ای ست، که می‌توان معنای عرفانی عمیقی هم از آن فهمید که اهل ذوق در جای خود تفسیر نموده‌اند. »

البته بی حجابی و بدحجابی زن، به مرد مجوّز چشم چرانی و ارتکاب معصیت را نمی‌دهد، مرد باید درغیر ضرورت از نگاه به نامحرم حتّی با پوشش صحیح هم اجتناب کند و از رفتن به اماکنی که خوف مفسده است، پرهیز نماید.

«اینکه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: زن مانند عقرب است که نیش آن در آغاز شیرین ولی مسموم است، «**اَلمَرأةُ عقرَبٌ حُلوةُ اللَسبَةِ**»[1] و نیز روایاتی شبیه این، هشداری به مرد است، تا فریب شهوت را نخورد.

نیش عقرب مانند نیش زنبورعسل و نظیر سوزن نیست، بلکه اگر انسان نداند که عقرب است، از نیش آن احساس لذت وشیرینی می‌نماید، مانند شیرینی‌ای که ظاهرش شیرین، امّا درونش تلخ و مسموم باشد. براین اساس امیرمومنان علیه السلام نمی فرماید که زن عقرب است، بلکه می‌فرماید: خود را با نگاه به نامحرم به آتش ندهید.

دیدن نامحرم شیرین امّا این گناه درونش عقرب است، چنان که اگر زنی به دام مرد بیفتد، آن مرد پرستی عقرب می‌شود، و میان زن و مرد فرقی نیست، منتهی چون جاذبه از سوی زن بیشتر است، حضرت به آن اشاره نموده است.»[2]

---

۱ - نهج البلاغه مکارم، ج ۳، ص ۲۳۲، فیض الاسلام، ص ۱۱۱۴

۲ - زن در آینه جلال و جمال، ص ۲۸۷ و ۲۸۸

حدیث نوزدهم: تاثیر حجاب در تخصص زن

«خَیرٌ لِلنِّساءِ اَن لایرینَ الرِّجالَ و لایَراهُنَّ الرِّجالُ»[1]

برای زنان بهتر است که مردان را نبینند و مردان آنان را نبینند.

گل زیبا و بسیار معطرِ دوآتشه گل سرخ هنگامی که درگلزار درکنار گل-های دیگر رشد می‌کند، چه زیبا فضای گلزار را عطر آگین می‌سازد، و باغبان هم از بوی خوشش جانی می‌گیرد. امّا اگر در کنار این گل پیچکی باشد، طبعاً مانع رشد طبیعی آن می‌شود، و حتّی اگر یک درخت سرو با همه محاسنش در کنارش پرورش داده شود، آن هم مانع رشد و نموّ طبیعی گل می‌گردد، و در محیط نامناسب هم نمی‌توان انتظار باروری آن را داشت، پس باید در محیطی مناسب درکنارگل‌های دیگر رشد یابد.

اگر زن، این گل زیبا و معطّر دو آتشه، در محیطی آرام و با علم به اینکه باید نیازهای اساسی‌اش توسط خودش برطرف شود رشد کند، به یقین بهتر می‌تواند به کمالات روحی و معنوی و علمی برسد، گاهی دیده می‌شود که زنان حتی در کوچکترین مسائل اختصاصی شان مردان را ترجیح می‌دهند در حالی که توانمندیشان در انجام آن کار کمتر از مردان نیست، فی المثل در مجلس مخصوص بانوان برای سخنرانی و مداحی از وجود مردان استفاده می‌کنند درحالی که در همان جلسات زنانی هستند که توانمندیشان به مراتب از مردان دعوت شده بیشتر است. این امر علاوه بر اینکه باعث سلب

---

[1] - فاطمه زهرا(س)، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۸

آرامش زنان می‌شود، چه بسا صدای گریه آنان هم محرّک باشد و باعث مفسده شود.

دلایل عمده رعایت حجاب و عدم ملاقات و دیدار زن و مرد جز هنگام ضرورت را می توان اینگونه بیان داشت:

۱. شکوفایی استعداد انسان درگرو تلاش و نیازمندیست. یکی از دلایلی که زنان در زمینه‌های گوناگون مانند مردان پیشرفت ندارند، احساس عدم نیاز آنان به فراگیری علم مربوط به آن است. حجاب زنان و نامحرم دانستن مردان در دخالت امور اختصاصی آنان، باعث می‌شود که خودشان با تلاش و کوشش نیازهایشان را بر طرف سازند. زنانی که همه مردان را محرم خویش می‌دانند و در هر امری خاصّه در امور پزشکی به آنان مراجعه می کنند این نوعی بازدارندگی در پیشرفت زنان است. اگر این فرهنگ حاکم شود که زن حتی الامکان کارهایش را به مرد نسپارد باعث پیشرفت زن در زمینه‌های مختلف خواهد شد، فی المثل اگر زن، پزشک مرد را نامحرم بداند که هست، در علم طبابت پیشرفت بیشتری خواهد داشت اما متاسفانه بعضی از زنان با بودن زنان متخصص متعهد مردان را ترجیح می‌دهند، حتی در متخصص زنان و زایمان به مرد مراجعه می‌کنند، که یقیناً نمی‌تواند شرعاً جایز باشد، و در آمد ناشی از آن هم برای پزشک که همراه لمس و رویت باشد، حتماً دارای اشکال است، یا در تدریس با بودن معلّمان زن مجرّب استفاده از مردان خاصه درکلاس‌های خصوصی مانع پیشرفت زنان می‌شود. پس رعایت کردن حریم بین زن و مرد باعث

پیشرفت و ترقی زن است نه بازدارنده.[1]

۲. مرد از زن با حجابش لذّت بیشتری می‌برد. زن جلوه‌ای از جمال الهی‌ست، که هم زیبایی را خوب می‌فهمد، و هم دوست دارد زیباییش دیده شود، امّا همانگونه که نامحرم نمی‌تواند جمال الهی را درک کند، زن هم نباید به نامحرم اجازه درک زیباییش را بدهد. حجاب یعنی حفظ زیبایی زن فقط برای شوهرش و عدم مشارکت دیگران درلذت‌های ناشی از آن و مردی که زیبایی‌های گوناگون را می‌بیند زیبایی همسرش برایش جذابیت کمتری خواهد داشت.

۳. عدم رعایت حریم بین مرد و زن و ارتباطات ونگاه‌های ریبه ناک باعث رد و بدل شدن انرژی منفی می‌شود و با عنایت به اینکه جذابیت و دلربایی زن بیشتر است، با اخلال در آرامش مرد و حتی به وجود آمدن خلسه در او، علاوه بر ارتکاب معصیت، بازدارنده در انجام وظایف می‌شود.

۴. در محیط اختصاصی زن، بودن یک مرد در کنارشان باعث سلب آزادی آنان است مثلاً در محیط مدرسه دخترانه، بودن یک مرد به عنوان متصدّی امور دفتری یا خدماتی، یا با بودن معلّمان زن مجرّب استفاده از یک مرد باعث محدودیت آزادی دانش آموزان و فرهنگیان می‌شود.

---

۱ - یک فکر غلط و بی‌اساس معمولاً در جامعه اسلامی حتی بین افراد متدین وجود دارد که اعتقاد دارند متخصّص از قبیل پزشک، مدرس و. . . محرم است. این فکر یا از روی جهالت است یا نقشه استعمار که سعی دارد زنان در انحطاط و عقب ماندگی باقی بمانند و با توجه به لطافت ظاهری جهت جذب مشتری به کارهای کوچک و بیگاری و پادویی و . . . بپردازند و مردان پیشرفت نمایند.

۵. در اختلاط زن و مرد، مردان بوالهوس به یقین زنانی را بـر زن خـویش ترجیح می‌دهند و چه بسا به زندگی مشترک آسیب برسد و احتمـال ایـن مفسده در زنان هم وجود دارد امّا نادر است.

۶. تابش نورخورشید و اشعه ماوراء بنفش آن اگر مدّتی طولانی بر جاهای حساس و پوست بتابد، پوست مبتلا به بیماری پوستی اگزرودرماپیکمنتوسـام می‌شود که علاوه بر این آسیب پیری زود هنگام با چین و چروک و تغییر رنگ از علائم آن است.

۷. زنان بی حجاب و بد حجاب به خـاطر احتمـال عقـب مانـدگی از هـم کیشان خود، معمولاً دارای استرس و فشار عصبی‌اند که اضطراب ناشی از آن علاوه بر تاثیر منفی بر روح و جسم، باعـث پیـری زودرس از قبیـل چین و چروک بر پوست و کوتاهی عمر می‌شود.

۸. آرایش‌های متنوّع دائمی که معمولاً برای موی سر از ژل، موس یا تافت استفاده می‌کنند دارای مواد شیمیایی‌اند و باعث آسیب رسـاندن بـه مـو و ریزش آن می‌شود.

۹. بی حجابی و بد حجابی مستلزم به هدر رفتن وقت و هزینه بردار است. زنان با حجاب با یک چادر یا مانتوی مناسب همراه مقنعه یا روسری کـه همه مو را بپوشاند بدون تشریفات خاص از منزل بیرون می‌روند. امّا زنان بی‌حجاب یا بدحجاب به خاطر تبعیّت از مدهای مختلف نیاز به آرایش‌ها و لباس‌های متنوّع دارند که نیاز به وقت و هزینه دارد.

۱۰. انسان تنوع طلب است، پوشش با رنـگ هـای متنـوع و آرایـش هـای

گوناگون زنان باعث تحریک غریزه جنسی مردان می شود و اگر در مقابل نامحرم قرار گیرند باعث تحریک آنان می گردد و این تنوع و زیبایی باید فقط برای شوهر باقی بماند.

حدیث بیستم: ازدواج برای زن فضیلت است

«اِنَّ اِمرَأةً سَألَت ابا جعفرﷺ فقالَت : اَ صلَحَکَ اللهُ اِنّی مُتَبَتِّلَةٌ. قالَ لَها : وَ ما التَّبَتُّلُ عِندکِ؟ قالَت :لا اُریدُ التَّزویجَ اَبَداً قالَ وَ لِمَ ؟ قالَت : اَلتَمِسُ فی ذلکَ الفَضلَ . فَقالَ : اِنصَرِفِی فَلَو کانَ فِی ذلکَ فضلٌ لکانَت فاطمةُﷺ اَحَقَّ بِهِ مِنکِ اِنَّهُ لَیسَ اَحَدٌ یَسبِقُها الی الفضلِ»[1]

زنی به امام باقرﷺ گفت: خداوند کارت را اصلاح کند، من ترک هوس کرده‌ام حضرت به او فرمودند: چه چیز را ترک هوس می‌دانی؟ او گفت: نمی‌خواهم هرگز ازدواج کنم. حضرت فرمودند: برای چه؟ گفت: برای بدست آوردن فضیلت. حضرت فرمودند: از این تصمیم منصرف شو، اگر در آن فضیلتی بود فاطمهﷺ در آن به تو شایسته‌تر بودند. چون هیچ کس در فضیلت به او پیشی نمی‌گیرد.

«مرغ گفتش خواجه در خلوت مه ایست / دین احمد را ترهّب نیک نیست
از ترهّب نهی کردست آن رسول / بدعتی چون در گرفتی ای فضول؟»[2]

---

۱ - امالی، ج۱، ص ۸۲۸

۲ - مثنوی، ص ۹۸۴، اشاره دارد به حدیث « لا رَهبانیةَ ولا تَبَتُّلَ فِی الاَسلامِ » (ترک دنیا و ترک ازدواج در اسلام نیست.)

اگر نژادی مرغوب از یک گل سرخ بر پایه گل سرخی دیگر پیوند خورد آن گل به درجه‌ای از کمال می‌رسد، و گل‌های درشت، پُر پر و بسیار زیبا و معطر حاصل آن می‌شود. احساس آرامش و پیمودن سیر کمال و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون زندگی معمولاً در زنانی که با ازدواج با کفائت، پیوندی موفقیّت آمیز داشته‌اند، بیشتر از دختران مجرد است. به خاطر اهمیّت مسئله و توفیق بیشتر در امور زندگی است که فرمودند:

«رَکعتانِ مِنِ المتزوِّج اَفضَلُ من سبعینَ رَکعةً مِن الاَعزابِ»[1]

دو رکعت نماز همسردار برتر از هفتاد رکعت نماز بدون همسر است.

اگر زنی بعد از مرگ همسر یا متارکه به ظاهر توفیقاتی را کسب می‌کند، به خاطر بیوه شدن نیست، که اولاً محرومیت هایی که نصیب او شده است به مراتب عوارض بیشتری به جا خواهد گذاشت. ثانیاً، احتمال دارد رهایی از ازدواجی ناموفق و بدون کفائت بوده که در ازدواج مجدّد با کفائت، به میزان توفیقات افزوده می‌شد.



۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحة، ص ۳۱۹. هفتاد عد کثرت است شاید منظور این باشد که ارزش نماز افراد متاهل خیلی بیشتر از افراد مجردی است که با فراهم بودن زمینه ازدواج از آن سر باز می زنند و می تواند دو احتمال برایش باشد:۱- اهمیت ازدواج از نظر اسلام که به بالا ترین احکام عبادی ارزشی بی حدو حصر میدهد ۲- طبعا آرامش متاهل موفق بیشتر از مجرد نیازمند است و این به میزان پاداش می افزاید.

حدیث بیست و یکم: زن عامل توسعه روزی

«تَزَوَّجُوا النِّساءَ فَاَنَّهُنَّ یَأْتِینَ بِالمالِ»[۱]

با زنان ازدواج کنید. قطعاً آنان روزی می‌آورند.

هنگامی که یک گل زیبای بنفشه آفریقایی دراختیارت قرار می گیرد علاوه براینکه تهیه گلدان، فضا و امکانات دیگر مستلزم حرکت و تلاش است، حفظ و نگهداری آن هم، مستلزم وقت و رسیدگی خاص است، تا پژمرده نشود، و باعث طراوت و شادابی گردد، امّا اگر این گل در اختیارت نباشد هیچ یک از موارد مزبور مورد نیازت نیست که طبعاً داشتن و استفاده کردن برایت خوشایندتر است. زن به منزله یک گل زیبای بنفشه است که علاوه بر فواید زیاد آن، سودهای مادی حاصل از ازدواج و داشتن همسر مناسب نیز را نباید نادیده گرفت، احساس عدم نیاز ازعوامل عمده تنبلی و تن پروری است که به تَبَع آن عدم ترقّی و پیشرفت گریبان گیر فرد و جامعه می‌شود مجردی که مسئولیت هزینه زندگی‌اش را دیگری به عهده دارد با متأهلی که مسئولیت هزینه زندگی دیگری را هم به عهده دارد طبعاً متفاوت است. علاوه بر تبعات منفی عدم رفع نیازهای عاطفی و غریزی تبعات منفی اقتصادی زیادی متوجه شخص مجرد است از آن جمله: ۱- کار و تلاش باعث سلامت روح و جسم است و شخص بیکار مبتلا به انواع بیماری‌های جسمی و روانی می‌شود که خودآن مستلزم هزینه است ۲- رونق وضعیت اقتصادی کشوردرسایه کار

---

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، ص ۲۱۲

وتلاش وکوشش است و به یقین افرادی که از توانمندی‌شان استفاده نکنند به همان میزان اقتصاد مملکت دچارآسیب و زیان می‌گردد. ۳- شکوفائی استعدادها که انواع اختراعات پی آورد آنست جز با کار و تلاش ممکن و مقدور نیست و بیکاری یعنی مرگ تدریجی بیکار ۴- کشور به خاطر عدم بهره‌مندی از قوای توانمند تحت سیطره قرار می‌گیرد، که تبعات منفی آن از حیث وابستگی اقتصادی، فرهنگی و نظامی امری کاملاً واضح و مشخص است. ۵- زندگی در سایه کار و تلاش لذت بخش است، مردی که برای تهیه مایحتاج زن و اولاد و رفاه آنان درتلاش است لذت خاصی از زندگی دارد، که با زندگی مجردی بسیار متفاوت است.

به هر حال احساس تعهد و مسئولیت مهمترین اثر ازدواج است و شخص متعهد و مسئول به انحاء گوناگون به سوی کار و تلاش می‌رود تا بتواند هزینه زندگی خود و همسر و اولاد واجب النفقه را اداره نماید، و این زایل کننده همه تبعات منفی بیکاریست.

فرهنگ منحط بی بند و باری و فساد اخلاقی مانع تلاش و کوشش است که نتیجه‌ای جز تحت استعمار قرار گرفتن کشور نیست و بهترین استعدادهای کشور یعنی جوانان با غفلت از توان و استعدادشان سرگرم عیاشی و بی‌بندباری می‌شوند و دوول سلطه‌گر به اهداف شوم خود نائل می‌گردند.

«وَ اَنکحوُا الَایامی مِنکُم و الصّالِحینَ مِن عِبادِکُم وَ اِمائِکُم اِن یَکونوا فُقَراءَ یُغنِهِمُ اللهُ مِن فَضلِهِ و اللهُ واسعٌ علیمٌ»[1]

---

۱ - نور، آیه ۳۲

مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را. اگر فقیر هستند خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز می‌کند خداوند واسع و آگاه است.

«تعبیر «اَنکِحُوا» (آنها را همسر دهید) با این که ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش اینست که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج و بالاخره پا درمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می‌شود. بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیّت ویژه آن است.»[1] و این یک امر وجوبی خاصه برای پدر است که نفقه اولاد به عهده اوست و فراهم نمودن زمینه ازدواج جزء نفقه است.

«مَن أدرکَ له ولدٌ و عِندَه ما یُزوِّجُهُ فَلَم یُزوِّجُه فَاَحدَثَ فالا ثمُ بَینَهُما»[2]

هر کس فرزندش به رشد رسد و با داشتن امکانات، به ازدواج او اقدام نکند و فرزند مرتکب گناهی شود، هر دو گناهکارند.

به یقین انسان به وعده دیگران دلگرم می‌شود و وعده الهی اولی بر همه وعده هاست.

---

۱ - تفسیرنمونه، ج۱۴، ص ۴۵۷

۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مجمع البیان ذیل آیه مزبور، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۶۴

«اِنَّ وَعَدَ اللهِ حقٌ»[1]

همانا وعده خدا حق است.

«مَن ترکَ التزویجَ مَخافةَ العیلةَ فَقَد ساءَ ظَنّهُ بالله اِنَ الله عزّجلّ یَقُولُ اَن یکونوا فُقَراءَ یَغنِهِمُ اللهُ مِن فِضلِهِ»[2]

کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند، گمان بد به خدا برده است، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: اگر آنها فقیر باشند، خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می‌کند.

و این یقین هم ناشی از وعده به حق الهیست، که امدادهای خاص او شامل این نوع افراد است و هم باعث تلاش و کوشش می‌شود، که در سایه حساس مسئولیت و تلاش و کوشش فقر از بین می‌رود.

مردی نزد پیامبر آمد و از تهیدستی و نیازمندی شکایت کرد، پیامبر رمودند: ازدواج کن، او هم ازدواج کرد، و در کارش گشایشی پیدا شد.

«تَزَوَّج، فَتَزَوَّجَ فَوَسَعَ لَهُ»[3]

ازدواج کن پس ازدواج کرد و در کارش گشایش پیدا شد.

ما عیال حضرتیم و شیرخواه	گفت الخلق عیالٌ لِلالِه
آنکه او از آسمان باران دهد	هم تواند کاو ز رحمت نان دهد[4]

۱- یونس، آیه ۵۵

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، وسایل الشیعه، ج۱۴، ص ۲۴

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵

۴- مثنوی، ص۴۶، اشاره دارد به حدیث اَلخَلقُ کُلُّهُم عِیالُ الله فَاَحَبُّهُم الی الله اَنفَعُهُم. همه ی مردم انواده‌ی خدا هستند پس آنانی که برای خانواده‌ی خدا مفیدترند نزد خداوند محبوب ترند.

حدیث بیست و دوم: شدّت میل به شوهر امتیازی برای زن

«خَیرُ نسائِکُم العَفِیفَةُ الغَلِمةُ ، عَفِیفَةٌ فِی فَرجِها وَ غَلِمَةٌ علی زوجِها»[1]

بهترین زنانتان پاکدامن و با شدّت میل جنسی‌اند، پاکدامن در نگه‌داری عفت‌شان و شدّت میل جنسی برای شوهرشان.

زمانی یک گل می‌تواند تو را از گل‌های دیگر بی نیاز کند، که نیازهایت با آن بر طرف شود، و آن مستلزم اینست که همواره در اختیارت باشد و بوی خوشش همیشه وجودت را مست وجودش کند. البته لازمه‌اش اینست، که تو هم در حفظ و نگهداری آن کوتاهی نکنی.

از محاسن گل وجودی زن اینست، که علاوه بر اینکه شیفته همسرش است، میل جنسی هم در او به گونه ای شدّت دارد، که همسرش را از غیر بی نیاز می‌کند. متأسفانه برای بعضی از زنان آمیزش جنسی در مرحله آخر زندگی قرار دارد روزی چندین بار نظافت، پخت و پز، شستشو حتی خرید و ... را انجام می‌دهند، ساعتها به کارهای غیر ضروری می‌پردازند، امّا گاهی ممکن است تا چند هفته هم از آمیزش مطلوب که برایش واجب است سرباز زنند. که یقیناً مشکل ایجاد می‌کند، البته شوهر هم نباید از همسرش کارهای فوق طاقت و خسته کننده بخواهد. پیامبراکرم فرمودند: هر زنی که می خواهد بخوابد موظف است خود را بر شوهرش عرضه نماید وبدین گونه که لباسهایش را در آورد و در کنار شوهرش در رختخواب بیارامد و

---

۱ - الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴

تن خود را به تن شوهرش بچسباند و اگر چنین کند وظیفه خود را انجام داده است[۱] «دکتر آبراهام استون روانکاو آمریکایی و متخصّص در امور جنسی می‌گوید: زن و شوهری که در روابط جنسی با هم سازگار و بدان خرسندند براحتی از بعضی ناهماهنگی‌ها که در زندگی زناشوئی آنها رخ می‌دهد چشم می‌پوشند ولی هر گاه چنین رضایت خاطری در میان نباشد، برای آنها که ناسازگاریها و کشمکش‌های دیگر هم در زندگی دارند خطرساز است و منجر به عواقب وخیم می‌شود.»[۲]

«پیامبر فرمودند: آیا بدترین زنان را به شما معرفی نکنم؟ زنی که ... در غیاب شوهر خود را بیاراید و در حضور وی بی پیرایه باشد. سخن شوهر را گوش ندهد، فرمانش را گردن ننهد و در خلوت [هنگامی که همسرش از وی تقاضای همبستری می‌کند] چون شتر چموش رام نگردد و . . .»[۳]

ایمان زن این نیست که در خانه عفیفانه، به امور مستحبی بپردازد و شوهرش را از حقّش محروم سازد، هر چه ایمان زن بیشتر باشد با طنّازی و آرایش‌های متنوّع ممکن و مباح خودش را بیشتر برای شوهرش آماده می‌سازد، و از انجام مستحبات و مباحاتی که حقّی از شوهر ضایع می‌کند خودداری می‌کند، که اگر شوهر راضی نباشد، علاوه بر اینکه ثوابی در آن نیست، بلکه حرام هم هست. آرایش زن برای شوهر آنقدر دارای اهمیّت

---

۱ - وسائل الشیعه ج ۱۴ صفحه ۱۲۶

۲ - بی میلی جنسی، ص ۵۲ و ۵۳

۳ - به نقل از کتاب بی میلی جنسی، ص ۵۵

است، که پیامبر فرمودند: دوست ندارم، زنی بدون آرایش نماز بخواند. البته اکثر کم میلی‌ها و حتی بی میلی‌های جنسی در بیشتر زنان به خاطر عدم آگاهی مردان از چگونگی آمیزش و مقدّمات آنست که لازم است با صحبت-های عاشقانه، تحریک و استفاده از وسایل بوزا و خوراکیهای مفید و موثر در طرفین این غریزه مقدس را زنده نگه داشت، و لازم است زنان زمینه را برای تحریک پذیری آماده سازند.[۱]

حدیث بیست و سوم: زن برای شوهرش با عشوه‌گری دلربایی کند

«و لا غِنی بالزَّوجَة فیما بَینَها وَ بینَ زَوجِها المُوافِقِ لَها عَن ثَلاثِ خِصالٍ وهُنَّ: صِیانَةُ نَفسِها عَن کُلِّ دَنَسٍ حتّی یَطمَئِنَّ قَلبُهُ اِلَی الثِّقَةِ بِها فِی حالِ المَحبُوبِ وَ المَکروهِ، وَ حِیاطَتُهُ لِیَکُونَ ذلِکَ عاطِفاً عَلَیها عِندَ زَلَّةٍ تَکُونُ مِنها وَ اِظهارُ العِشقِ لَهُ بالخِلابَةِ و الهَیئَةِ الحَسَنَةِ لَها فِی عَینِهِ»[۲]

و زن نسبت به شوهر سازگار خود از سه چیز بی‌نیاز نیست که عبارتند از: حفظ کردن خود از هر پلیدی و آلودگی تا دل شوهر در هر شرایطی - خوشایند یا ناخوشایند - نسبت به او مطمئن باشد، مراقبت از شوهر و پرستاری از وی تا اگر لغزشی از او سرزند، به مهربانی با او برخورد

---

۱ - کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده است و ما هم در کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم درباره چگونگی تحریک و کیفیّت آمیزش جنسی مطالبی را نوشته‌ایم.

۲ - امام صادق علیه‌السلام، تُحَفُ العقول، ص ۵۸۲

نماید، اظهار عشق به شوهر با عشوه‌گری و دلربایی و خود را به زیبایی آراستن که مورد نظر شوهرش است.

زن برای شوهرش مانند گل نیمروز[۱] به رنگ‌های گوناگون شکفته شود و با حالات متنوع و شیوه‌های متفاوتِ طنّازی و عشوه‌گری به گونه‌ای دلربایی کند که هیچ زمان هیچ زن دیگری نتواند جایگزین او شود.

راه رفتن، سخن گفتن، پوشیدن و همه حرکات و رفتار زن برای شوهرش از حالت یکنواختی خارج باشد و تا می‌تواند از او دلبری نماید، امّا در مقابل نامحرم خارهای دندانی شکلش آنگونه نمایان باشد که هیچ نامحرمی حتّی در رویا هوس طمع به او ننماید. دلربایی از شوهر می‌تواند با استفاده از وسایل تزیینی مورد علاقه‌اش، پوشیدن لباس‌های متنوّع، حتی حرف زدن، راه رفتن به شیوه‌های گوناگون همراه ناز و کرشمه و ... باشد.

حتی اگر شوهردوست داشته باشد، همسرش با لباس‌های متنوّع بیرون از منزل، با پوشش چادر، مقنعه و روسری، مانتو و ... او را لذت دهد، زن مضایقه نکند، بلکه زمینه را فراهم سازد. زن نباید مانند گل یخ[۲] باشد، بلکه

---

۱ - گل نیمروز، گیاهی است از رده دو لپه‌ای‌های جدا گلبرگ که سردسته تیره خاصی به نام خودش می‌باشد. اصل این گیاه از آفریقای جنوبی است. برگهایش ضخیم و گوشتی است و در کنار برگها خارهای دندانی شکلی وجود دارند. گلهایش به رنگهای سفید، سرخ و ارغوانی و قرمز تند و زرد و نارنجی دیده می‌شوند. به عنوان گل زینتی آن را پرورش می‌دهند. گلهای این گیاه معمولاً در وسط روز (موقع ظهر) شکفته می‌شوند. فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۳۵۱

۲ - گل یخ درختی است کوتاه، بلندیش تا دو متر می‌رسد. برگهایش بزرگ و پهن و نوک تیز، گلهایش زرد رنگ و خوش بو و در زمستان شکفته می‌شود. باین جهت گل یخ می‌گویند. فرهنگ عمید، ج۲، ص۱۲۹۶

باید همواره برای شوهر شکوفه دهد.

«بر زن واجب است در محیط خانواده علاوه بر خوش خلقی، نرمش در رفتار و گفتار، طوری لباس بپوشد، که برای همسرش جذّاب و دلربا باشد. بر او واجب است در محیط خانه و به خاطر همسرش خود را بیاراید، و خود را با بوی خوش معطّر نماید، و حتی زدودن آنچه باعث دلسردی و بی میلی شوهر می‌گردد، بر زن واجب است.»[1]

«لاینبَغِی لِلمَرأةِ اَن تُعطِّلَ نَفسَها وَ لَو اَن تُعَلِّقَ فِی عُنُقِها قلادةً و لایَنبَغِی اَن تَدَعَ یَدَها مِن الخضابِ وَ لَو اَن تَمَسَّها بالحنّاء مسّاً وَ اِن کانَت مُسِنَّةً»[2]

شایسته نیست زن بدون زیور و زینت باشد ولو اینکه گردنبندی به گردن بیاویزد، و شایسته نیست دستش را بدون رنگ بگذارد ولو اینکه حنایی به آن بکشد و حتی اگر سالخورده باشد.

تهیه لوازم آرایش و لباس‌های متنوّع با توجه به شأن زن برای شوهر واجب است، و فراهم نمودن امکانات دلربایی از وظایف شرعی شوهر است. مرد هم باید از حالت ژولیدگی خودش را حفظ کند، و رفتار و کردارش برای همسرش جذّاب و مورد علاقه باشد، و با استفاده از لباس-های متنوع به شیوه‌های گوناگون با همسرش عشقبازی کند.

---

۱ – جواهر الکلام، ج۳۱، ص۱۴۸، مفاتیح الشرایع، ج۲، ص۲۸۹، به نقل از کتاب بی میلی جنسی، ص۸۴

۲ – امالی، ج۲، ص۱۱۶

حدیث بیست و چهارم: مدال جهاد پاداش حاملگی

«اِذا حَمَلَتِ المَرأةُ کانَت بِمنزلَةِ الصّائِمِ القائِمِ المُجاهِدِ بِنَفسِهِ ومالِهِ فی سَبیل الله»[1]

هنگامی که زن حامله می‌شود، مانند روزه دار، قیام کننده، جهادگر با جان و مالش در راه خداست.

مردی که حامل دسته‌ای از گل نرگس[2] است تا باعث عطر آگینی فضای عروسی فرزندش شود، می‌تواند هدیه‌ای زیبا و دلنشین برای عروس و داماد شود تا نهالی از عشق و دوستی، صفا و صمیمیت در وجود آنان بکارد، و زوجین همواره در طول زندگی با دیدن زیبایی‌ها و بوییدن معطّرها با یاد آن گل نرگس زندگی شاداب و رضایتمندانه‌ای را سپری کنند.

زنی که بارش گلی از گلستان عالم خلقت است به مراتب ارزشمندتر از حام ل گل نرگس است، گر چه خاطره زیبای گل نرگس همواره ماندنی‌ست امّا خودش پژمرده می‌شود، ولی گل باغستان مادر فداکار و ایثارگر، فرزندی‌ست که بوی وجودش در گلستان زندگی حامل عشق و دوستی، محبت و ایثار است، اینست که مادر حامله با تمام وجودش جهادگری بزرگ در راه خداست که جهاد گران بزرگ پرورش یافته رحم

---

۱ - پیامبر اکرم ﷺ، وسایل الشیعه، ج۲۱، ص۴۵۱

۲ - گلی است سفید و کوچک و خوشبو که پیاز آن کاشته می‌شود. بلندی بوته‌اش تا ۴۰ سانتی متر می‌رسد. برگ‌های آن سبز و دراز، به عربی نرجس می‌گویند و نیز نرگس و نرگس مست و نرگس جادو در اصطلاح شعراء کنایه از چشم معشوق است. فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۹۰۰

کوچکش است، او پاداش روزه دار، قیام کننده مجاهد با جان و مالش را دارد، چون روزه داران و قیام کنندگان و مجاهدان با جان ومال از همان شکم پا به عرصه قیام و جهاد نهاده‌اند.

«پیامبر ﷺ به اُم سلمه فرمودند: زن آبستن مانند روزه دار شب بیدار و سربازی است که جان و مال در راه پیشرفت اسلام نثار کند، چون کودک متولد شود، چندان اجر به مادر دهند، که جز خدا کسی نداند، چون پستان به دهانش گذارد، به هر مکیدن ثواب آزاد کردن بنده‌ای از نسل اسماعیل دارد، چون دوران شیر خوارگی پایان یابد، فرشته‌ای بزرگوار دست به پهلوی مادر زند و می‌گوید: عمل را از سر بگیر همه گناهان تو آمرزیده شد.»[1]

«و امّا حقّ مادرت اینست که بدانی او تو را (در شکمش) حمل کرده آن گونه که کسی، کس دیگر را حمل نکند، و از شیره جانش تو را خورانده، آن گونه که کسی دیگری را نخوراند و به راستی او با گوش و چشم و دست و پا و مو و پوست و تمام اندامش تو را نگهداری کرده و به این نگهداری، خشنود و شاد و پیوسته کار بوده است، و هر ناگواری و رنج و سختی و نگرانی را تحمّل کرده تا اینکه دست قهر (طبیعت) را از تو دور سازد، و تو را به دنیا آورده و آنگاه خشنود بوده که تو سیر باشی، و او گرسنه باشد. تو پوشیده باشی و او برهنه ماند، تو را بنوشاند و خود

---

۱ - وسایل الشیعه، ابواب الاولاد، به نقل از کتاب ازدواج در اسلام، ص ۸۸ و ۸۹ (اهمیت موضوع بارداری)

تشنه ماند، تو را در سایه دارد و خود در آفتاب باشد، با تنگنایی خویش، به تو نعمت بخشد، با شب بیداری تو را شیرینی خواب چَشانَد و شکمش آوند وجود تو و دامنش پرورش تو و پستانش مَشک نوشین تو، وجودش پرستار تو بوده، گرم وسرد دنیا را برای تو و به خاطر تو به جان خریده، پس به اندازه این همه (تلاش مادر) سپاسش دار و جزبه یاری و توفیق خداوند تو را یارای آن سپاسداری نباشد.»[1]

لازم است در این مورد به این نکات توجه شود:

۱- باعنایت به حدیث نبوی «**السَّعِيدُ سَعِيدٌ فِي بَطنِ أُمِّهِ والشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطنِ أُمِّهِ**»[2] سعادتمند در شکم مادرش سعادتمند است، و بدبخت در شکم مادرش بدبخت است، لازم است زن و مردی که بنای مادر و پدر شدن، دارند اعمال و رفتار و گفتارشان سنجیده‌تر و منطبق‌تر با موازین شرع باشد، گر چه این امر برای همه مسلمین است. نوع غذا، حلال و حرام بودن آن، سخن گفتن، سخن شنیدن و ... به طور کلی هر عملی که از زوجین سرمی‌زند، حتی در قلب آنان خطور می‌کند، در نطفه و جنین اثر گذار است.

۲- آمیزش جنسی در کمال آرامش و با لحاظ موازین شرعی و بهداشتی، با توجه به زمان و مکان مناسب باشد.

۳- محبت شوهر به همسرش فقط به خاطر جنین نباشد، که زن در این

۱- امام سجاد علیه السلام، تحف العقول، ص ۴۵۹ - ۴۶۱

۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، الحکم الظاهره، ص ۴۴۲

دوره نیاز به مراقبت و محبت بیشتری دارد.

۴- پدر و مادر با جنین صحبت کنند، خاصه قرآن بخوانند، و زمانی که پدر با جنین صحبت می‌کند واکنش شدیدتری از خود نشان می‌دهد تا زمانی که مادر صحبت می‌کند، به طوریکه ضربان قلبش هنگام صحبت پدر در هر دقیقه ۱۴۴ بار و هنگام صحبت مادر ۱۳۶ بار می‌زند. علاوه بر آن هنگامیکه بچه متولد می‌شود، سخنانی را که در رحم مادر شنیده است، آن را می‌داند و با شنیدن مجدد آن را به یاد می‌آورد.

۵- حضور شوهر در کنار همسرش در هنگام زایمان باعث تسریع درترشح هورمون اُکسی‌توسین می‌شود و زایمان آسانتر می‌شود.

۶- حتی الامکان زایمان طبیعی صورت گیرد، حتی چند قلو باشند، که اگر سرنوزاد یا نوزادان به طرف پایین قراردارند، و مادر و نوزاد یا نوزادان در سلامت کامل بسر می‌برند، زایمان طبیعی در سلامت مادر و کودک یا کودکان تاثیر بسزایی دارد و مادر زودتر بهبودی می‌یابد همچنین کودک یا کودکان دارای هوش بیشتر و استعداد بهتری نسبت به کودکان سزارینی دارند.

۷- اغلب زنان باردار خاصه خانم‌های سبزه، در معرض تیرگی پوست قرار می‌گیرند، این تیرگی، روی بینی، لب‌ها، زیر بغل و ران خودش را نشان می‌دهد؛ این علائم بدون ضرر است، و بعد از زایمان به مرور زمان از بین می‌رود و برای اینکه تا حدّی از تیرگی جلوگیری شود، از قرار گرفتن در معرض آفتاب خودداری شود، یا موقع بیرون رفتن از کرم‌های ضد آفتاب

مطمئن استفاده گردد، و از کرم‌های محرک پوست خودداری شود.

۸- هیجان از عوامل بسیار مضرّ برای خانم باردار است که درجنین تاثیر منفی می‌گذارد.

۹- هنگام تولد نوزاد هورمون تستسترون پدر تا یک سوم کاهش می‌یابد و باعث آرامش او می‌شود. معمولاً مردان خشن تبدیل به مردانی مهربان می‌گردند، حتی پتویی که بچه‌ای را در آن بپیچند، سپس عروسکی را در آن قرار دهند و در بغل پدر بگذارند باعث کاهش این هورمون می‌گردد.

۱۰- بعد از زایمان هورمون مادری زن بیشتر از هورمون جنسی او ترشح می‌شود و میل به مادری کردن از نیاز به عمل زناشویی در او بیشتر است و این نباید باعث اختلاف گردد و باید مراعات حال همدیگر را بنمایند.[۱]

حدیث بیست و پنجم: شیرینی بهشت با شیردادن فرزند

«حامِلاتٌ والِداتٌ مُرضِعاتٌ رَحیماتٌ بِاَولادِهِنَّ لَو لا ما یَأتینَ اِلی اَزواجِهِنَّ دَخَلَ مُصَلِّیا تُهُنَّ الجَنَّةَ»[۲]

زنان باردار، فرزنددار شیرده که بر فرزندانشان مهر می‌ورزند، اگر رفتار و گفتارشان با شوهرانشان ناهنجار نباشد نماز گزارانشان به بهشت می‌روند.

۱- کتابهای متعددی در این زمینه نوشته شده است. برای مطالعه بیشتر به آن کتابها و سایت‌های علمی مراجعه شود.

۲- پیامبر اکرم ﷺ، نهج الفصاحه، ص ۲۶۱

هنگامی که وارد گلزار می‌شوی و بوی خوش گلها را مستقیماً استشمام می‌کنی، به مراتب دل‌انگیزتر از بوی خوش گلی است که از بوته آن جدا می‌شود و در منزل به مشام می‌رسد، چه رسد به بوییدن آنچه که اصلاً گل نیست.

آب صافِ زلالی که از چشمه‌ای پاک می‌جوشد به مراتب گواراتر و مفیدتر از آبی است که حتی با لوله کشی از همان چشمه برداشت می‌شود، چه رسد به آبی که هیچ ارتباطی با آب آن چشمه ندارد و آلودگی‌هایی هم به همراه دارد. و درختانی که از آب همین چشمه آبیاری می‌شوند و در اطرافش هستند سرسبزتر و خرم‌ترند. هر آبی با هر کیفیّت خاصیّت خودش را به نوشنده‌اش اعم از انسان و غیر آن سرایت می‌دهد. پستان مادر به منزله همان چشمه جوشان است که شیری پاک و گوارا از آن می‌جوشد. و به یقین گواراترین، خوشمزه‌ترین و موثرترین شیرهاست. خاصه شیر از مادرانی مومن و عفیف که غذای روح و جسم‌شان عاری از هر نوع آلودگی ست و در کمال طهارت نفس و جان با محبت تمام و لحاظ موازین شرعی و بهداشتی و حتی امور استحبابی بچه را شیر می‌دهند. که به حتم خلق و خوی بچه متأثر از شیر مادر است. «الرِّضاعُ یُغَیِّرُ الطِّباع»[1]

«امام باقر علیه السلام فرمودند: زنان زیبا را برای شیر دادن انتخاب کنید، زیرا شیر اثر دارد و صفات زن شیرده را به طفل شیرخوار سرایت می‌دهد.»[2]

---

۱ - همان، ص ۳۲۳

۲ - وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸، به نقل از کتاب همسرداری، ص ۲۸۱

البته زیبایی فقط زیبایی ظاهری نیست. آراستگی ظاهر و زیبایی معنوی می‌تواند از مصادیق زیبایی باشد.

مادری که با آراستگی تمام و آرامش رو به قبله می‌نشیند و با ذکر دعا و تلاوت قرآن و مانند آن بچه‌اش را در کمال طهارت شیر می‌دهد به یقین اثربخش‌تر از شیردادن مادریست که با آلودگی ظاهر و باطن با حالتی ژولیده و عصبانیت و... بچه را شیر می‌دهد. هر چند به ظاهر گفته شود بچه تشخیص نمی‌دهد، امّا بچه‌ها هم بر اساس فطرت پاک الهی به آراستگی علاقمندند. در این راستا لازم است به این نکات دقّت شود:

۱. شیر روزهای اولیّه که آغوز یا کلستروم نام دارد، نوزاد را از عفونت ایمن می‌سازد. اگر نوزاد در روزهای اولیّه برای گرفتن پستان مشکل دارد، یا قبل از موعد ولادت یافته است، با استفاده از شیردوش بچه را شیر دهید و این به گونه‌ای نباشد که نوزاد به طور کلی از گرفتن پستان خودداری کند. مضافاً مادران کارمند هم می‌توانند از این وسیله برای چند وعده در روز استفاده کنند. البته بهتر است خانم‌های کارمند بتوانند از مرخصی حتی مرخصی بدون حقوق قابل توجهی استفاده کنند و یا ساعاتی برای شیردهی در اختیارش قرار گیرد و با کمک سایر اعضای خانواده بچه از شیر محروم نشود.

هرچه بچه بیشتر شیر بنوشد، شیر پستان مادر بیشتر می‌شود. شیر دادن به تعداد ۸ یا ۱۰ بار در یک شبانه روز از هر پستان میزان خوبی است. با وجود این هر زمانی که احساس گرسنگی به کودک دست داد او را باید

شیر داد. از نشانه‌های ان می‌تواند گریه کردن باشد و ممکن است بعضی از نوزادان به خاطر گرسنگی گریه نکنند یا به خاطر نوشیدن آغوز حالت خواب آلودگی به آنان دست دهد باید آنان را بیدار کرد و شیر دادن هر ۴ ساعت یکبار خوب است.

۳. شیر خوردن یک نوزاد اغلب ۴۰ دقیقه طول می‌کشد. نوزاد را باید جوری گرفت که هم مادر و هم نوزاد احساس رضایت کنند. بهترین حالت اینست که نوزاد طوری گرفته شود که سرش در کف دستان باشد و قرار دادن پستان در داخل دو انگشت سبابه و شصت خیلی شیر دادن را آسان می‌کند. تا زمانی که نوزاد خوب زیر پستان قرار نگرفته و احساس راحتی نکند، شیر داده نشود، چون مادر و نوزاد هر دو زود خسته می‌شوند.

۴. پدر، همسرش را در شیردادن نوزاد خاصّه در شب کمک کند. ممکن است مادر بر اثر خستگی خواب بماند و حتی با صدای گریه نوزاد بلند نشود.

۵. زن و مردی که نوزاد و بچه کوچک دارند جز ضرورت به کارهای بیرونی نپردازند، تا بتوانند با خیالی راحت‌تر و خستگی کمتر به وظایف مادری و پدری بپردازند.

۶. مادران شیرده از غذاهای طبیعی و سالم استفاده کنند تا کالری زیادی بگیرند. از مایعات زیاد مانند شیر و چای کم رنگ به میزان چند لیوان در روز استفاده شود، چون علاوه براینکه به میزان شیر مادر افزوده می‌شود، باعث رفع تشنگی مادر هم می‌شود که به خاطر شیردادن احساس تشنگی

بیشتری دارد. از مصرف غذاهای تند که برروی شیر اثر منفی می‌گذارد، خاصّه فست فودهای مضّرکه نوزاد و مادر را دچارمشکل می‌کند خودداری شود.

۱. از قنداق کردن بچه باید خودداری شود که بیشتر اختلات مفصلی مخصوصاً درلگن نوزادان، از قنداق کردن بوجود می‌آید. خطر قنداق کردن در نوزادان دختر بیشتر است، که باعث اختلال در رشد لگن شده و در آخر هم راه رفتن کودک را با مشکل مواجه می‌کند. هفته‌ای یکبار برای تضمین سلامتی پاهای کودک که حالت کجی یا باز به خودش نگرفته باشد، با مشورت پزشک یک تا دو ساعت قنداق شود تا سلامت پاهای کودک به خطر نیفتد. علاوه بر آن کودک خاصه دختر، اگر همیشه با پوشک باشد، آسیب می‌بیند. روزی چندین نوبت خاصّه موقعی که خوابیده است، باید آزاد باشد.

۲. لباس کودک باید خیلی تمیز باشد، روی پیراهن کودک از وسایل تیز مثل سنجاق یا دگمه‌هایی که به راحتی از لباس جدا می‌شوند ،استفاده نشود، که احتمال دارد کودک آن را به دهانش ببرد و موجب خفگی شود.

۳. هنگامی که بناست بچه از پوشک گرفته شود ابتدا لازم است دستشوئی به نحوی که بچه آن را می‌پسندد تزیین شود حتّی از عروسک‌های مورد علاقه‌اش درآن قرارداد، تا برایش خوشایند شود و بعد ازگرفتن از پوشک هم ممکن است تا چند ماه فرش و مانند آن را نجس کند، که نباید با او به تندی و خشونت برخورد کرد، باید برخوردی مناسب نمود تا کاملاً یاد

بگیرد.

و اینک لازم است به اهم فواید شیر مادر توجه شود:

«۱- باعث تقویت رابطه عاطفی مادر و کودک می‌شود. ۲- نیازهای احساسی کودک را برآورده می‌سازد. ۳- بدون مواد افزودنی غذایی کامل برای کودک است. ۴- به تکامل بهتر مغز کودک و افزایش هوش کمک می‌کند. ۵- در تکامل حرکتی کودک موثر است. ۶- باعث تکامل سیستم ایمنی کودک می‌شود و حاوی آنتی‌بادی است. ۷- نسبت به شیرهای دیگر قابل هضم‌تر است. ۸- باعث کاهش ریسک دیابت در کودک می‌شود. ۹- باعث کاهش ریسک آلرژی در کودک می‌شود. ۱۰- باعث کاهش ریسک آسم در کودک می‌شود. ۱۱- باعث کاهش ریسک عفونت گوش در کودک می‌شود. ۱۲- باعث کاهش ریسک مرگ ناگهانی در کودک می‌شود. ۱۳- کودک را در مقابل اسهال و یبوست حفظ می‌کند. ۱۴- کودک را در مقابل مننژیت باکتریال حفظ می‌کند. ۱۵- کودک را در مقابل عفونت تنفسی حفظ می‌کند. ۱۶- باعث کاهش ریسک کانسردر دوران کودکی می‌شود. ۱۷- باعث کاهش ریسک آرتریت روماتویید در کودک می‌شود. ۱۸-شانس ابتلا به هوچکین (یک نوع بیماری بدخیم غدد لنفاوی) را کاهش می‌دهد. ۱۹- کودک را در مقابل نقص بینایی حفظ می‌کند.۲۰- باعث کاهش شانس پوکی استخوان می‌شود. ۲۱- به تکامل سیستم گوارشی کمک می‌کند. ۲۲- باعث کاهش شانس چاقی در آینده می‌شود. ۲۳- مشکلات قلبی عروقی در زمان تغذیه با شیر مادر کمتر [۱۰]

است. ۲۴- باعث کاهش شانس ابتلا به کولیت زخم شونده روده می‌شود. ۲۵- کودک را در مقابل عفونت هموفیلوس حفظ می‌کند. ۲۶- باعث کاهش ناشتایی قبل و بعد از عمل می‌شود. ۲۷- کودکان تغذیه شونده با شیر مادر کمتر مریض می‌شوند. ۲۸- باعث افزایش اثر واکسن می‌شود. ۲۹- شانس گرفتن بیماری آنتروکولیت نکروزان (یک نوع بیماری روده‌ای) راکاهش می‌دهد. ۳۰- درجه حرارت شیر مادر همیشه به اندازه است. ۳۱ - درصد چربی کربوهیدرات و پروتیین شیر مادر به اندازه است. ۳۲ - مرگ قبل از ۳ سالگی را کاهش می‌دهد. ۳۳- یک ضد درد طبیعی برای نوزاد است. ۳۴- باعث خواب بیشتر می‌شود. ۳۵ - بچه‌های استفاده کننده از شیر مادر خوشبوترند. ۳۶ - یک آنتی بیوتیک موثر برای زخم معده است. ۳۷ - شیر مادر با عفونت چشم مبارزه می‌کند. ۳۸- کودک را از کاهش آهن حفظ می‌کند. ۳۹ - مکیدن باعث هماهنگی بهتر حرکات چشم و دست می‌شود. ۴۰- باعث کاهش ریسک عفونت ادراری می‌شود.۴۱- باعث رشد شناختی بهتری در کودک می‌شود. ۴۲- باعث رشد اجتماعی بهتری در کودک می‌شود. ۴۳- باعث کاهش ریسک فتق کشاله ران در کودک می‌شود. ۴۴ - عدم تغذیه با شیر مادر ریسک ام اس را در آینده افزایش می‌دهد. ۴۵- شیر مادر حاوی هورمون‌های رشد ساختگی نیست. ۴۶ - بچه‌های تغذیه کننده با شیر مادر پوست بسیار خوبی دارند. ۴۷ - بچه‌های تغذیه کننده با شیر مادر دچار اگزمای کمتری می‌شوند. ۴۸- باعث رشد گفتاری بهتری در کودک

می‌شود. ۴۹- تغذیه با شیر مادر باعث خرابی کمتر دندان‌ها می‌شود. ۵۰- باعث تکامل رشد آرواره، فک و دندان کودک می‌شود. ۵۱- کودکی که از شیرمادرتغذیه میکند درآینده آزار کمتری به حیوانات اهلی می‌رساند. ۵۲- بهترین غذا برای کودکان مریض است. ۵۳- باعث کاهش سرطان پستان در نوزادان دختر در آینده می‌شود. ۵۴- باعث کاهش سرطان سینه و تخمدان در مادر می‌شود. ۵۵- نزدیکی با کودک و لمس او هنگام شیردادن باعث می‌شود رحم مادر بعد از زایمان به اندازه طبیعی خود برگردد. ۵۶- مکیدن از خونریزی غیر طبیعی بعد از زایمان جلوگیری می‌کند. ۵۷-باعث کاهش وزن مادر بعد از زایمان می‌شود. ۵۸- باعث کاهش نیاز به انسولین در مادران دیابتی می‌شود. ۵۹- باعث کاهش ریسک کانسر تخمدان در مادر می‌شود. ۶۰- باعث کاهش ریسک کانسر آندومتر در مادر می‌شود. ۶۱- باعث کاهش شانس حاملگی ناخواسته می‌شود. ۶۲- باعث بالا رفتن اعتماد به نفس مادر می‌شود. ۶۳- باعث تقویت استخوان‌های مادر می‌شود. ۶۴- چربی اضافی که درطی بارداری در بدن مادر ذخیره شده است را از بین می‌برد. ۶۵- همیشه آماده، تازه و در دسترس است. ۶۶- رایگان است و باعث صرفه جویی درهزینه‌ها می‌شود چون غذاهای آماده گران هستند. ۶۷- باعث صرفه جویی در زمان می‌شود، چون آماده کردن شیر خشک و شیشه وقت زیادی می‌برد. ۶۸- شیر مادر خوشمزه‌تر است. ۶۹- شیر مادر این معنی را می‌دهد که نگران آخرین ترکیبات اضافه شده به شیر خشک

یا فرمولا نباشید. ۷۰ – شیر مادر نگرانی شما را در مورد اضافه کردن آب احتمالاً آلوده به شیر را حذف می‌کند. ۷۱- شیر مادر نیاز به وسایل متعدد و متفاوت ندارد. ۷۲- نیاز به یادآوری و بردن به مهمانی ندارد. ۷۳- شیر مادر فقط برای استفاده از نوزادش است. ۷۴ - شیرمادر باعث پرشدن مرتب سطل زباله بدنبال قوطی شیر نمی‌شود. ۷۵- تمیز کردن دفعیات کودک تغذیه کننده با شیر مادر راحتتر است. ۷۶- شیر مادر باعث استراحت بهتر والدین می‌شود و ...»[1]

حدیث بیست و ششم: زن بهشتی زود آشتی می کند

«اَلا اُ خبِرُکُم بِنسائِکُم مِن اَهلِ الجَنَّةِ ؟ اَلوَدُودُ ، اَلوَلُودُ ، اَلعَئُودُ الَّتِی اِذا ظَلَمَت قالَت : هذه یَدِی فِی یَدِکَ لا اَذُوقُ غَمضاً حَتّی تَرضی»[2]

آیا شما را از زنانی که اهل بهشت‌اند آگاه کنم؟ زن مهربانی که فرزند بسیار[3] آورد، زود آشتی کند؛ و هنگامی که بدی کرد [به همسرش] بگوید: دست من در دست توست [من در اختیار توام]، چشم بر هم نمی‌گذارم مگر اینکه از من راضی شوی.

گل می‌موس پودیکا (گل قهر) آنقدر حساس است که وقتی دستت به آن

---

۱ - استفاده از سایت های گوناگون

۲ - سنن کبری، ج ۵، ص۳۶۱

۳ - تعداد فرزند بستگی به موقعیت خانوادگی دارد. اگر خانواده‌ای به لحاظ مشکلات اقتصادی و یا موقعیت اجتماعی نتواند بچه‌های زیادی را تربیت کند، فرزند زیاد شایسته آن خانواده نیست. پیامبرﷺ فرمودند: «قِلَّةُ العِیالِ اَحَدُ الیَسارَینِ» شمار اندک خانواده یکی از دو آسایش است. نهج‌الفصاحة، ص۴۰۲

برخورد می‌کند، فوراً غنچه شکفته‌اش بسته می‌شود. امّا اگر دستت را برداری، بعد از مدتی کوتاه مجدد غنچه زیبایش شکفته می‌شود و آشتی می‌کند. بعضی از زنان مانند این گل زیبا و حساس زود رنج‌اند که در کوچکترین نارضایتی قهر می‌کنند، امّا از آنجا که مهر و عاطفه همسری اجازه طولانی بودن آنرا نمی‌دهد، زود به سراغ شوهر می‌آیند و با آشتی کردن سعی در جلب رضایت شوهر را دارند که:

«لاشَفِیعَ لِلمَرأَةِ اَنجَحُ عِندَ رَبِّها مِن رضا زَوجِها»[۱]

هیچ شفاعتی برای زن نزد خدایش بهتر از رضایت شوهر نیست.

و شوهر باید با آغوش باز پذیرای او شود و آنگونه معامله کند که گویی مسئله‌ای ایجاد نشده است. و این شیوه برخورد به یقین شیرینی زندگی زناشویی را مضاعف خواهد نمود.

البته لازم است مردان در رفتارشان با زنان با در نظر گرفتن روحیات آنان دقت بیشتری از خود نشان دهند.

حدیث بیست و هفتم: بیشتر خیر در زنان است

«اَکثَرُ الخَیرِ فِی النِّساءِ»[۲]

طراوت و شادابی گیاه همیشه سرسبز کاملیا با گلهای درشت و زیبا به

---

۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص۲۵۷

۲ - امام صادق علیه السلام، مَن لا یَحضُرُهُ الفَقِیه، ج ۳، ص ۳۸۵

رنگهای سفید یا صورتی و یا قرمز، عمق جان عاشقان راستین گل را صفایی خاص می‌دهد که شاید در خیلی از گلها این لطف و صفا دیده نشود. سرسبزی همیشگی گل وجودی زن مانند کاملیا به انحاء و رنگهای گوناگون، عده‌ای را از نفس وجودش منفعت می‌رساند. خانه منهای زن خانه‌ای زرد و پژمرده است. خیرات حاصل از او متوجه همسر، اولاد و دیگر اقوام و آشنایان است. صله رحم مدیون محبت و مهربانی اوست.

سفره همراه عشق از تلاش او سرچشمه می‌گیرد. تربیت صحیح اولاد مرهون فداکاری زن است. آرامش شوهر در بیرون از منزل و پرداختن به امور بیرونی از آرامش بخشیدن توسط زن و رفع نیازهای عاطفی و غریزی اوست. مراقبت از والدین کهنسال، حتی از والدین شوهر از زیبایی‌های این وجود با وجود است. اگر برحسب نیاز جامعه، اشتغالی یافت با تمام وجود و با دقت بیشتری انجام وظیفه می‌کند. علاوه بر همه به خاطر بعد عاطفه، ارتباط او با خداوند ارتباطی خالص و بی‌ریاست.

«نصیب زنها از مناجات و پند و اندرزگیری اگر بیش از مردها نباشد، کمتر نیست. زیرا زن موجود عاطفی و رقیق القلب است و در راه ذات اقدس الهی، رقّت دل، عاطفه و احساس، نقش موثری دارد. بنابراین او می‌تواند در این راه از مردها موفق‌تر باشد.»[1]

---

۱ - زن در آینه جلال و جمال، ص۱۵۳

حدیث بیست و هشتم: بیشتر بهشتیان زن هستند

«رَوی الفُضیلُ عَن اَبی عَبدِاللهِ علیه السلام قالَ : قُلتُ لَهُ شیٌ یَقُولُهُ النّاسُ اِنَّ اَکثَرَ اَهلِ النّارِ یَومَ القیامَةِ النِّساءُ قالَ وَ اَنّی ذلکَ و قَد یَتَزَوَّجُ الرَّجُلُ فِی الاخِرَةِ اَلفاً مِن نِساءِ الدّنیا فِی قِصرٍ فی دُرَّةٍ واحِدَةٍ»[1]

فصیل از امام صادق علیه السلام روایت کرد: گفت به او گفتم: مردم می‌گویند که بیشتر مردم جهنم در روز قیامت زنان هستند. فرمودند: و آن چگونه ممکن است در حالی یک مرد در آخرت هزار نفر از زنان دنیا را در یک قصر ازدواج می‌کند.

زیبایی گلستان به وجود گلهای زیبا، متنوّع، لطیف و ظریفی ست که با رشد و نمو طبیعی با توجه به استعداد و شرایط خود و بهره‌مندی از امکانات به درجه‌ای از کمال رسیده باشند که وجودشان صفابخش گلستان زیبا و خرّم است. زیبایی بهشت به وجود زنان گل صفتی ست که با اعمال صالح و خداپسندانه‌شان در دنیا، فضای بهشت را معطّر و خوشبو نموده‌اند.

بهشتی که مملوّ از لطافت و ظرافت است به سوی لطیفان ظریف به پیش می‌رود و آنان را در بر می‌گیرد. اگرچه حوریان همیشه لطیف در آن طنّازی کنند که اینان فطرةً حوری‌اند. امّا زنان مومن با اختیار خود و انجام اعمال صالح حوری صفت شده‌اند و بر حوریان رجحان یافته‌اند و مردان مومن هم تا لطافت نیابند بهشتی نمی‌شوند که بهشت همجنس خود را می‌طلبد و

---

۱ - امام صادق علیه السلام، مَن لایَحضُرُه الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸

التذاذ مردان و زنان مومن در بهشت شیرین‌تر و زیباتر از التذاذ با حوریان است.

«رسول خدا فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی به زنان نسبت به مردان مهربان است و هر مردی که زنی محرم را خوشحال کند، خداوند روز قیامت او را خوشحال می‌نماید.»[1] این مهربانی بیشتر باعث آمرزش بیشتر آنان و افزونی‌شان در بهشت می‌شود که خداوند به بهانه‌های گوناگون سعی در بخشش و آمرزش آنان را دارد که در بعضی از احادیث به آن اشاره شد. و نکته قابل توجه فرمود: هر کس زنی محرم را خوشحال کند، خداوند در روز قیامت او را خوشحال می‌نماید، بدان معنی است که حریم مرد و زن نامحرم حتی در بیان حرف‌های خنده‌آوری که احتمال مفسده باشد باید رعایت شود که خوشحالی از روی حرام و ریبه ناک، مفسده انگیز است.

زنان جهنم با عدم اطاعت از خداوند و همسویی با شیطان و اعمال قبیح و ناصالح با ضربه زدن به روحیه‌ی لطیف و ظریفشان مستحق آتش می‌شوند که خشم الهی و آتش همسنخ خشونت و اعمال ناپسند است.

حدیث بیست و نهم: دعای زن زودتر مستجاب می‌شود

«کانَ اَبی اِذا حَزَنَهُ اَمرٌ جَمَعَ النِّساءَ والصِّبیانَ ثُمَّ دَعا وَ اَمَّنُوا»[2]

هنگامی که چیزی پدرم را اندوهگین می‌کرد، زنان و کودکان را جمع

---

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۷

۲ - امام صادق علیه السلام، الکافی، ج ۲، ص۷

می‌گرد، سپس دعا می‌فرمود و آنان آمین می‌گفتند.

«تو که کیمیا فروشی نظری به قلب ما کن   که بضاعتی نداریم و فکنده‌ایم دامی»[1]

آنگاه که چشم باغبان به برگی از برگ‌های دراز و باریک گل زیبای گلایول[2] می‌افتد که از آن آب می‌چکد، با ترحم و دلسوزی، توجه‌اش را به آن می‌افزاید. لطف و محبت باغبان عالم هستی به زن افزوده می‌شود، آنگاه که دل مهربانش چون شمع سوخته و مانند برگ گل زیبای گلایول زخمی شده و از آن آب می‌چکد. و چون دلش می‌شکند زودتر به خواسته و دعایش جوابی مناسب می‌دهد و نگاه خداوند به دلهای شکسته به گونه‌ای ویژه است. و امام معصوم علیه السلام هم از دلهای شکسته زنان برای امت خود کمک می‌گیرد و از باغ وجودشان میوه‌ای برای امت می‌چیند.

«اگر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود   پیش پایی بچراغ تو ببینم چه شود
یارب اندر کنف سایه آن سرو بلند   گر من سوخته یک دم بنشینم چه شود»[3]

روح لطیف زن مانند کودکان زودتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد و با خداوند به راز و نیاز می‌نشیند و خداوند هم زودتر خواسته‌اش را پاسخ می‌دهد. و مرد هم اگر بخواهد دعایش مستجاب شود باید بشکند تا قلبش رقیق و

---

۱ - دیوان حافظ، ص۳۶۴

۲ - گیاهی است دارای ساقه‌های بلند که تا یک متر می‌رسد. برگ‌هایش دراز و باریک، گل‌هایش به رنگ سرخ یا سفید، پیاز آن را در باغچه یا گلدان می‌کارند. فرهنگ عمید، ج ۲، ص۱۶۹۱

۳ - دیوان حافظ، ص ۱۷۷

لطیف شود. اگرچه دعا همواره خواستن نیست.

دعا کلام آتشین عاشق دلسوخته با معشوق دل پرور است. دعا پیامک عاشقانه دلدار با محبت است. دعا وسیله قرب عبد به معبود است. دعا آرامش بخش و نجات دهنده‌ی غریق در دریای متلاطم است. دعا بهترین مُسَکِّن قلب بی‌تاب عبد در هیاهوی درونی اوست.

دعا ناز کشی نیازمند مطلق به ناز مطلق است. دعا ارتباط لطایف است و ظرایف. دعا کلام لطف است و صفا؛ دعا خدا دیدن است و خود ندیدن. دعا با خدا بودن است و با غیر نبودن. دعا شیرینی ذکر است و شیرینی سخن.

«آن یکی الله می‌گفتی شبی / تا که شیرین می‌شد از ذکرش لبی
گفت شیطان آخر ای بسیار گو / این همه الله را لبّیک کو؟
می‌نیاید یک جواب از پیشِ تخت / چند الله می‌زنی با رویِ سخت؟
او شکسته دل شد و بنهاد سر / دید در خواب او خضَر را خُضَر
گفت هین از ذکر چون وا مانده‌ای / چون پشیمانی از آن که ش خوانده‌ای؟
گفت لبّیکم نمی‌آید جواب / زان همی ترسم که باشم ردّ باب
گفت آن الله تو لبّیکِ ماست / وان نیاز و درد و سوزت پَیکِ ماست
حیله‌ها و چاره جوییهای تو / جذبِ ما بود و گشاد این پایِ تو
ترس و عشق تو کمند لطف ماست / زیر هر یاربّ تو لبّیک‌هاست»[1]

علاوه بر همه معشوق بی‌انتها آنگاه در گرفتاری و مشکلات هم لبیک-

---

۱ - مثنوی، ص ۳۶۵

گوی عاشق خود می‌شود که جان وجودش همواره و در خوشی‌ها هم با او به دعا و رازونیاز بنشیند.

رسول خدا فرمودند: کسی که خداوند هنگام سختی دعایش را بپذیرد خوشحال می‌شود باید هنگام خوشی و راحتی بسیار دعا کند.[1]



حدیث سی‌ام: ارزش زن بالاتر از پوشیدن لباس شهرت

«نَهی رَسُولُ الله اَن تَلبَسَ المَرأةُ اِذا خَرَجَت ثَوباً مَشهُوراً اَوتَتَحَلّی بِما لَهُ صَوتٌ یُسمَعُ»[2]

رسول خدا ﷺ نهی فرمود که زن هنگام خارج شدن لباس شهرت[3] بپوشد، یا خود را به صدایی زینت دهد که صدایش شنیده می‌شود.

منظره زیبا و دلنشین کوههای سر به فلک کشیده در زمستان با به تن کردن جامه سفید به جذابیت خویش افزوده و عشق در دلهای عاشقان شعله‌ورتر می‌شود. امّا این افزایش جذابیت به خاطر طبیعت خود کوه نیست، بلکه بخاطر لباس شهرت به تن کردن است و با از بین رفتن برف نگاههای اضافی از بین می‌رود و قلبهای بی‌تاب آرام می‌شود و هیچ دلی



---

۱ - نهج‌الفصاحه، ص ۵۴۲

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰، به نقل از دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۵

۳ - لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص بخاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر مناسب نیست. بطوریکه اگر آن را در برابر مردم بپوشد توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود. (ترجمه فارسی رساله‌ی اجوبة الاستفتاءات، ص ۳۲۷)

شعله ور نمی‌شود. گرچه عاشقان واقعی کوه، همچنان به عشق خود پایبندند.

وجود مبارک و نازنین زن خاصه زنان مسلمان ایرانی قابل قیاس با هیچ موجودی نیست، تا بخواهد با لباس شهرت در معرض دید نامحرمان بوالهوس قرار گیرد. و اغلب آنچه که دیده می‌شود از روی جهالت و بدون قصد و غرض است. با وجود این آنچه برازنده وجود یک زن است، وقار و سنگینی او در جامعه و در مقابل نامحرمان است. از وجود هر ارزشمندی در خور ارزش آن باید حفاظت و صیانت شود. از کمالات یک زن حفظ ارزشمندیش توسط خودش است. پوشیدن آنچه که باعث تخریب و تمسخر شأن و جایگاه او شود، برازنده‌اش نیست.

بعضی از زنان خاصّه دختران جوان به تقلید از مُدهای غیراصولی و بی‌معنی آنگونه لباس می‌پوشند یا خودشان را می‌آرایند که در تیررس چشمان نامحرمان بوالهوس قرار می‌گیرند. این عمل علاوه بر اینکه مستلزم هزینه و به هرز رفتن وقت است، باعث آلودگی آنان هم می‌شود که در نتیجه این زنان و دختران مانند آنان مرتکب معصیت شده‌اند. حتی اگر زنی با چادر و پوشش مناسب رفتارش خریدارانه باشد، و یا با پوشیدن کفشهایی که با تولید صدا باعث جلب توجه دیگران شود، آن هم از مصادیق پوشش لباس شهرت است که شایسته است زن مومن از آن اجتناب کند.

لباس شهرت به معنای عدم استفاده زن از وسایل زینتی یا لوازم آرایشی نیست. آرایش کردن و استفاده از وسایل زینتی با توجّه به شأن زن در مکانی

که مورد دید نامحرم قرار نمی‌گیرد حتی می‌تواند مستحب و گاهی واجب باشد.

مردی که زنش را امر می‌کند با آرایش‌های متنوّع و استفاده از وسایل تزیینی باعث لذت بیشتر او بشود، برایش متابعت واجب است. حتی اگر مردی از زنش نخواهد، امّا زن با این فعل، بهتر می‌تواند رضایت همسرش را جلب کند، برایش مستحب می‌شود.

در مجالس زنانه آرایش کردن و استفاده از زیورآلات بلامانع است. مگر اینکه:

اولاً شأن مجلس اقتضا نکند، و کسانی باشند با دیدن آن دچار عقده حقارت و کمبود شوند و یا از شوهر و پدر مطالبه کنند و در وسع آنان نباشد و زندگی دچار آسیب شود.

ثانیاً اگر در مجلس مختص بانوان احتمال باشد که از زیبایی زنی به نامحرمی گزارشی داده شود، حفظ موازین شرعی و رعایت حجاب و عدم استفاده از لوازم زینتی که در معرض دید قرار می‌گیرد، ضروری است.

«آزمون دشواری بر شما رسید و صبر کردید. من بر شما آزمون سخت‌تری که از سوی زنان خواهد بود، می‌ترسم و آن هنگامی است که دستبند طلا به دست کنند و پارچه‌های فاخر شام و یمن بر تن کنند و توانگر را به رنج افکنند و تهیدست را به آنچه در دست ندارد و نمی‌یابد موظف سازد.»[۱]

---

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، ص۷۷

مرد هم باید از پوشیدن لباس شهرت امتناع ورزد و خودش را به قیافه زنان گریم نکند. چون علاوه براینکه با شأن و جایگاه یک مرد مسلمان مغایرت دارد، شرعاً هم دارای اشکال است.

«سه گروه هرگز وارد بهشت نمی‌شوند: دیّوث و مرد زن نما و شرابخوار.»[1]

«مَن لَبِسَ ثَوبَ شُهرَةٍ کَساهُ اللهُ یَومَ القیامَةِ ثوباً مِنَ النّارِ»[2]

هر کس لباس شهرت بپوشد خداوند او را روز قیامت لباسی از آتش بپوشاند.

علاوه بر این که پوشش لباس شهرت برازنده زن و مرد مسلمان نیست پوشش لباسی که باعث تخریب شخصیت شود و مورد تمسخر قرار گیرند هم جایز نیست بلکه لازم است پوشش با توجه به موقعیت جغرافیایی مورد تایید دین باشد. چه بسا لباسی در عرف جامعه ای مورد تایید و در عرف جامعه ای دیگر مورد تایید نباشد. مثلا امروز در ممالک غربی استفاده از کراوات به عنوان یک لباس است و به نظر اغلب فقها در آن ممالک بلااشال است اما در کشور ما آن را جایز نمی دانند چون تبعیت از فرهنگ غرب و فاقد ارزش است.

نکته قابل توجه علاوه برعدم پوشش لباس شهرت، باید از پوشیدن لباس گانه هم خودداری نمود.

---

۱. همان، ص۲۳۱. بیان این حدیث به خاطر بسیار ناپسند بودن این نوع اعمال است. اگر موفق به توبه شدند انشاءالله عفو خداوند شامل حالشان می‌شود.

۲. امام حسن علیه‌السلام، مشکوة الانوار، ص ۶۸۵

«أوحی اللهُ إلی نبیٍّ مِن انبیائِهِ أن قُل لِقومِکَ لا تَلبَسُوا لِباسَ أعدائِی وَ لا تَطعَمُوا مَطاعِمَ أعدائِی وَلا تَشاکَلُوا بِما شاکَلَ أعدائِی فَتَکُونُوا أعدائِی کَما هُم أعدائِی»[1]

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود: اینکه به قومت بگو لباس دشمنانم را نپوشید و غذای آنان را نخورید و خودتان را هم شکل آنان نکنید، در این صورت شما هم دشمن من می‌شوید، آنگونه که آنان دشمن من هستند.

از حدیث مزبور می‌توان فهمید:

اولاً شأن و جایگاه مسلمان بالاتر از تقلید از دشمنان دین است. و این به معنای عدم استفاده از علم و تکنولوژی آنان نیست، بلکه تقلید کورکورانه از فرهنگ آنان است، که هیچ سنخیتی با دین اسلام ندارد.

ثانیاً باعث رونق وضعیت اقتصادی آنان می‌شود و طبعاً هر چه وضعیت اقتصادی دشمنان اسلام بهتر باشد، بیشتر می‌توانند کشورهای دیگر عقب مانده را تحت سیطره خود بگیرند که با اصل دین منافات دارد.

حدیث سی و یکم: نگاه ویژه خداوند به زنی که در خانه کار می‌کند

«سَألَت أمُّ سَلمَةَ رسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله عَن فَضلِ النِّساءِ فی خِدمَةِ أزواجِهِنَّ فَقالَ صلی الله علیه و آله مِن اِمرأةٍ رَفَعَت مِن بَیتِ زَوجِها شیئاً مِن مَوضعٍ

---

۱ - بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۵

اِلی مَوضعٍ تُریدُ بِهِ صَلاحاً اِلّا نَظَرَاللهُ اِلیها وَ مَن نَظَرَاللهُ اِلَیهِ لَم یُعَذِّبهُ فقالَت اُمُّ سَلمَةَ (رَضِیَ اللهُ عنها) زدنی فِی النِّساءِ المَساکِینِ مِنَ الثَّوابِ بِاَبی اَنتَ وَ اُمّی فَقالَ یااُمَّ سَلمةَ اِنَّ المَرأَةَ اذا حَمَلَت کانَ لَها مِنَ الاَجرِکَمَن جاهَدَ بِنَفسِهِ وَ مالِهِ فی سَبیلِ الله (عَزَّوَجَلَّ) فَأذا وَضَعَت قِیلَ لَها : قَد غُفِرَلَکَ ذَنبُکِ فَاستأ نِفِی العَمَلَ فَأذا اَرضَعَت فَلَها بِکُلِّ رَضعَةٍ تَحریرُ رَقَبَةٍ مِن وُلدِ اِسماعِیلَ»[1]

ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله از اجر و پاداش زنان در خدمت شوهرانشان سوال کرد.

پس فرمودند: زنی که در خانه شوهرش چیزی را از جایی به جایی ببرد و قصدش نیکی باشد، خداوند به او نگاه می‌کند، و هر کسی را که خداوند به او نگاه کند، او را عذاب نمی‌کند.

ام سلمه گفت: پدر و مادرم به فدایت، درباره زنان زیر دست بیشتر بفرمایید.

فرمودند: ای اُم سلمه، زن هنگامی که حامله می‌شود، برایش پاداش کسی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد کرده است، پس هنگامی که وضع حمل نماید، به او گفته می‌شود: گناهان تو آمرزیده شده است.[2] از نو عمل را آغاز کن پس هنگامی که بچه را شیر می‌دهد، با هر شیر دادنش برایش پاداش آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل است.

---

۱ - امام صادق علیه السلام، آمالی، ج ۲، ص ۵۲۰

۲ - البته بعد از توبه و جبران در صورت امکان، و دادن حق الناس یا گرفتن رضایت از آنان.

واگنهایی که با یک سوت قطار بر روی ریل حرکت می‌کنند و صدها مسافر از علماء و دانشمندان گرفته، تا مسئولان مملکتی و نظامی و سایر آحاد مردم و وسایل خوراکی و پوشاکی تا ادوات جنگی و دارویی و .... را حمل می‌کنند، به برکت وجود لوکوموتیو سالم و لوکوموتیورانی مجرب و خدمه‌ای تلاشگر و زحمت‌کش است، اگر مردان توفیق دارند، تا واگن‌های زندگی را بر روی ریل قطار زندگی حرکت دهند و به پیش ببرند، به لطف لوکوموتیورانِ ماهر زندگی یعنی زن است، که سوت حرکت آن را همراه سبد سبد ازگل عشق با نغمه‌هایی از صفا، صمیمیت، ایثار و فداکاری، کرامت و بزرگواری به صدا در می‌آورد و در آن روغن و سوخت شوهر دوستی و فرزند عاشقی می‌ریزد، و واگن‌های قطار زندگی را یکی پس از دیگری به پیش می‌برد.

مجاهدان میدان‌های نبرد مرهون و مدیون همسرانی مومن و فداکارند، که با گرم نگه‌داشتن کانون خانواده و رفع نیازهای غریزی و عاطفی شوهر از آنان مبارزان جنگ می‌سازند.

مردی که خیالش از بابت زندگی و اولاد آسوده است، موفقیّت او در عرصه‌های گوناگون زندگی بیشتر از مردی است که زنش هیچ مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد، مردی که نیازهای عاطفی و غریزی‌اش توسط همسر مومن و فداکارش ارضاء شود در میدان جنگ موفق‌تر از مردی است، که در اوج نیاز به میدان می‌رود، و چه بسا با حربه دشمن در نمایاندن تار موی زیبا زلفی دردو جبهه جهاد اصغر و جهاد اکبر میدان را به دشمن واگذار کند.

مردی که با آرامش تمام محیط خانه را به سوی محل کار ترک می‌کند، در خدمت رسانی به مردم به حتم موفقیّت بیشتری دارد.

در اختراعات و ابداعات مخترعان و مبتکران نباید نقش همسران آنان را نادیده گرفت.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر زنی که غذای گوارا برای شوهرش تهیه کند خداوند در بهشت خوراکی‌های گوناگون برای او خلق می‌کند و می‌گوید بخور و بنوش به خاطر آن زحمت‌هایی که در دوران گذشته کشیدی.»[1]

باز فرمودند: «خانه‌داری شما (زنان) همان یافتن پاداش جنگاوران راه خداست. هر زنی که [برای انجام کار خانه] برخیزد، و برای همسرش نان پزد، و گرمای آتش آزارش دهد، آفریدگار آتش را بر او حرام کند.»[2]

لازم است به این نکته عنایت شود که بعضی از امور خانه از قبیل آشپزی، نگهداری اولاد و حتی شیر دادن بچه و ... برای زن و همچنین تلاش فوق العاده برای رفاه زن و تهیه امکانات بیش از نیاز متعارف او و... وظائف شرعی و حتمی زن و مرد نیست اما هردو با تمام وجود همراه عشق و محبت به آن می پردازند که این ناشی از اخلاق نیکو و پسندیده

۱- نکاح المستدرک به نقل از کتاب ازدواج در اسلام

۲- همنام گل های بهاری، ص۱۶۲، امروزه معمولاً در مناطق شهری و حتی اکثر مناطق روستایی پختن در منزل مرسوم نیست و این حدیث می‌تواند شامل همه کارهای خانه باشد. البته به شرط ایمان و انجام عمل صالح.

اسلامی است که باعث تحکیم روابط خانوادگی و باعث صفا و صمیمیت بیشتر می شود. علاوه بر آن عدم وجوب تکالیفی از قبیل جهاد، تهیه مایحتاج زندگی و ...توسط زن علاوه بر مشقت و بعضا غیر ممکن بودن، می تواند به این خاطر باشد که عواطف و احساسات پاکش فقط هزینه زندگی مشترک شود که در بقاء و تداوم زندگی نقش مهمی را ایفا می کند.

حدیث سی و دوم: زن شیشه است

«هُنَّ قواریرُ لا تَکسِروهُنَّ»[۱]

آنان (زنان) مانند شیشه‌اند، آنان را نشکنید.

استفاده از اشیاء لطیفِ ظریف، بستگی به دقت در چگونگی نگهداری و استفاده آنست. همانگونه که نگهداری گل و بوییدن آن آدابی دارد، نگهداری و استفاده از شیشه هم آداب مخصوص به خود را دارد. زن این موجود لطیفِ ظریف گل صفت مانند شیشه است، که در نگهداری آن باید دقّتی خاص شود، تا در استفاده از آن مانعی ایجاد نگردد.

«زن بسان شیشه باشد ای پسر کی زنی تو شیشه را با سنگ سخت»[۲]

شیشه به خاطر لطافت و ظرافت خاص نیاز به مراقبتی ویژه دارد، که این مراقبت باعث دوام آن و سود رسانی بدون منّت است با مراقبت ویژه از زن

---

۱ - امام سجاد، وسایل الشیعه، ج ۵۵، ص ۱۰۱

۲ - مولّف

می‌توان با حفظ لطافت و ظرافت او در دوام زندگی زناشویی و آرامش آن کمک نمود.

جنس شیشه‌ای اغلب صاف، ساده و بی رنگ است، و زود شکسته می‌شود؛ اکثر زنان صاف و بی آلایشند و زود تحت تاثیر واقع می‌شوند، و جسم و روح شان آسیب می‌بیند.

لکه آلودگی و گرد و خاک زود بر روی شیشه می‌نشیند، لکه بی بند باری و ننگ نامی زودتر زن را به رسوایی می‌کشاند.

تعمیر جنس شیشه‌ای شکسته شده اغلب ممکن نیست، زنی که وجودش به خاطر مشکلات و یا عواملی دچار آسیب و صدمه شود، رفع صدمه مشکل است. منزل مسکونی بدون شیشه ساختمانی ناقص است، کمال منزل مسکونی انسان در گرو زن است.

از شیشه نور وارد خانه می‌شود، زن باعث روشنایی خانه است. شیشه نور را منعکس می‌کند، اگر به زن نیکی کنی نیکی را به تو انعکاس می‌دهد. شیشه اگر بشکند چه بسا خرده شیشه‌ها افرادی را زخمی کند، وجود زن اگر آسیب ببیند و بشکند، یا انحرافی در او بوجود آید، به یقین در دیگران هم اثر گذار است، و خانواده‌هایی درگیر ماجرا می‌شوند.

آب در کتری شیشه‌ای زود تر به درجه جوش می‌رسد، باید با تنظیم کردن درجه گرما از فوران آن جلوگیری نمود. زن زودتر عصبانی می‌شود، باید با راهکارهای مناسب مانع آن شد. شیشه توسط چیزهای سخت شکسته می‌شود، زن با کارهای طاقت فرسا آسیب می‌بیند. شیشه زود

شکسته می‌شود، زن زود رنج است. جنس شیشه‌ای نیاز به مراقبت بیشتری دارد، زن نیاز به مراقبت و محافظت بیشتری دارد. حفاظ مناسب مانع شکستن جنس شیشه‌ای می‌شود، دختران نیازمند به ازدواج را شوهر مناسب حفاظت می‌کند، و سلامت روح و جسم آنان را تضمین می‌نماید.



حدیث سی و سوم: صدای زن محرک است

«اِیّاکُم وَ مُحادَثَةَ النِّساءِ فَاِنَهُ لا یَخلُو رَجُلٌ بِأمرأةٍ لَیسَ لَها مَحرَمٌ الاّ هَمَّ بِها»[1]

از گفتگو با زنان بپرهیزید، که هر وقت مردی با زنی نامحرم خلوت کند، قصد او می‌کند.

قُطرات شبنم از گل زیبا و خوشبوی آتشی که بر روی سنگی می‌چکد، علاوه بر اینکه آن سنگ را از حال و هوای آن گل بی نصیب نخواهد کرد، چه بسا با نفوذ در آن رخنه‌ای ایجاد نماید. صدای زن خاصه زنان جوانی که با ناز و کرشمه سخن می‌گویند، مانند قطرات شبنم از گل زیبا و خوشبوی آتشی ست که جان و دل را با حال و هوایی خاص آتش می‌زند، و در عمق آن نفوذ می‌کند.

«او سخن می‌گوید و دل می‌برد   او نمک می‌ریزد و مردم[2] کباب»[3]

---

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، ص ۱۸۸

۲ - دلها، جانها

۳ - کلیات سعدی، ص ۴۳۱

«كانَ رسولُ اللهِ ﷺ يُسَلِّمُ عَلَى النِّساءِ و يَرُدُّنَ عَلَيهِ السَّلامُ وكانَ أميرُ المومنينَ عليه السلام يُسَلِّمُ عَلَى النِّساءِ وَ كانَ يَكرَهُ أن يُسَلِّمَ على الشّابَةِ مِنهُنَّ وَ يَقُولُ اَتَخَوَّفُ اَن يُعجِبَنى صوتُها فَيدخُلُ عَلَيَّ أكثَرُ مِما اَطلُبُ مِنَ الاَجرِ»[۱]

رسول خدا ﷺ به زنان سلام می‌کرد و آنان پاسخ می‌دادند و علی عليه السلام بر زنان سلام می‌کرد و خوش نداشت به زنان جوان سلام بگوید و می‌فرمود: می‌ترسم که صدایشان برایم خوشایند شود، و بیش از اجری که طالب آن هستم برایم گناه باشد.

بیان این حدیث درباره علی عليه السلام علاوه بر اینکه می‌تواند برای ما جنبه تعلیمی باشد، به ما می‌آموزاند، که در مقابل زنان و دختران نامحرم خاصّه جوانان باید با نهایت احتیاط برخورد نمود، البته گاهی اشتغال به امری مهم می‌تواند، تا حدّی مانع بروز مفسده باشد.

حتی خداوند در قرآن خطاب به زنان پیامبر ﷺ که اُمّ المومنین هستند می‌فرماید:

«يا نِساءَ النَّبِيِّ لَستُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ اِنِ اتَّقَيتُنَّ فَلا تَخضَعنَ بِالقَولِ فَيَطمَعُ الّذى فِى قَلبِهِ مَرَضٌ»[۲]

ای همسران پیامبر شما مانند یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا

---

۱ - امام صادق عليه السلام، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱

۲ - احزاب، آیه ۳۲

پیشه کنید. بنابراین به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویید، تا بیماردلان درشما طمع کنند.

علاوه بر خودداری از سخن گفتن بی‌مورد و غیر ضروری با زنان نامحرم، شنیدن صدای خنده و حتی گریه آنان در مجالس عزاداری می‌تواند، موجب مفسده شود و لازم است شرکتها و موسسات از صدای زن خاصه زنان جوان چه بصورت تلفن گویا و چه بصورت زنده که بعضاً با حالتی تحریک آمیز برای جلب مشتری پخش می‌شود، خودداری کنند، که یقیناً حرام است.

«امام کاظم علیه السلام از پدرانش فرمود: رسول خدا فرمودند: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در جایی که زن نامحرم (صدای) نفسش را بشنود، درنگ نمی‌کند.»[1]

همین صدای دلربای زن، از امتیازات اوست، که می‌تواند شوهرش را علاوه بر اینکه با ظاهری آراسته از لذت بصری بهره‌مند سازد با کلامی عاشقانه با عنایت به شیوه گفتاری و لذت بخش

خاصی، باعث گرمی بیشتر کانون خانواده گردد.

«اَلجَمالُ فی اللِّسانِ»[2]

زیبایی در زبان است.[3]

---

۱ - امالی، ج ۲، ص ۶۸۸

۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تحف العقول، ص ۶۲

۳ - برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم اثر مولف مراجعه کنید.

حدیث سی و چهارم: خدا را خدا را در رعایت حقوق زنان

«اللهَ اللهَ فِی النِّساءِ وَ ما مَلَکتَ اَیمانُکُم، فَاَنَّ آخِرَ ماتَکَلَّمَ بِهِ نَبِیُّکُم اَن قالَ: اُوصِیکُم بالضَّعِیفَینِ: اَلنِّساءَ وَ ما مَلَکَت اَیمانُکُم»[1]

خدا را خدا را در رعایت حق زنان و زیر دستانتان. زیرا آخرین فرمایش پیامبرتان این بود که فرمودند: شما را به رعایت حق دو ناتوان سفارش می‌کنم: زنان و زیردستان.

رشد و نمّو هرگلی در فضایی مناسب و مساعد با توجه به نوع آن و عطر آگین نمودن شامّه‌های عاشق است، تا سرمست بوی خوش آن شود. و لازمه آن اینست که باید با مراقبتی ویژه از دما، نور، آب و املاح مورد نیاز بهره‌مند باشد، امّا اگر در راستای رشد خود با خارهایی مواجه شود، علاوه بر این که نمی‌تواند به حالت طبیعی رشد کند، چه بسا پژمرده و خشک گردد.

زن به مانند گلی لطیف و به لحاظ ساختار بدنی ضعیف است، که باید در فضایی آرام زمینه رشد و شکوفایی او فراهم شود، تا از عطر وجودش فضای خانه مُعطّر شود و از بذر خالصش گل‌های باغ زندگی، اولاد صالح پرورش یابند و بوی خوشش همسرش را مست وجودش سازد. چنین زنی حامی شوهر درعرصه‌های گوناگون است و جامعه برحسب ضرورت از فیض وجودش بهره مند می‌شود. اما همواره از دو ناحیه به این موجود

---

۱ - علی علیه‌السلام، تحف العقول، ص ۳۳۴

ظریف گل صفت، گل پرور ستم شده است، نخست اینکه او به مانند کنیزی بدون هیچگونه اختیار و انتخاب باید همـواره مطیـع و در خـدمت خـانواده باشد، و هیچ مالکیتی برایش نیست. آنگاه که در خانه پدر است اختیار تام با پدر و آنگاه که پا به خانه شوهر می‌گذارد، تمام وجودش ملک شوهر اسـت حتی باید با فامیلی شوهر خطاب شود، از صبح تا شام در خانه انجـام همـه امور خانه، شوهر ، اولاد و ... را به عهده دارد و همواره باید تحت امر شوهر باشد امّا هیچگونه حقّی ندارد؛ نه استقلال فرهنگی دارد نه استقلال سیاسـی، نه استقلال اقتصادی دارد و نه استقلال اجتماعی. حتـی در امـور تقلیـدی و تعبدی باید تابع شوهر باشد. بعداز مرگ شوهر یا متارکه، مجدد اختیار او با پدر است. در نبود پدر، جَد، برادر، عمو و دیگر مردان فامیـل بـر او ولایـت دارند. دوّم به نام آزادی و تساوی حقوق او را از وظایف اصلی همسـری و مادری غافل کردن، به عنوان یک عروسک کوکی در خدمت استعمارگران و استثمارگران برای رسیدن به اهداف شومشان قرار دادن، از وجود نـازنین او بیگاری کشیدن، شغلهای کاذب و خلاف شأن به او سپردن، با خـودآرایی و بزک کردن قیافـه‌هـای حـوری صفتشـان و در اختیـار نامحرمـان بوالهـوس قراردادن، ماکت شمایلشان را با پوشاندن لباس زیر در ویترین جهت جذب مشتری قراردادن، از صدای محرک شـان بـرای تبلیـغ کالاهـای بازرگـانی استفاده کردن و ... همه و همـه از مصـادیق بـارز ستم بـه زن اسـت. بیـان تاکیدی علی علیه‌السلام در خصوص موجودی که نیمی از پیکـره جامعـه اسـت و نیمی دیگر وامدار اوست، به این معناست که زن، زن است انسانی مستقل،

با اراده، با توانمندی بسیار که با توجه به شأن و جایگاه خود، باید زمینه باروری او مهیا شود، مرد و آداب و سنن غلط نباید مانع رشد و ترقی و خدمت رسانی او شود و او را از وظایف مهم همسری و مادری باز دارد، بایدتکریم شود.

«ما اَکرَمَ النِّساءَ اِلاّ کریمٌ و ما اَهانَهُنَّ اِلاّ لئیمٌ»[۱]

افراد کریم و بزرگوار زنان را گرامی می‌دارند، و افراد پست و فرومایه آنان را ذلیل می‌شمارند.

به خاطر اهمیّت وجود زن است که پیامبر اکرم فرمودند: «کسی که دختر یا زنی را شاد کند خداوند در روز هراس بزرگ (رستاخیز) او را شاد می‌کند.»[۲]

البته باید توجه داشت شادی واقعی با فراهم نمودن مجالس لهو و لعب در تعارض است، توجه به عواطف و احساسات زن و فراهم نمودن زمینه پرورش استعدادهای او می‌تواند از مصایق بارز شاد کردن زن یا دختر باشد.

«امام کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند غضب نمی‌کند، بر چیزی مانند غضبش بر ظلم زنان و طفلان»[۳]

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۰۳

۲- همان، ج ۹، ص ۲۱۹

۳- حلیة المتقین، ص ۱۰۷

حدیث سی و پنجم: مادر، مادر، مادر

«اُمَّکَ ، اُمَّکَ ، ثُمَّ اُمَّکَ ، ثُمَّ اَباکَ ، ثُمَّ الاَقرَبَ فَالاَقرَبَ»[۱]

مادرت را دریاب، مادرت را، مادرت را، سپس پدرت را، سپس کسانی را که به تو نزدیکترند.

درخت بزرگ و تناور گردو[۲] که خواص زیاد آن با بسیاری از درختان دیگر قابل قیاس نیست مدیون ریشه عمیق و پهناور است، که توانسته درختی اینچنین تنومند و سودمند را پرورش دهد، تا در مقابل بادهای تند و طوفان‌های سهمگین دوام یابد. ریشه و اساس انسان مادر است، که بطن و دامن پاک او نخستین مربی انسان‌های مومن و مجاهد است که توان مقاومت را در مقابل حوادث بزرگ از خود نشان می‌دهند.

---

۱ - پیامبر اکرمﷺ، نهج الفصاحه، ص ۱۱۴

۲ - ثمر درخت گردو که مغز آن مانند بادام خورده می‌شود و از آن روغن هم می‌گیرند هر دانه گردو یک پوست سبز و یک پوست سخت چوبی دارد. پوسته چوبی آن دو کفه است و در میان آن مغز قرار دارد. مغز گردو دارای مواد غذایی بسیار است. به واسطه دارا بودن ویتامین D برای مبتلایان به راشیتیسم و کودکان کم خون نافع است و به واسطه داشتن مقدار کمی آهک باعث زیاد شدن خون و استحکام استخوانها و تقویت نسوج بدن می شود و به واسطه داشتن فسفر برای کسانی که کارهای فکری دارند نافع است. خوردن روغن مغز گردو به واسطه آهن و منیزیوم که دارد سبب تسهیل عمل روده‌ها و دفع انگلها می‌شود. در پوست درخت و پوست سبز گردو و برگ آن ماده‌ای وجود دارد که در رنگرزی به کار می‌رود. درخت گردو بزرگ و تناور و اصل آن از ایران است و از این کشور به جاهای دیگر برده شده، چوب آن بسیار محکم و دارای رگه‌ها و موجهای زیبا است و در نجاری برای ساختن مبل و اشیاء چوبی گرانبها به کار می‌رود. جوز و گوز و گردکان هم می‌گویند. فرهنگ عمید، ج۲، ص ۱۶۸۱

«اَلزِم رِجلَها فَأنَّ الجَنَّةَ تَحتَ اقدامِها»[1]

بر روی پای مادر بیفت که بهشت زیر پای مادران است.

«با تو او چون است هستم من چنان زیر پای مادران باشد جنان[2]

اهمیّت تکریم وتعظیم مادر فقط به خاطر مشقّت بارداری و درد زایمان نیست، که این درد در بعضی از حیوانات شدیدتر است و خاصّه با پیشرفت علم چه بسا دردی متوجه مادر نشود، بلکه بخاطر وجود نازنین و با محبت اوست که نقش عمده در تربیت اولاد دارد و بودن بهشت زیر پای مادر، هم بخاطر اهمیّت نقش مادر در تربیت است، که مردان و زنان زیادی را با تربیت صحیح بهشتی می‌سازد.

امام خمینی رحمه‌الله در باره اهمیّت مادر فرمودند:

«مدرسه اول بچه، دامن مادر است مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید، علاقه‌ای که بچه‌ها به مادر دارند به هیچ کس ندارند، آرزوهایی که دارند در مادر خلاصه می‌شود و همه چیز را در مادر می‌بینند. شما (خانمها) مسئول اعمال و افعال آنها هم هستید. همانگونه که تربیت بچه خوب، ممکن است سعادت یک ملّت را تأمین کند، اگر در دامن شما خدای نخواسته بچه بد بزرگ شود، ممکن است که جامعه را به فساد

---

۱ - فاطمه زهرا علیهاالسلام، تُحفُ العقول، ص ۹۵۹

۲ - مثنوی، ص ۷۹۹

بکشاند.»[۱]

«برای شما (خانمها) یک فرزند خوب که تحویل جامعه دهید، بهتر از همه عالم است. دامن مادرها دامنی است که باید انسان از آن درست شود. اوّلین مرتبه تربیت، دامن مادر است، برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق است و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه‌ها از مادر بهتر چیز اخذ می‌کنند، و آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر، معلم و استاد نیستند.»[۲]

همین اهمیّت است که پیامبر فرمودند: «هر که پای مادرش را ببوسد، عتبه بهشت را بوسیده»[۳]

و باز فرمودند: «کسی که میان دو چشم مادر خود را ببوسد آن بوسه برای او سپری از آتش دوزخ خواهد بود.»[۴]

«جوانی سر از رای مادر بتافت / دل دردمندش به آذر بتافت
چو بیچاره شد پیشش آورد مهد / که ای سست مهر فراموش عهد
نه گریان و درمانده بودی و خرد / که شبها ز دست تو خوابم نبرد
نه در مهد نیروی حالت نبود / مگس راندن از خود مجالت نبود
تو آنی که از یک مگس رنجه‌ای / که امروز سالار و سر پنجه‌ای»[۲]
«گفت پیغمبر مکرّر بر بشر / که کنی نیکی به مامت ای پسر[۳]

---

۱ - کوثر، ج ۱، ص ۳۹۰ و ۳۹۱

۲ - همان، ۴۶۳

۳ - حیلة المتقین، ص ۷۹۹

۴ - نهج الفصاحه، ص ۵۲۶

هست جنت زیر پای مادرت[1] بهترین یارست وهمدم یاورت

شیر او از انگبین شیرین‌تر است نامِ مادر بهترینِ بهتر است

پای تو با پای او سر پا شد قلب تو در قلب او پیدا شد

مرهم درد تو هست آن مادرت آن طبیب بی مواجب پیکرت

لای لای از نغمه مهر و وفا از لب مادر برون شد بارها

هست مادر اسوه عشق وصفا جان مادر، بهتر ازجان است تو را

بهترین حق بر تو دارد مادرت چون شده آسایش جان و تنت

از رسول تا خاتم اولاد او مفتخر از دامن بی باک او

هر که بوسد بین دو چشم ترش دور گردد آتش از جان و تنش[4]

گفت پیغمبر حدیثی این چنین تا بدانی قدر این گوهر وزین

گر مجاهد گشته‌ای ازجهد اوست گر معلم گشته‌ای از علم اوست

گر فقیهی، مجتهد از او شدی گر حکیمی، حکمتت از او شدی

گر رئیسی و وزیری و وکیل مادرت بوده برایت بی بدیل

اژه تقوا و ایمان هم از اوست نور عرفان زاده پر نور اوست

ربهشت خواهی زلطف او بخواه با دعایش خوانده ای راه اله»[5]

- کلیات سعدی، ص ۳۶۸

- اشاره دارد به حدیث نبوی آغاز این مبحث

- اشاره دارد به حدیث: « اَلزِم رِجلَها فَأنَّ الجَنَّةَ تَحتَ أقدامِها »

- اشاره دارد به حدیث: «مَن قَبَّلَ بَینَ عَینَی اُمِّهِ کانَ لَهُ سَتراً مِن النّارِ» کسی که میان دو چشم مادر خود ببوسد آن بوسه برای او سپری از آتش دوزخ خوهد شد.

- مولف

حدیث سی و ششم: سفره پذیرایی خداوند برای دختران زودتر گسترده می‌شود

«اَلجارِیَةُ اِذا بَلَغَت تِسعَ سنِینَ ذُهِبَ عَنها الیُتمُ وَ زُوِّجَت وَ اُقیِمَ عَلَیها الحُدُودُ التّامّةُ لَها و عَلَیها»[1]

دختر وقتی به نه سالگی برسد کودکی از او رخت برمی‌بندد و می‌تواند ازدواج کند و حدود بر نفع او یا ضرر او جاری می‌شود.[2]

هنگامی که در گلزار بلبلان خوش الحان با شکوفا شدن گل‌های زیبا و خوشبو نغمه عشق و دوستی سر می‌دهند تا ضمیمه‌ی بوی خوش گل‌ها با رنگ‌های متنوع شود باغبان را حالی می‌دهد و جانی تازه می‌بخشد. سفره پذیرایی خداوند که همه نعمات الهی را در بر دارد، با حضور زود هنگام گل وجود دختران و مناجات عاشقانه‌ی این شیرین زبانان شَکر گفتار، آنچنان

---

۱ - وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۴۳

۲ - یکی از شرایط بلوغ، شرایط سنی است که با استناد به بعضی از احادیث بعضی از فقها برای دختران تمام شدن ۹ سال قمری و برای پسران تمام شدن ۱۵ سال قمری را شرط می‌دانند؛ البته احادیثی هم وجود دارد که استناد به سنین دیگر مثلاً برای دختران تمام شدن ۱۳ سال قمری را شرط می‌داند. در هر صورت لازم است همه دختران و پسران از مجتهد جامع الشرایط تقلید کنند و پایبند به نظر فقهی مرجع تقلید خویش باشند. و شرایط دیگری از قبیل احتلام، روییدن موی درشت بر روی شرمگاه و حیض(مخصوص دختران) هم از شرایط بلوغ که اگر در دختر یا پسری قبل از شرط سنی یکی از این شرایط ایجاد شد او بالغ است و باید به تکلیف شرعی پایبند باشد. امّا در انجام همه تکالیف با توجه به شرایط زمانی و مکانی نظر مجتهد جامع الشرایط باید اعمال شود. در هر صورت دختران زودتر از پسران به تکلیف شرعی می‌رسند و طبعاً ازدواج دختر در ۹ سالگی با توجه به موقعیت جغرافیایی بسیار بسیار کم اتفاق می‌افتد و از عوامل موثر در اجتهاد زمان و مکان است.

زیبایی به خود می‌گیرد، که ملائک دائم الذکر به آن غبطه می‌خورند.

«آنـان کـه پریـروی و شـکر گفتارنـد   حیفست که روی خوب پنهان دارند»[1]

اگر بزرگی شما را برای دیدار خویش و سخن گفتن با خود بـه حضـور طلبد، شوق دیدار او همه مشکلات احتمالی را شیرین و گوارا می‌سازد. چه افتخاری بزرگتر و بالاتر از اینکه دختران زودتر ازپسران بر سـفره عبـادت و مناجات الهی خوانده شوند، و این به حتم برای آنان شـرافتی بـس عظـیم و کرامتی بس جمیل است که باید برایش جشن تشریف گرفت، به یقین دادن مسئولیت زودتر و در زمره بزرگان واقع شدن نمی‌تواند عیب و نقص باشد، بلکه عین کمال و رشـد اسـت،[2] و حکایـت از آن دارد کـه رشـد عقلـی و عاطفی دختران نسبت به پسران بیشتر است. دختران دارای اراده قـوی تـر و صبری پایدارترند و به لحاظ شدت عاطفه، لطیف مطلق آنان را جهـت هـم کلامی زودتر در آغوش محبت گرفته که اقتضای عاطفـه، کـلام عاشـقانه و نجوای عارفانه است. همین امر مناجات آنان را اگـر بیشـتر از مـردان قـرار ندهد به حتم کمتر قرار نمی دهد که امضایشان زودتر اعتبار یافته تا بتواننـد



۱ - کلیات سعدی، ص ۸۰۹

۲ - به حتم آنانی که طاقت تکلیف را ندارند از آنان ساقط است.
« لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفساً اِلاّ وُسعَها » بقره : ۲۸۶ خداوند برای هر انسانی به اندازه توانش تکلیف قرار می‌دهد.
و این نه فقط مختص دخترانی است که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند. اگر در هر سـنی تکلیفـی فـوق طاقـت انسان بود، آن تکلیف در آن زمان ساقط است و زمان و مکان از عوامـل مـؤثر در اجتهـاد اسـت. در هـر صورت باید به نظر مرجع تقلید عمل شود.

از بانک مرکزی الهی از حسابشان عشق و محبت برداشت کنند و اگر در مسیر عبودیت ضعفی اخلاقی در مسیرشان قرار گرفت این افتخار زود هنگام میتواند مانع آن شود و به حتم نزول برکات الهی بواسطه ارتباط زودتر آنان بیشتر خواهد بود.«اسلام به اولیای مدرسه و منزل دستور میدهد که به دختر ها بیش از پسرها رسیدگی کنید چون تکلیف دختر شش سال قبل از پسر آغاز می شود. روی این تحلیل زن زودتر از مرد آمادگی نماز و رازو نیاز پیدا می کند و اگر احیانا وجود احساسات و عواطف شدید زمینه های انحراف را پیش روی زن قرار دهد تکالیف عبادی آن راه ها را تعدیل می کند تا مبادا به انحراف برود[1]» در چگونگی رفتار با دختران و حتی پسران تازه مکلّف لازم است به این نکات توجه شود:

۱. در پوشش دختران با در نظر گرفتن علاقه تازه مکلّف و با توجه به محیط به راحترین و زیباترین نوع ممکن حجاب توجه شود، و بهتر است حدود ۳ سال قبل از تکلیف به مرور زمان و کم کم، ابتدا با روسری مورد علاقه او اقدام نمود.

۲. در انجام فرائض دینی با توجه به وضعیت جسمانی، بهتر است در دختران از سن حدود ۶ سالگی و در پسران از سن حدود ۹ سالگی به مرور زمان آنان را با تشویق، به خواندن نماز آشنا نمود، تا جایی که خودشان گهگاهی نماز بخوانند، و با توجه به وضعیت خانواده در انجام

---

۱ - زن در آیینه جمال و جلال ص،۲۳۸

فرایض، این احتمال هم هست که قبل از بلوغ و حتی قبل از این سنین همواره نماز بخوانند. و در روزه داری با توجه به وضعیت جسمانی با خوردن سحر و چند ساعت افطار نکردن، کم کم می‌توان آنان را تقریباً از همین سنین آشنا به روزه داری نمود.

۳. از بردن تازه مکلّفان به برنامه‌های دینی خسته کننده و به ظاهر وحشت انگیز خودداری شود، مثلاً اگر بناست به مناسبتی در یک برنامه مذهبی و یا یک جلسه دعا شرکت نمود، هنگامی که احساس می‌شود، احتمال خستگی برایشان هست، باید جلسه را ترک کرد.

۴. بیشتر با خانواده‌هایی رفت و آمد شود که بچه هم سن و هم جنس دارند و پایبند به انجام تکالیف دینی‌اند. از تحقیر بچه‌ای که پایبند نیست باید خوداری شود. مثلاً نباید گفت: دوست تو نماز می‌خواند ولی تو نمی‌خوانی. بلکه باید گفت: چه دوست خوبی داری که نماز می‌خواند و ...

۵. سجاده قشنگ، همراه خوشبوترین عطری که دوست دارند، برایشان مهیا شود.

۶. نمازخانه مدرسه و یا جایی که درخانه نماز می‌خوانند؛ زیبا، شیک، معطر و ... طراحی شود.

۷. اهل مسجد با آنان بهترین رفتار را داشته باشند.

۸. مبلغان دینی، والدین و اولیاء مدرسه با تخلّق به اخلاق اسلامی و انجام تکالیف دینی عملاً باعث تشویق نونهالان به رعایت اخلاق

اسلامی و انجام فرائض دینی شوند، به گونه‌ای که افتخار حضور در بارگاه الهی برایشان جذّاب و شیرین باشد. فی المثل اگر خانم مدیر یا خانم معلّم دانش آموز دختر را الزام به حجاب و عبادت کند ولی خودش در بیرون مدرسه رعایت نکند، مثمر ثمر نخواهد بود.

۹. برنامه آموزشی به گونه‌ای طراحی شود که نماز در اوّل وقت برگزار شود، علاوه بر آن اعضای خانواده هم نماز را مهمترین وظیفه شان بدانند، نه اینکه در آخر وقت به حالت اجباری در کنار تلویزیون روشن و سر و صدای زیاد، با عجله و بدون دقت نماز بخوانند، که این‌چنین نمازی نو نهال تازه مکلّف را راغب به نماز نخواهد کرد علاوه بر آن تا آنجا که امکان دارد نماز در مسجد اقامه شود.

۱۰. در نماز جماعت مدرسه به واجبات و اقل مستحباب اکتفا شود و بین الصلاتین از سخنرانی و دعاهای طولانی خودداری شود.

۱۱. امام جماعت خوش اخلاق، عامل به وظایف و دارای صدایی زیبا و دلنشین باشد.

۱۲. از اطاله مراسم صبحگاهی خاصّه در هوای نامساعد و بیان مسائل دینی و حتّی دعاهای تکراری پرهیز شود.

۱۳. اگر از نونهال تازه مکلّف تکلیفی ساقط شد، یا فعلی قبیح سرزد، بدون ملامت و سرزنش با کمال محبت باید او را به وظیفه آشنا نمود، و جبران و قضای تکلیف ساقط شد را به او آموخت.

۱۴. تذکر به جا و شیرین باشد. مثلا اگر بچه تازه مکلف مشغول نگاه

کردن به برنامه مورد علاقه اش در تلوزیون است و یا اشتغال به کاری دارد که برایش جذاب ست نباید برای واجبی موسع مانند نماز او را تذکر داد که ممکن است به نماز بدبین شود.

۱۵. اگر در تازه مکلفی ضعف در انجام واجبی یا امری اخلاقی وجود دارد بهتر است با یاد آوری ویژگی های مثبتش او را به آن تذکر دهیم.

۱۶. اسلام و تکالیف آن آسان بیان شود **﴿یُرِیدُ اللهُ بِکُم الیُسرَ و لا یُرِیدُ بِکُم العُسرَ﴾**[1]

خداوند برای شما آسانی و راحتی می‌خواهد، و برای شما سختی و دشواری نمی‌خواهد.

«تاریخ می‌نویسد: وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مُعاذبن جبل را برای دعوت و تبلیغ مردم یمن، به یمن فرستاد – طبق نقل سیره ابن هشام – به او چنین توصیه می‌کند:

یا معاذُ بَشِّر و لا تُنَفِّر، یَسِّر و لا تُعَسِّر

ای معاذ بشارت بده، و مردم را به دین متنفّر نکن آسان بگیر و سخت نگیر[2].»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَم یُرسِلنِیَ اللهُ بالرَّهبانِیَّةِ ولکنَ بَعَثنی با لحَنیفیَّةِ السَّهلَةِ السَّمحَةِ»[3]

---

۱ - بقره، آیه ۱۸۵

۲ - سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۳۷ به نقل از کتاب سیری در سیره نبوی، ص ۱۸۲ – ۱۸۳ – ۱۸۴

۳ - الکافی، ج ۵، ص ۴۹۴ به نقل از کتاب سیری در سیره نبوی، ص ۱۸۹

خداوند مرا برای رهبانیّت و ترک دنیا نفرستاده است و امّا مرا به شریعتی آسان و با گذشت مبعوث نموده است.

۱۷. اسلام به زبانی ساده در خور درک تازه مکلف به گونه ای زیبا و شیرین بیان شود که فراگیری و عنایت به آن برایش جذاب و دلنشین باشد.

۱۸. زن به اقتدار مرد با دید احترام بنگرد و متابعت عملی کند، تا فرزندان علاوه براینکه از والدین پیروی می‌کنند، در سن تکلیف متابعت عملی از خداوند را بفهمند.[1]

حدیث سی و هفتم: دختران حسنه‌اند

«اَلبَناتُ حَسَناتٌ وَ البَنُونَ نِعَمٌ ، فَالحَسَناتُ تُثابُ عَلَیهِنَّ وَ النِّعمَةُ تُسألُ عَنها»[2]

دختران حسنه‌اند، و پسران نعمت برای حسنات پاداشی می‌آید، و از نعمت‌ها باز خواست می‌شود.

مسافری که با ورودش فضایی را مملوّ از عشق و محبت می‌کند، و عطر وجودش آن‌گونه باعث معطر شدن فضا می‌شود، که نزول خیرات و برکات،

---

۱ – اقتدار به معنی زورگویی نیست، بلکه به معنای فرماندهی و تکیه گاهی با توجه به توانمندی مرد است، و مرد هم باید عاطفه زن را درک کند و با دید احترام بنگرد و اموری که مربوط به عاطفه است مثل دکوراسیون آشپزخانه و ... باید تابع زن بود. در هر صورت مشورت با همدیگر و حتی اولادی که در سن مشورت هستند، باعث تحکیم و گرمی بیشتر می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب آسیب های زندگی زناشویی اثر مولّف مراجعه شود.

۲ – امام صادق علیه السلام، تحف العقول، ص ۶۹۶

همراه آرامش و سعادت به همراه آن است، عزیزتر و گرامی‌تر از مسافری-ست که ورودش بر بار مسئولیت می‌افزاید.

حسنات باعث افزایش ایمان و تعالی روح و تقویت جان می‌شود، حضور دختر پاک و مومن درخانه باعث نزول فرشتگان و افزایش روزی و آرامش برای اهل خانه است. پاداش آن مانند پاداش اعمال مستحبی و بالاتر از آن است، البته همه درگرو تربیت صحیح است.

به خاطراهمیّت موضوع است که پیامبر فرمودند: «بهترین فرزندان شما دختران هستند.»[1]

«علامت خوش قدمی زن اینست که نخستین فرزندش دختر باشد.»[2]

«هیچ خانه‌ای نیست که در آن دختران باشند، جز این که هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آن فرود می‌آید و دیدار فرشتگان از خانه قطع نمی‌شود و هر روز و شب برای پدر آنان عبادت یکسال را می‌نویسند. چه خوب فرزندانی هستند دختران، نازک دل، مهیا برای کار، همدم، خجسته ...

کسی که دل دختری از خاندانش را به چیزی شاد کند، آفریدگار پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می‌سازد.

دادن هدیه باید از دختران آغاز شود، همانا پروردگار والا با دختران و

---

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱۵ به نقل از کتاب همسرداری، ص ۲۹۲

۲ - همان

زنان مهربان‌تر است و کسی که با آنان مهربان‌تر باشد، بسانِ کسی است که از بیم خداوند والا گریسته است.

کسی که دختر یا زنی را شاد کند، پروردگار در روز هراس بزرگ (رستاخیز) او را شاد می‌گرداند.

کسی که دختری داشته باشد و او را نیازارد و تحقیر نکند و پسرانش را براو برتری ندهد، خداوند وارد بهشتش می‌کند.

اگر تولد دختری را به او خبر می‌دادند، می‌فرمود: گلی است و روزیش با خداوند است. با بانوان درباره دختران‌شان شور کنید.

دختران را ناخوش ندارید که آنان مایه اُنس‌اند و...»[1]

امّا پسر با همه محاسنی که دارد، جزء نعمت‌های الهی‌ست که مسئولیت وجود او برای والدین بیشتر است و باید در تربیت او تلاش بیشتری کنند، که در جامعه و خانواده مسئولیت بیشتری دارد.

البته همه بستگی به ایمان و عمل صالح خود شخص، و چگونگی تربیت اولاد دارد.



---

۱ - پیامبر اکرم ﷺ، همنام گل های بهاری، ص ۱۷۱ و ۱۷۲

حدیث سی و هشتم: دختر مانع آتش جهنم

«لَیسَ اَحَدٌ مِن اُمَّتِی یَعُولُ ثَلاثَ بَناتٍ اَوثَلاثَ اَخَواتٍ فَیُحسِنُ اِلَیهِنَّ اِلّا کُنَّ لَهُ سَتراً مِنَ النّارِ»[1]

از امت من نیست کسی که سه دختر یا سه خواهر را اداره نماید و یا آنان به نیکی رفتار کند، جز آنکه آنان میان او و آتش جهنم پرده و مانعی خواهند بود.

تابش نور مستقیم خورشید در هوای گرم تابستان از پنجره به داخل اطاق علاوه بر اینکه باعث سلب تحمّل انسان می‌شود، فرش و موکت و دیگر لوازم زندگی را هم دچار آسیب می‌کند، امّا پرده‌ای مناسب مانعِ گرمای سوزان با نور شدید می‌شود، و امنیت لوازم منزل را هم تأمین می‌نماید. البته اگر پرده تزیینی باشد و نتواند مانع نور شدید شود، علاوه براینکه سودی برای آن نیست چشم‌های ناپاکی را هم وادار به سرک کشیدن به درون خانه می‌نماید، و آسایش اهل خانه را سلب می‌کند اگر چه این فعل شرعاً جایز نیست.

یکی از راه‌های نجات انسان از آتش جهنم داشتن دختر و تربیت نیکو و پسندیده‌ی اوست، تا آن دختر به منزله پرده‌ای بین او وآتش جهنم شود، همانگونه که پرده منزل انسان را از گرمای سوزان تابستان محافظت می‌کند. آن‌گونه که پرده زینتی و تجملاتی چشم‌های ناپاک را به حریم منزل می-

---

۱ - پیامبر اکرم ﷺ، نهج الفصاحه، ص ۴۵۰

کشاند، دختری که بد تربیت شود، و با ظاهری بزک کرده در دید نامحرمان حاضر شود، چشم‌های ناپاکی را به حریم خود و پدرش می‌کشاند.

«مَن عال ثلاثَ بناتٍ فَأدَّبَهُنَّ وَ زَوَّجَهُنَّ وَ أحسَنَ إلیهِنَّ فَلَهُ الجَنَّةُ»[1]

کسی که سه دختر داشته باشد، و آنان را تربیت کند و شوهر دهد و به آنان نیکی کند، پاداش وی بهشت است.

و این هم بدان معنی نیست که تکالیف دینی تعطیل شود، به یقین انسان زمانی در تربیت اولاد موفقیت بیشتری دارد، که خودش پایبند به وظایف شرعی باشد. در هر صورت از عمده دلایل نجات انسان از آتش جهنم با تربیت دختران شایسته می‌تواند این موارد باشد:

۱. با توجه به ساختار جنسیّتی و شدّت عاطفه نیاز دختران به محبت و توجه بیشتر است و اگر برخورد محبت‌آمیز از آنان دریغ شود، چه بسا هنگام بلوغ برای ارضاء غریزه محبت خواهی دست نیاز به سوی اغیار دراز کنند و از حریم عفت خارج شوند. یک از دلایلی که بعضی از دختران در سنین نوجوانی و جوانی گرفتار دوستی جنس مخالف می‌شوند، محرومیت از محبت والدین، خاصّه پدر است.[2]

---

۱ - کنز العُمّال، ج ۱۲، ص ۴۴۹

۲ - در این زمینه لازم است به این نکات توجه شود: الف- دخترانی که بدون پدر زندگی می‌کنند معمولاً حدود ۶ ماه زودتر بالغ می‌شوند و زودتر هم به پیری می‌رسند. ب- دخترانی که از پدرانشان رضایت دارند غالباً سعی می‌کنند با مردی ازدواج کنند که حتی از نظر ظاهر شبیه پدرشان باشد. ج- اگر دختری از محبت پدری محروم بود، دیگر مردان محرم از قبیل ناپدری، پدر بزرگ، عمو، دایی،

۲. دختران امروز مادران فردایند. تربیت صحیح دختران یعنی تربیت مادرانی که در دامن پاکشان مردان و زنانی تربیت می‌یابند و آن باعث حفظ جامعه از انواع آلودگی‌های اخلاقی و انحرافات وسبب مصونیت جامعه می‌شود. جامعه پاک و سالم جامعه‌ای است که می‌تواند در عرصه‌های گوناگون علمی و سیاسی با حفظ سلامت اخلاقی، موفقیت بیشتری ارائه دهد.

۳. دلسوزی و محبت دختران نسبت به پسران معمولاً بیشتر است، و دختر شایسته پشتوانه‌ای قوی و محکم برای والدین خاصه در هنگام نیاز است، البته مشروط به ازدواجی شایسته تا شوهرش مانع خدمت رسانی به والدین نشود. چه بسیار زنان مومن و فداکار برای پدر و مادر شوهر هم لطف و محبت دخترانه دارند.

۴. دختران زودتر مکلّف می‌شوند و عبادت خالصانه آنان و دعایشان در حق والدین به یقین مورد توجه خاصّ خداوند قرار خواهد گرفت.

برادر بزرگتر سعی کنند تا آنجا که امکان دارد این محبت را جبران کنند. د- همانگونه دختری که از محبت پدری بی بهره است احتمال رفتن به سوی دوست پسر برایش ممکن است پسری هم که از محبت مادری بی بهره است احتمال دارد به سوی دوست دختر برود. در اینجا هم لازم است پسرانی که فاقد مادرند سایر نزدیکان محرم از قبیل نامادری، مادربزرگ، عمه، خاله، خواهر بزرگتر حتی الامکان به او محبت مادری بورزند.

حدیث سی و نهم: دوشیزه مانند میوه روی درخت است

«اِنَّ الاَبکارَ بِمنزلَةِ الثَّمَرِ عَلَی الشَّجَرِ اِذا ادرکَ ثِمارُها فَلَم تُجتَن اَفسَدَتهُ الشَّمسُ و نَثرتهُ الرِّیاحُ وَ کَذلِکَ الأَبکارُ اِذا اَدرَکنَ ما یُدرِکُ النِّساءُ فَلیسَ لَهُنَّ دَواءٌ اِلّا البُعُولَةَ و اِلّا لَم یُومَن عَلیهِنَّ الفَسادُ لِاَنَّهُنَّ بَشرٌ»[1]

دوشیزه‌گان، مانند میوه‌های روی درخت‌اند، اگر میوه‌ها پخته شوند، و چیده نشوند، آفتاب آن را فاسد می‌کند و بادها آن را می‌پراکند، همچنین اگر دوشیزه‌گان به سنی رسند و آنچه را که زنان می‌فهمند، (نیاز جنسی) بفهمند؛ برای آنان دارویی جز شوهر نیست، در غیر اینصورت نباید از فساد آنان در امان بود، چون آنان انسانند.

زیبایی و منفعت گل‌های بعضی از درختان در تبدیل آن به میوه است. نمونه بارز آن را می‌توان در گل زیبای انار یافت که تبدیل به بهترین میوه می‌شود.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: انار سرور و سیّد میوه‌هاست.»[2]

چون سرشار از ویتامین آ، بی، ای، سی، کا، کلسیم و آهن است که ارزش هیچ میوه‌ای به اندازه آن نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند: میوه صد و بیست گونه است و بهترین همه آنها انار است. مهم‌ترین خواص و فواید انار را می‌توان اینگونه بیان داشت:

---

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۱

۲ - طب النبیّ، ص ۳۰۳

۱- برای مبتلایان به مرض قند و امراض عفونی مناسب است. ۲- خوردن آن برای اسهال مفید است. ۳- خون را صاف می‌کند و از خونریزی جلوگیری می‌نماید.۴- برای نرمی پوست خوب است. ۵ - رنگ رخساره را شاداب می‌کند. ۶ - بی اشتهایی را از بین می‌برد. ۷ - کار کبد را آسان می‌کند. ۸ - رب انار برای کبد و دفع صفرا مناسب است. ۹- خون ساز است و ...

با وجود آن زمانی این خواص از انار بروز می‌کند، که اولاً در پرورش درخت آن کاملاً مهندسی شود و با توجه به موقعیت جغرافیایی از آب، نور، دما و کود مناسب استفاده گردد، تا محصول آن اناری مناسب و با کیفیّت باشد. ثانیاً بعد از رسیده شدن، از درخت کنده شود و تناول گردد. اگر در پرورش درخت انار کوتاهی شود، محصول آن اناری مطلوب نخواهد بود. و اگر زمان کنده شدن انارخوب و شیرین و مناسب ازحالت معمولی بگذرد و یا بعد ازکنده شدن در هوای آزاد و یا در فریزر گذاشته شود، اگر پوسیده نشود، طبعاً نمی‌توان خواصّ اولیه را در آن یافت. چه بسا زیان‌ها و ضررهایی را هم متوجه خورنده کند. ثالثاً خوردن انار به وقت حتی باعث تکامل آن می‌شود و در ارتزاق مومن درجه‌ای از کمال نصیب انار می‌گردد.

«گر اناری می‌خری خندان بخر   تا دهد خنده ز دانه او خبر»[1]

«پیامبر اکرمﷺ فرمودند: میوه در فصلش باعث سلامت تن و از بین

---

۱ - مثنوی، ص ۳۷

رفتن اندوه است و خوردن میوه را در پایان فصلش رها کنید، زیرا در این هنگام دردی برای تن است.»[1]

دختر مانند میوه خاصه میوه انار است، که باید با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی در جمیع جهات به تعلیم و تربیت او پرداخت تا با رسیدن به سن ازدواج به رشد عقلی ازدواج هم برسد و با تشکیل خانواده اولاً با رسیدن به مرحله‌ای از تکامل از انواع بیماریهای جسمی و عصبی، سردرگمی و فساد اخلاقی و آلودگی در امان بماند و باعث تداوم نشاط و شادابیش گردد، که ازدواج در سنین بالا چه بسا به خاطر بعضی از امیال سرکوفت شده، او را دچار مشکل سازدحتی احتمال نازایی و زاییدن غیر طبیعی و نقص در اولاد را هم نباید بعید دانست. ثانیاً به یقین در ازدواج صحیح به موقع کفائت سنی هم بیشتر مورد دقت قرار می‌گیرد که خودش باعث افزایش نشاط و شادابیست.

«امام صادق علیه السلام فرمودند: ازسعادت مرد آنست، که دخترش در خانه‌اش رگل نشود.»[2]

نکته ای که حائز اهمیت است عنایت به انواع کفائت ها در ازدواج است اگر چه کفائت صددرصد در همه زمینه ها امری محال و غیر ممکن است.

---

۱ - طَب النبی، ص ۲۹۸

۲ - الحکم الظاهره، ص ۴۳۳، این حدیث به خاطر اهمیّت موضوع ازدواج به موقع است برای کسب آگاهی بیشتر از راهکارهای مناسب جهت ازدواج به موقع جوانان با توجه به تحصیل و مشکلات احتمالی به کتاب زنان را عاشقانه باور کنیم، مبحث « دختران را از ازدواج محروم نکنید » اثر مولف مراجعه کنید.

اما توجه به کفائت های دینی، علمی، سنی، خانوادگی، ظاهری و ... در حد ممکن باید لحاظ شود به همانگونه که در کتاب آسیب های زندگی زناشویی به آن پرداخته ایم کفائت همواره به معنای هم سطح بودن نیست. مثلا در کفائت علمی بهتر است مرد یک درجه از زن بالاتر باشد یا در کفائت سنی مرد سه تا هفت سال که بهتر آن پنج سال است از زن بزرگتر باشد. چون قوام و تکیه گاه زن است و در کفائت ظاهری زن اندکی از مرد زیبا تر باشد و ...

توصیه می شود سالانه اعضای مشاغل همنوع هر شهرستان یا دوستان با اعضای خانواده در جلسه ای به هر عنوان ممکن حضور یابند و در این نوع جلسات دخرتن و پسران همدیگر را با لحاظ همه کفائت های دیگر و فرآیند های مربوط به ازدواج شناسائی کنند تا کفائت خانوادگی بهتر امکان یابد و همچنین بهتر است سن والدین دختر و پسر نیز نزدیک به هم باشد. مثلا اگر پدر دختری در میانسالی است و پدر پسر در کهنسالی برای دختر درک پدر شوهر که باید مانند پدرش باشد گاهی مشکل می شود و بالعکس. البته این قائده کلی نیست چه بسا استثناء جواب بسیار مناسب داده است.

«دختری کرد سوال از مادر / که چه طعم و مزه دارد شوهر؟
این سخن تا بشنید از دختر / اندکی کرد تامل مادر
گفت با خود که این لعبت مست / گر بگویم مزه‌اش شیرین است
یا غم شوی روانش کاهد / یا بلافاصله شوهر خواهد
ور بگویم مزه آن تلخ است / تا ابد می‌کشد از شوهر دست

لاجرم گفت بدو ای زیبا ترش باشد مزه شوهرها
دخترک در تب و تاب افتاد گفت : مادر دهنم آب افتاد»[1]

حدیث چهلم: فاطمه پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله

«فاطِمَةُ بِضعَةُ مِنّی مَن سَرَّها فَقَد سَرَّنی وَ مَن ساءَها فَقَد ساءَنی فاطمةُ اَعَزُّالبَریَّة عَلَیَّ»[2]

فاطمه پاره تن من است. هر کس او را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است و هر کس به او بدی کند، به من بدی کرده است. فاطمه عزیزترین مخلوقات برای من است.

گاهی زیباترین و خوشبوترین گل به گونه‌ای در یک گلزار طراحی شده است، که علاوه بر اینکه مواد مورد نیاز گل‌های دیگر باید از آن مسیر تامین شود، اگر آسیبی متوجه آن شود، گلزار فاقد ارزش می‌شود. فاطمه علیها السلام گل مرکزی گلزار بزرگ عالم خلقت است، که آسیب به او یعنی آسیب به عالم خلقت. او واسطه فیض است و پاره تن پیامبر.

هواپیمایی که بنا دارد موقت انسان‌هایی را آسمانی کند، باید تمام قطعات، خاصّه موتور آن در سلامت باشد، اگر به قطعه‌ای آسیبی برسد، به یقین هواپیما دچار مشکل خواهد شد، حال پیامبری که آمده است تا همه

---

۱ - به نقل از مجله مادران، شماره ۴۰، خرداد ۱۳۹۰، ص ۱۶

۲ - امالی، ج ۱، ص ۵۸

انسانها را برای همیشه آسمانی کند، باید تمام اعضایش در نهایت سلامت باشد و فاطمه پاره تن پیامبر و موتور حرکت پیشبرد اهداف بلند آسمانیِ اوست، فاطمه عزیزترین و با ارزشمندترینِ عضو پیامبر است که آسیب رساندن به او به یقین پیامبرﷺ را در پیشبرد اهداف بلندش که نجات همه انسان‌ها از امیال دنیوی، زمینی ست، با مشکل مواجه می‌سازد اذیت فاطمه فقط اذیت ظاهری و غصب فدک نیست اگر فاطمه هزاران فدک و هزاران جان می‌داشت، به حتم و یقین حاضر بود آن راجهت پیشبرد هدف بزرگ پیامبرﷺ که هدف خداست و آن حفظ ولایت و نجات امت از ضلالت و کژ روی‌های بعد او بود، می‌داد. اذیت فاطمه نادیده گرفتن راه او، عدم توجه به کلام اوست، اذیت فاطمه غصب خلافت بر حق علی ست، اذیت فاطمه حکومت‌های جور و ستم به نام اسلام است، اذیت فاطمه عدم توجه به وصیت پیامبر است که فرمود:

«اِنّی تارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَینِ: کتابَ اللهِ وَ عِترَتِی ما اِن تَمَسَّکتُم بِهِما لَن تَضِلُّوا بَعدِی اَبداً ...»[1]

همانا من در میان شما دو چیز گران‌سنگ به یادگار می‌گذارم: کتاب خدا و عترت من، تا زمانی که به این دو چنگ بزنید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد ...

به حتم و یقین آویخته شدن، به ثقلین مانند آویخته شدن، به ضریح امام

---

۱ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۰

یا امامزاده با زور و فشار برای طلب حاجات مشروع و غیر آن نیست.[۱]

بلکه حریصانه متابعت عملی از راهنمودهای اینان برای زندگی شرافتمندانه و مرگ عزتمندانه است. و فاطمه، مادرپدرش «أمّ أبیها» نه فقط ازآن حیث که بادستان کوچکش، پرستاری بزرگ، برای پدرخسته ازجهل جاهلان و عِناد دشمنان است، نه فقط از آن حیث که پدرش را مادرانه نوازش می‌دهد و از او دلجویی می‌کند، نه فقط ازآن حیث که مانند یک مادر بهترین غمخوار پدر است، ازآن حیث که بهترین محافظ سنت و آیین پدر است، آنگونه که مادر بهترین محافظ فرزند و دلسوز برای حفظ او و اعتقاد و اندیشه پسندیده اوست. فاطمه مادر پدرش یعنی مادر حسنین، که حسنین از پیامبرند و پیامبر از آنان. حسن با صلح و حسین با قیام و خون محافظ آیین پیامبر می‌شوند که از دامان پاک فاطمه پا به عرصه عالم نهاده‌اند. فاطمه مادر پدرش یعنی مادر زینبین که کربلا وامدار اینان خاصّه زینب بزرگ است و زینب رسالت حسین را که همان رسالت پیامبر است را آنگونه به پیش می‌برد که اگر نبود، عظمت آن برای تاریخ ناگفته می‌ماند و اثر آن کمتر نمایان می‌گشت.

آری فاطمه علیها السلام مادر پدرش، که اوّلین مدافع ولایت علی این منصوب مستقیم خدا و رسولش با همه وجود می‌شود. آری فاطمه مادر پدرش که او

---

۱ - زیارت اماکن مقدسه خاصه قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بسیار مستحب و مورد تاکید است امّا باید به آداب زیارت توجه نمود.

ریشه نبوت است و نبوت مقدمه امامت و ریشه عامل حفظ حیات و فاطمه علیها السلام عامل حفظ حیات است، هر چند او از صلب پیامبر صلی الله علیه و آله است، امّا گویا نور وجودش قبل از خلقت عالم و آدم بر همه تابیده است؛ و از آن حیث قدمت می‌یابد و مادری بی بدیل برای همه و خاصّه پدرش می‌شود.

و فاطمه علیها السلام نمونه‌ای بارز و تنها زن از آیه تطهیر که جدا شده از همه ناپاکی‌هاست.

﴿اِنّما یُریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُم الرِّجسَ اَهلَ البَیتِ و یُطَهِّرَکُم تَطهِیراً﴾[1]

خداوند می‌خواهد فقط شما اهل بیت را از هر نوع پلیدی و گناه دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

و فاطمه علیها السلام تنها زن مُطَهَّر که توان درک حقیقت کلام خدا را در لوح محفوظ دارد.

﴿لا یَمَسُّهُ اِلّا المُطَهَّرون﴾[2 و 3]

و فاطمه علیها السلام یک زن بالاتر از همه زنان.



1- احزاب، آیه ۳۳

2- واقعه، آیه ۷۹

3- منظور از مطهرون کسانی است که خدای تعالی دلهایشان را از هر رجس و پلیدی یعنی از رجس گناهان و پلیدی ذنوب پاک کرده، و یا از چیزی که از گناهان هم پلیدتر و عظیم‌تر و دقیق‌تر است، و آن پاکدست از تعلق بغیر خدای تعالی . . . مانند ملائکه گرام و برگزیدگانی از بشر (۱۴ معصوم)، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۷۹

﴿فَقُل تَعالَوا نَدعُ أبناءَ نا و أبناءَكُم وَنِساءَ نا و نِساءَ كُم وأنفُسَنا وَ أنفُسَكُم ....﴾[۱]

پس بگو بیایید، بخوانیم پسران‌مان را و پسران‌تان را و زنان‌مان را و زنان‌تان را و جان‌مان را و جان‌تان را ...



و فاطمه علیها السلام آنکه علی علیه السلام مفتخر به وجود اوست.

«وَ مِنّا خَيرُ نِساءِ العالَمينَ»[۲]

و از ماست بهترین زنان جهانیان.

و فاطمه علیها السلام تنها زنی که زوجیّت با کفائت تمام در وجود او و همسرش علی ست.

و فاطمه علیها السلام مصداقی بارز از نزول سوره «هَل أتی» که «وَ يُطعِمُونَ الطَّعامَ عَلى حُبِّهِ مِسكِيناً وَ يَتِيماً وَ أسيراً ....»[۳] را زینت می‌دهد.

و فاطمه علیها السلام حبیبه خدا، آنگاه که به محراب عبادت می‌ایستاد، آسمانیان از نور وجودش روشنی می‌گرفتند.

«... عَنِ ابنِ عُمارَةَ عَن أبيهِ قالَ سَألتُ أبا عَبدِاللهِ علیه السلام عَن فاطِمَةَ لِمَ

---

۱ - آل عمران، آیه ۵۵. آیه مباهله که مصداق نساء نا (زنان ما) فقط فاطمه بوده است که بالاتر از همه زنان است. برای کسب اطلاعات بیشتر به تفاسیر ذیل آیه مربوطه مراجعه شود.

۲ - نهج البلاغه، مکارم، ج ۳، ص ۵۰، فیض الاسلام، ص ۸۹۴، نامه ۲۸ امام علیه السلام در پاسخ به نامه معاویة بن ابی سفیان که در آن ادعاهای نادرست و سخنان بیهوده او را گوشزد فرمودند.

۳ - هَل أتی (دهر، انسان)، آیه ۸ و غذای خود را با آنکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند. اشاره دارد به سبب نزول این سوره. جهت کسب اطلاعات به تفاسیر مراجعه شود.

سُمِّيَت زَهراءَ فَقالَ لِأَنَّها كانَت اِذا قامَت فِي مِحرابِها زَهَرَ نورُ ها لِأَهلِ السَّماءِ كَما يَزهَرُ نورُ الكواكِبِ لِأَهلِ الأَرضِ»[1]

... از امام صادق‌ؑ درباره فاطمه‌ؑ پرسیدم که چرا زهرا نامیده شد پس فرمود: هنگامی که در محرابش برای عبادت می‌ایستاد نورش اهل آسمان را روشن می‌کرد، آنگونه که نور ستارگان اهل زمین را روشن می‌کند.

و فاطمه‌ؑ الگوی مَهدی که او احیا گر سنت جدش محمّد و برپا دارنده عدل وداد و نابود کننده ظلم و ستم است.

«فِي ابنةِ رسولِ اللهِ لِي اسوةٌ حَسَنَةٌ»[2]

دختر رسول خدا برایم نمونه‌ای نیکوست .

و فاطمه‌ؑ کوثر پیامبر، کثرت عالم و بقای آن، وابسته به وجود اوست.

«اِنّا اَعطَيناكَ الكَوثَرَ»[3]

همانا بر تو (ای پیامبر) کوثر را عطا کردیم.

و فاطمه‌ؑ آنکه خداوند از خشم او خشمگین می‌شود و به رضایت او راضی می‌شود.

«عَن رسولِ اللهِ‌ؐ: اَنَّهُ قالَ: يا فاطمةُ، اِنَّ اللهَ (تعالى) لَيَغضَبُ

---

۱ - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷

۳ - کوثر، آیه ۲

لِغَضَبِکِ وَ یَرضی لِرِضاکِ»[1]

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه همانا خداوند متعال از خشم تو خشمگین می‌شود، و از رضایت تو راضی و خشنود می‌شود.

و بالاخره فاطمه علیها السلام امانت بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام که این‌چنین در دل شب به او برگردانده می‌شود:

«روایت شده که: این سخن را امام علیه السلام در کنار قبر فاطمه علیها السلام، سیده زنان جهان، به هنگام دفن او فرموده و گویا با پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید: ای رسول خدا از جانب من و دخترت که هم اکنون در جوارت فرود آمده و به سرعت به تو ملحق شده، سلام. ای پیامبر، از فراق دختر برگزیده و پاکت پیمانه صبرم لبریز شده و طاقتم از دست رفته ... امّا پس از رویرو شدن با مرگ و رحلت تو هر مصیبتی به من برسد کوچک است. (فراموش نمی‌کنم) با دست خود، تو را در میان قبر قرار دادم و هنگام رحلت سرت برسینه‌ام بود که قبض روح شدی، «فَاَنّا لِلهِ و اِنّا اِلیه راجعونَ» «ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم» (ای پیامبر) امانتی که به من سپرده بودی هم اکنون بازداده شد و گروگان باز پس دادم، اما اندوهم همیشگی است و شبهایم همراه بیداری تا آن دم که خداوند سر منزل تو را که در آن اقامت گزیده ای برایم انتخاب کند؛ به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت، که امتت در ستم کردن به وی اجتماع کرده بودند، سرگذشت وی را از او بی‌پرده بپرس

---

۱ - امالی، ج ۲، ص ۹۰

و چگونگی را از وی خبرگیر، وضع این‌چنین است در حالیکه هنوز فاصله‌ای با زمان حیات تو نیفتاده و یادت فراموش نگردیده. سلام من به هر دوی شما باد، سلام وداع کننده . . .»[۱]

«لِکُلِّ اجتِماعٍ مِن خَلیلَینِ فُرقَةٌ و کُلُّ الَّذِی دونَ المَماتِ قَلیلُ
وَ اِنَّ افتِقادِی فاطِماً بَعدَ اَحمَدٍ دَلیلٌ عَلی اَن لا یَدُومَ خَلیلُ»[۲]

در هر اجتماع دو دوست، سرانجام به جدایی می‌انجامد و هر مصیبتی بعد از فراق و جدایی، اندک است. رفتن فاطمه علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل آن است که هیچ دوستی باقی نمی‌ماند.

آری فاطمه، آنکه اگر اجازه داده نمی‌شد، هیچ کس جرأت گفتن و نوشتن از او را به خودش نمی‌داد.

«فاطی از فاطمه خواهد سخنی بین چه می‌خواهد از مثل منی
آن که جبریل پیام آور اوست عارف منزلتش داور اوست
کیست در جمع رُسل جز احمد کاتب وحی وی از سوی اَحَد
دخترم! دست بدار از دل من عشق من جوی در آب و گِل من»[۳]
«اُمّ اب گفتا نبی مرسلی تا شود یاور، برای او علی
جان او با جان حیدر شد یکی نامشان در عالم اعلی سَنی
فاطمه خیرُنساءِ العالمین نور او از سوی محراب بَرین

---

۱ - نهج البلاغه، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۵۷ - ۳۵۹

۲ - سوگنامه آل محمّد صلی الله علیه و آله، ص ۳۳ « مورّخ معروف مسعودی می‌نویسد: امام علی علیه السلام در کنار جنازه زهرا علیها السلام با سوز و گداز این مرثیه را خواندند.

۳ - امام خمینی رحمه الله، دیوان اشعار، ص ۳۱۲

نورخورشید از زمین سوی سما
هست عالم از وجودش در سنا

فاطمه مصداقی از نور و کرم
گرد محرابش ملائک او صَنم

عالم امکان مسخّر از وجود فاطمه
نور پیغمبر درخشان از طلوع طاهره

ام احمد ام اولاد علیّ
در جمالش عالمین باشد سبیّ

جبرئیل آمد حضورش با ادب
چند ماهی بعد پیغمبر ز رب

می‌نوشت مولا وحیش با قلم
خون دلها خورد فراقش بوالکرم

هست کوثر آن وجود نازنین
در غم کوثر، همه عالم حزین

در کمالش هیچ زنی عالم ندید
در دل خاک چشم حیدر را که دید؟

عالم معنی برایش پر ز خون
در فراغ بهترین یارِ خَنون

دست پیغمبر امانت چون گرفت
شکوه مولا از آن امت شگفت

یا رسول الله چه کردند بعد تو
غافلانِ آن سراجِ روی تو

در دل شب اشک مولا چونکه ریخت
آسمان اشکی به آن عظمت نریخت»[1]

مایه سپاس و امتنان است که نظرات ارزشمند و کارشناسانه‌تان را در مورد مباحث مختلف این کتاب به پست الکترونیک و وبلاگ تخصصی ارئه شده در ذیل ارسال دارید یا با تماس تلفنی مولّف را آگاه سازید تا در چاپهای بعدی مورد استفاده قرار گیرد و نقایص احتمالی بر طرف شود.

امید است مطالعه این کتاب و دو کتاب دیگر آسیب‌های زندگی زناشویی و زنان را عاشقانه باور کنیم اثر مولّف و دهها کتاب گرانسنگ از علماء و دانشمندان در گرمی زندگی زناشویی مفید واقع شود.

---

۱ - مولّف

در ضمن شما می‌توانید روزهای یکشنبه و سه‌شنبه ساعت ۱۱-۹ صبح در امور مربوط به خانواده و ازدواج تلفنی با مولف مشاوره نمایید.

همراه مولف: ۰۹۱۱۱۴۵۴۳۶۲ Gmail:bolouki.e@gamil.com

وبلاگ تخصصی مولف: boloukirasool.blogfa.com

کتابنامه

۱. القرآن الکریم
۲. ازدواج در اسلام، آیة الله علی مشکینی
۳. احتجاج، احمدبن علی طبرسی (شیخ طبرسی)
۴. امالی، محمدبن حسن طوسی ترجمه صادق حسن زاده
۵. بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی
۶. بی میلی جنسی، یوسف غلامی
۷. تحف العقول، شیخ ابومحمّد حرّانی، ترجمه صادق حسن زاده
۸. ترجمه غررالحکم، مهدی انصاری قمی
۹. تفسیر المیزان، سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه سیدمحمّدباقرموسوی همدانی
۱۰. تفسیر نمونه، آیة الله ناصرمکارم شیرازی
۱۱. الحکم الظاهره، علی رضا صابری یزدی
۱۲. حلیة المتّقین، علامه محمّدباقر مجلسی
۱۳. الحیاة، محمدرضاحکیمی، محمدحکیمی، علی حکیمی
۱۴. دعائم الاسلام، النعمان بن محمّد التمیمی المغربی
۱۵. دوبیتی‌های باباطاهر، باباطاهرعریان(همدانی) براساس نسخه وحید دستگردی و سایر نسخ معتبر
۱۶. دیوان امام(مجموعه اشعار امام خمینی)، امام سیدروح الله موسوی خمینی
۱۷. دیوان حافظ، شمس الدّین محمّد حافظ
۱۸. دیوان فرخی یزدی، دکتر سیداحمد حسینی کازرونی
۱۹. راز یک فریب، یوسف غلامی
۲۰. رساله اجوبة الاستفتاءات، آیة الله سید علي خامنه‌ای
۲۱. زن در آینه جلال و جمال، آیة الله عبدالله جوادی آملی
۲۲. سنن کبری، احمدبن حسین البیهقی
۲۳. سوگنامه آل محمّد|، محمّدی اشتهاردی
۲۴. سیری در سیره نبوی، استاد شهید آیة الله مرتضی مطهری

۲۵. طبّ النبّی، عباس عزیزی
۲۶. فرهنگ عمید، حسن عمید
۲۷. فرهنگ معین، دکتر محمّد معین
۲۸. قصص الانبیاء، ابراهیم بن منصور نیشابوری
۲۹. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی
۳۰. کنز العُمال، علی المتقی بن حسام الدین هندی
۳۱. کلیات سعدی، مصلح بن عبدالله سعدی (براساس نسخه محمّدعلی فروغی)
۳۲. مثنوی معنوی، مولانا جلال الدّین محمّد مولوی
۳۳. مجله مادران
۳۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی
۳۵. مشکوة الانوار، شیخ علی طبرسی
۳۶. من لا یَحضُره الفقیه، الشیخ الصدوق
۳۷. میزان الحکمة، محمّد محمّدی ری شهری
۳۸. نجوای دل، مسعود اسلامی
۳۹. نهج البلاغه، آیة الله ناصر مکارم شیرازی
۴۰. نهج البلاغه، حاج سید علی فیض الاسلام
۴۱. نهج الفصاحه، علی کرمی فریدونی
۴۲. وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی
۴۳. همسرداری، ابراهیم امینی
۴۴. همنام گلهای بهاری، حسین سیدی
۴۵. سایت‌های مختلف
۴۶. صدا و سیمای جمهوری اسلامی

قالَ رَسُول الله(ص):



فاطِمَةُ بِضعَةُ مِنّی مَن سَرَّها فَقَد سَرَّنی وَ مَن ساءَها فَقَد ساءَنی فاطمةُ اَعَزُّ البَرِیَّةِ عَلَیَّ

فاطمه پاره تن من است. هر کس او را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است و هر کس به او بدی کند، به من بدی کرده است. فاطمه عزیزترین مخلوقات برای من است.

امالی، ج ۱، ص ۵۸



مراکز پخش:
انتشارات بیت الاحزان فاطمه ﷺ
قم: خیابان معلم، روبروی دبیرستان امام صادق ﷺ